



مطالعات تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی

سالنامه تخصصی

سال سوم / شماره سوم / سال ۱۴۰۴

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی ع العالمیه

محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

انجمن علمی - پژوهشی علوم تربیتی

مدیر مسئول: سید امیر رضا طاهایی

سرمدیر: هاجر ذبیحی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

صغری حسینی، طاهره جوانمرد،

فاطمه صادقی، فضا فدایی، حمید رضا کاظمی، تسنیم فاطمه کرمعلی، زینب هاشمی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

صفحه بندی: ساجده تدریس حسنی

ویراستاری و چاپ: چاپ گرافیک سحر

نشریه تخصصی مطالعات تعلیم و تربیت با رویکرد اسلامی در تاریخ ۱۴۰۲/۱۱/۲ به شماره ثبت ۷۸۷۴۱

مجوز انتشار از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کرد.

نشانی مجله: قم، پریسان، بلوار امامت، بعد از دانشگاه پیام نور، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

کد پستی: ۳۷۱۶۶-۶۴۴۶۲

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۱۸۰

شیوه نامه

نویسندگان ارجمند جهت ارسال مقاله به موارد ذیل توجه فرمایید:

۱. مقاله دست‌آورد علمی نگارنده بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه دوفصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت.
۳. کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۴. دفتر نشریه در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
۵. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.
۶. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم Bbadr شماره ۱۴ در محیط word حروف چینی شده باشد.
۷. چکیده لاتین مقالات حتما ارسال شود.
۸. کلیه مقالات فقط از طریق سامانه ارسال شود.
۹. مشخصات نویسندگان مقالات به طور کامل (به صورت زیر) در مقاله درج شود:
۱۰. نام و نام خانوادگی، سطح و رشته تحصیلی، رتبه علمی (استاد/ دانشیار/ استادیار/ مربی)، وابستگی سازمانی، موبایل، ایمیل شخصی.
۱۱. مشخصات کلیه نویسندگان به طور کامل در بخش نویسندگان در پورتال درج شود.
۱۲. فایل مقالات (هم فایل word و هم فایل pdf و هم فایل ضمائم) بدون نام نویسنده یا نویسندگان باشد.
۱۳. نویسنده مسئول مقاله مشخص شود.
۱۴. استناددهی درون متنی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد.
۱۵. بررسی اولیه مقاله حداقل ۱۴ روز کاری و حداکثر یک ماه کاری طول خواهد کشید.
۱۶. مقالات با موضوعات جدید و مبتلابه در اولویت بررسی و داوری قرار دارند.
۱۷. مقالاتی به داوری ارسال خواهد شد که در بررسی اولیه امتیاز لازم جهت ارسال به داوری را کسب نمایند.
۱۸. موارد مورد توجه در بررسی اولیه: هماهنگ بودن موضوع مقاله با رویکرد و هدف نشریه، روش پژوهش، کیفیت نظری مقاله، نو و بدیع بودن موضوع.

رفرنس دهی به شیوه APA

الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) در انتهای متن بیان می‌شود؛
 ۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن (پاراگراف یا خط) ارجاع آورده نمی‌شود.
 ۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع، داخل پرانتز انتهای متن (انتهای پاراگراف یا خط) بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)
تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره جلد/ شماره صفحه)
- تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه)
- تبصره: اگر کتاب دارای چند نویسنده باشد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، نام خانوادگی نویسنده دوم،، نام خانوادگی نویسنده سوم، سال انتشار).
- تبصره: اگر کتاب بیش از سه نویسنده دارد: (نام خانوادگی نویسنده اول،، و دیگران، سال انتشار)

ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص

۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا... داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می‌شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار).
- تبصره: اگر کتاب دارای چند جلد باشد: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره جلد/شماره صفحه)
- تبصره: اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: («چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله یا...»، سال انتشار، شماره صفحه)

ج) ارجاع به منابع اینترنتی

نام خانوادگی نویسنده، سال درج متن در سایت یا تاریخ مشاهده متن از سایت

د) ارجاع به پایان‌نامه و رساله

(نام خانوادگی نویسنده، سال نگارش یا انتشار)



تنظیم فهرست منابع

الف) کتاب:

• نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

اگر نویسنده کتاب شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود.

• نام نویسنده (شرکتی) (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). نام مصحح یا مترجم، محل انتشار: انتشاراتی.

ب) مقاله:

• نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

مقاله درج شده در مجموعه مقالات:

• نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجموعه مقالات، شماره ابتدای مقاله شماره انتهای مقاله.

ج) پایان نامه یا رساله:

نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان رساله. رشته و رتبه. دانشگاه.

د) کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت

عنوان کتاب (نوبت چاپ) (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

و) منابع اینترنتی:

عنوان نویسنده، عنوان مقاله، سال درج مقاله در سایت، آدرس سایت، تاریخ مشاهده سایت.

فهرست مقالات

- مؤلفه‌های کوچینگ در منابع اسلامی و نقش کوچینگ آموزشی در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی / لعیا مقدسی، داود صفا..... ۹
- نقش معلم در کنترل و کاهش بیش‌فعالی دانش‌آموزان بانگوشی بر روش‌های تربیتی در اسلام / فاطمه عبداللهی، هاجر ذبیحی ۲۷
- روزه و سلامت جسمانی؛ بررسی فقهی و پزشکی روزه و آثار درمانی آن / حسنیه سروری، زینب هاشمی..... ۴۱
- الگوی تربیت سیاسی زنان در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام : مبانی، مؤلفه‌ها و الزامات اجرایی / حسنی سادات نبی‌زاده، طاهره جوانمرد..... ۵۳
- نقش سبک تربیتی خانواده در بالارفتن سن ازدواج دختران / محدثه سادات حسینی، سید مرتضی عادل..... ۶۹
- بررسی روان‌شناختی سبک‌های تربیتی براساس متون اسلامی و روان‌شناسی / رضیه حسینی، گوهر سادات حسینی..... ۸۱

مؤلفه‌های کوچینگ در منابع اسلامی و نقش کوچینگ آموزشی در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی

لعیا مقدسی^۱، داود صفا^۲

چکیده

بهره‌وری حداکثری از عملکرد مدیران آموزشی به دلیل نقش مؤثر این حرفه در ترقی جامعه و نظام آموزش و پرورش، امری ضروری است. مدیران آموزشی در جامعه اسلامی برای ارتقای هرچه بیشتر عملکرد خود و استفاده از استراتژی‌های نوین آموزشی، نیازمند روش‌ها و ابزارهای به‌روز و کارآمد هستند. کوچینگ ابزاری تعاملی است که با توسعه شایستگی‌های فردی و شغلی، افراد را سریع‌تر و مؤثرتر به اهداف مطلوب می‌رساند. در پژوهش حاضر با هدف تبیینی و کاربرد بنیادی، به روش اسنادی مؤلفه‌های کوچینگ در منابع اسلامی و نقش آن در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی بررسی شد. براین اساس، ابتدا اهمیت ارتقای کیفیت عملکرد و کوچینگ معرفی و مؤلفه‌های این رویکرد در منابع اسلامی بیان شد و نیز اثر استفاده از کوچینگ در عملکرد مدیران آموزشی بررسی گردید. سپس گام‌های فرایند کوچینگ در مدیریت آموزشی تشریح و در نهایت مؤلفه‌هایی مانند توسعه مهارت‌های رهبری، توسعه مهارت‌های مدیریتی، مدیریت زمان و منابع، فراهم آوردن بازخورد، مدیریت تغییرات، توسعه همکاری و تیم‌سازی و تقویت مهارت‌های تصمیم‌گیری از مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی شناسایی شد. نتایج نشان می‌دهد که مؤلفه‌های این رویکرد در منابع اسلامی با مفاهیمی همچون «خودآگاهی»، «تغییر از درون»، «پرسش‌گری» و «گوش دادن فعال» همسویی دارد و در صورت اجرا، روشی کارآمد در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی است.

واژگان کلیدی: عملکرد، کوچینگ، کوچینگ در منابع اسلامی، مدیریت

آموزشی، کوچینگ آموزشی.

۱. دانش‌پژوه ارشد مدیریت آموزشی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: moghadasilaya@gmail.com

ORCID: 0009-0005-3622-0106

۲. استادیار جامعه‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Davood_safa@yahoo.com

ORCID: 0009-0939-2416-0000

۱. مقدمه

کیفیت فعالیت نهادهای اجتماعی یک جامعه تا حد زیادی به عملکرد آموزش و پرورش بستگی دارد. در حال حاضر، کیفیت یکی از محورهای اصلی همه مراکز آموزشی است و ارتقای آن مهم‌ترین وظیفه وزارت آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود. (برزگر، کرمی، ۱۳۹۴) عملکرد، امروزه یکی از دغدغه‌های مداوم مدیران توانمند و علاقه‌مند به بهسازی نیروی انسانی است (سیومینگ و دورا، ۲۰۱۲). مدیران معتقدند که قرن حاضر بیش از هر زمان دیگری در تاریخ به کارایی و بهره‌وری بیشتری نیاز دارد (وایلنت، ۲۰۱۵). با توجه به اینکه مدارس بهترین مکان برای ایجاد تحول ارزش‌ها و رفتارها به‌شمار می‌رود، می‌توان گفت که مدیریت مدارس از مهم‌ترین، مؤثرترین و ظریف‌ترین انواع مدیریت است؛ زیرا موضوع آن انسان است (هاریس، و همکاران، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان داده است که ۹۳٪ دانش‌آموزانی که در مدرسی با مدیران توانمند حضور داشته‌اند، نتایج موفقیت‌آمیزی کسب کرده‌اند، در حالی که این رقم در مدارس با مدیران ضعیف فقط یک درصد بوده است (لینگارد، و همکاران، ۲۰۱۶). گاهی مدیران آموزشی با معلمان مواجه می‌شوند که دچار کمبود اعتماد به نفس هستند. مدیران مدارس از طریق تأثیرگذاری بر انگیزش و توانایی معلمان و ایجاد محیط کاری مناسب، نقش اساسی در بهبود عملکرد، کارایی و عدالت آموزشی دارند. بنابراین، ارتقای کیفیت مدارس بدون مدیریت صحیح، درست و توانمند امکان‌پذیر نیست (فطرت، و همکاران، ۱۳۹۴).

ارتقای مدیریت آموزشی، با توجه به نقش آن در رشد و توسعه وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اهمیت بالایی دارد؛ زیرا با راهنمایی و کمک مدیران آموزشی، به کارگیری مهارت‌های علمی، فنی و هنری تمامی نیروهای انسانی میسر می‌شود و این موضوع زمینه‌هایی را فراهم می‌کند که نظام آموزش و پرورش به اهداف تعلیم و تربیت دست یابد. علاوه بر آن، مدیران مدارس با هماهنگ کردن استعدادها و دانش‌آموزان و بهره‌گیری از شرایط محیطی، برای رسیدن به اهداف آموزشی باید برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت، هماهنگی، نظارت و ارزشیابی کنند.

(رحمان پور و حاجبی، ۱۴۰۲) کوچینگ یا مربیگری، به منظور ارتقای نیروی خودگردان افراد برای کار مؤثر، ابزاری تعاملی است که به افراد در شناسایی، هدایت و تحقق اهداف شخصی و شغلی سریع‌تر از توانایی ذاتی‌شان کمک می‌کند (عبدی، و همکاران، ۱۳۹۷).

در دین مبین اسلام، یکی از صفاتی که برای خداوند در قرآن بیان شده است، صفت «رب» است که به معنای تربیت و سوق دادن به سوی کمال است. هدف کوچینگ نیز پرورش فرد و هدایت او به بهترین حالت ممکن است. (متحدین و جهانگیر، ۱۴۰۱) با پیچیده‌تر شدن ارتباطات جهانی، استفاده از روش‌هایی چون کوچینگ در بروز عملکرد مؤثر، افزایش انگیزه و ایجاد فضای یادگیرنده در سازمان‌های آموزشی بیش‌تر احساس می‌شود (فتحی و جارگاه، و همکاران، ۱۳۹۳). کوچینگ به مثابه یک هنر تحول‌آفرین، نه فقط مهارت، بلکه روشی مؤثر در آموزش و بهسازی به‌شمار می‌رود (عبدی، همکاران، ۱۳۹۷؛ غفاری، و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین، کوچینگ از کارآمدترین راه‌های تقویت افراد و مدیریت عملکرد شناخته شده است (عبدی، و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به اینکه در پژوهش‌های گذشته به موضوع مؤلفه‌های کوچینگ و اثر آن در ارتقای مدیریت آموزشی پرداخته نشده است، این پژوهش با روش اسنادی و کتابخانه‌ای، و با بررسی پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی مانند نورمگز، SID، پرتال جامع علوم انسانی، Springer، Sage Journals، ScienceDirect و Eric، به بررسی مؤلفه‌های کوچینگ در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی می‌پردازد و تلاش دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: مؤلفه‌های کوچینگ در منابع اسلامی کدام است؟ چرا کوچینگ برای مدیران آموزشی ضروری است؟ گام‌های فرایند کوچینگ در مدیریت آموزشی چیست؟ مؤلفه‌های کوچینگ در ارتقای کیفیت مدیران آموزشی کدام‌اند؟

۲. مبانی نظری

مدیریت آموزشی با پیدایش و تحول نظام‌های نوین آموزش و پرورش شکل گرفت. در قرن بیستم، به دلیل توسعه آموزش عمومی، تأسیس مدارس و سازمان‌های آموزشی متعدد، تنوع

روش‌های آموزشی و تخصصی شدن آموزش، ضرورت سازماندهی و مدیریت فعالیت‌های آموزشی آشکار شد. (علاقه‌بند، ۱۳۸۹) ریشه کوچینگ به پیش از دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد و با هدف بهبود عملکرد افراد در محل کار به وجود آمد (احمدی، و همکاران، ۲۰۲۲). در آموزش و پرورش، کوچینگ مجموعه اقداماتی است که به افراد کمک می‌کند با باور به توانایی‌ها و احساسات مثبت، سریع‌تر به اهداف خود برسند و به توسعه فردی دست‌یابند. حضور مربی یا کوچ باعث ارتقای عملکرد تحصیلی و تربیتی دانش‌آموزان و رفع ضعف‌ها با باور به مهارت‌های وجودی آنان می‌شود. این چارچوب برگرفته از تحقیقات پیازه، مدرسه کولبرگ در دانشگاه هاروارد و مکتب فرانکفورت (نظریه انتقادی) است. در کوچینگ، تغییر افکار از طریق مشاوره فرآیند ذهنی مشتریان امکان‌پذیر است (لاسکه، ۲۰۰۶).

نظریه‌های مرتبط با کوچینگ عبارتند از: نظریه یادگیری اجتماعی (مشارکت فعال افراد در فرایند یادگیری و توسعه درون‌سازی معنای اجتماعی)؛ نظریه خودمختاری (انگیزه فرد از طریق احساس، ارتباط، خودمختاری و صلاحیت هدایت می‌شود و محیط یادگیری باید بر پایه روابط متقابل ایجاد شود)؛ نظریه شناختی اجتماعی (شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر در کسب دانش، تغییر رفتار و انگیزه، و اهمیت خودکارآمدی در تغییر رفتاری)؛ و نظریه سرمایه انسانی (نیروی انسانی با ظرفیت‌های فکری خود تولیدات خلاقانه ایجاد می‌کند که رشد همه‌جانبه را فراهم می‌آورد). (کینخا، ۱۴۰۱)

۳. پیشینه پژوهشی

از پژوهش‌هایی که در موضوع مقاله حاضر انجام شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نریمانی و جلیلی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی مدل بهبود عملکرد مدیران مدارس ابتدایی؛ یک مطالعه کیفی»، مدلی برای بهبود عملکرد مدیران مدارس ابتدایی ارائه دادند و چهار بعد شامل توسعه رهبری، بهبود ساختار، برنامه‌ریزی عملکرد و خودتوسعه‌ای شناسایی

شد. نتایج آنها حاکی از آن بود که مدل مستخرج از پژوهش با توجه اعتبار مناسب، می‌تواند برای بهبود عملکرد مدیران مدارس ابتدایی مورد استفاده قرار گیرد.

● جوزی و یوسفی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مهارت‌های کوچینگ برای مدیران سازمان»، مهارت‌های کوچینگ مدیران سازمانی را بررسی کردند و نشان دادند مدیران با حضور در نقش کوچ، عملکرد کارکنان خود را بهبود می‌بخشند.

● عصمتی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «کوچینگ تحصیلی و آموزشی» نشان دادند که کوچ‌های تحصیلی به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا زمان خود را مدیریت کرده، برنامه‌ریزی کنند و متناسب با سبک یادگیری، استراتژی طراحی نمایند.

● اسپنسر (۲۰۱۱) با مطالعه پدیدارشناختی بر مریبان حرفه‌ای، نشان داد که مریبگری از انتقال آموزش حمایت می‌کند و تأثیر تعریف مربی از نقش خود بر نتایج و انتقال آموزش قابل توجه است.

● باچکیرووا، آرتور و ری‌دینگ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی چالش‌های خاص در ارزیابی یک برنامه کوچینگ در مقیاس بزرگ و پیشنهاد راه‌حل‌های جدید»، چالش‌های ارزیابی برنامه‌های کوچینگ در مقیاس بزرگ را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که مریبگری سهم عمده‌ای در ایجاد راه‌حل‌های مناسب و سریع دارد.

مقاله حاضر با تعریف کوچینگ و مراحل آن، به بررسی مؤلفه‌های کوچینگ در ارتقای کیفیت مدیران آموزشی می‌پردازد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های کوچینگ در منابع اسلامی و نقش کوچینگ در ارتقای کیفیت عملکرد مدیران آموزشی، با هدف توصیفی و کاربرد بنیادی و روش اسنادی انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی است.

۵. مفهوم‌شناسی

۵-۱. مفهوم‌شناسی عملکرد

عملکرد به مجموعه فعالیت‌های سازمانی گفته می‌شود که مدیریت امور و مسئولیت‌های شغلی و رفتاری کارکنان را شامل می‌شود. هدف آن تسهیل ارتباط و ایجاد تفاهم بین کارکنان و سرپرستان است که منجر به محیط کاری مطلوب و افزایش تعهد به کیفیت خدمات می‌شود. عملکرد به معنای استفاده بهینه و اقتصادی از منابع و امکانات برای دستیابی مؤثر و کارآمد به اهداف سازمان است. (سلطانی، ۱۳۹۶)

۵-۲. مفهوم‌شناسی کوچینگ

کوچینگ فرآیندی است که شرایط یادگیری و توسعه و در نتیجه بهبود عملکرد را فراهم می‌کند. به عبارتی، کوچینگ فرآیندی خلاقانه است که افراد را برای دستیابی به حداکثر پتانسیل خود ترغیب و تشویق می‌کند. (جوزی و یوسفی، ۱۴۰۲) کوچینگ، دوره‌ای برای توانمندسازی افراد است تا احساس آرامش و مفید بودن داشته باشند و با رسیدن به اهداف مورد نظر خود، رضایت و خرسندی تجربه کنند (عبدی، و همکاران، ۱۳۹۷). جوهره کوچینگ در این است که افراد را تشویق می‌کند مسئولیت‌های خود را بپذیرند، قدرت درونی خود را تجربه کنند، به سمت یادگیری حرکت کنند، در حل مسئله خلاق باشند، تصمیمات عالی بگیرند و از تمام توانایی‌های خود استفاده کنند. ظرفیت انجام این کارها هدیه الهی برای تکامل انسان است (آرتونیان و علاقه‌بند راد، ۱۳۹۵).

در رویکرد کوچینگ، مراجعه‌کننده همان انتخاب‌کننده و پیش‌برنده جلسه است و کوچ (مربی) تنها به مثابه تسهیلگر عمل می‌کند. (سیومینگ و دورا، ۲۰۱۲) کوچینگ بر کمک به افراد سالم برای ارتقای مهارت‌ها و دستیابی به اهداف تمرکز دارد و رابطه‌ای مشارکتی (نه مشاوره‌ای) بین کوچ و مراجعه‌کننده ایجاد می‌کند. مشاوره، اغلب برای بازگرداندن فرد به حالت نرمال است، اما کوچینگ افراد سالم (از نظر رفتاری و روانی) را به سطح بالاتری از عملکرد می‌رساند. منتورینگ

(برخلاف کوچینگ) غیررسمی، بلندمدت و مبتنی بر انتقال تجربه‌های تخصصی است، درحالی‌که کوچینگ ساختاریافته و کوتاه‌مدت بوده و اهداف سازمانی را دنبال می‌کند (غفاری، و همکاران، ۲۰۲۲). کوچینگ راهنمایی، مشاوره، آموزش و درمان نیست، اما می‌توان از آن در تمام این رویکردها بهره برد (جوزی و یوسفی، ۱۴۰۲).

۳-۵. مدیریت آموزشی

مدیریت آموزشی در هر سازمان آموزشی عبارت است از: هماهنگ‌سازی و استفاده مؤثر از تلاش‌های افراد و منابع دیگر برای تحقق اهداف آن سازمان. در سازمان‌های آموزشی، هدف‌ها به امور آموزشی و یادگیری مربوط است. مدیریت آموزشی شامل فعالیت‌هایی است که مستقیماً با آموزش و یادگیری مرتبط است؛ از جمله برنامه‌های آموزشی، محتوای درسی، روش‌ها و وسایل آموزشی، مشاوره و راهنمایی تحصیلی، آموزش مکمل، برنامه‌های امور دانشجویان و اساتید و سایر فعالیت‌هایی که سازمان برای مدیران در نظر گرفته است. از دیدگاه تصمیم‌گیری، مدیریت آموزشی عبارت است: از تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات درباره آموزش و یادگیری. (علاقه‌بند، ۱۳۸۹)

۴-۵. کوچینگ مدیریتی

کوچینگ مدیریتی به مدل «رهبر به‌عنوان کوچ» اشاره دارد و یک‌الگوی مدیریتی جدید برای توسعه و توانمندسازی کارکنان و افزایش عملکرد آنان است. (جوزی و یوسفی، ۱۴۰۲) با ورود به قرن جدید و ایجاد سیستم‌های آموزشی و آکادمی‌های مختلف، استفاده از کوچینگ در مدارس و دانشگاه‌ها به شکل به‌روزتری رواج یافته است. کوچینگ به افراد کمک می‌کند تا بهتر به هوشمندی و توانایی‌های خود دست یابند (عصمتی، و همکاران، ۱۴۰۲). کوچینگ یک مهارت مدیریتی نیرومند است که به مدیران کمک می‌کند پیشرفت شخصی اعضای گروه را حمایت کرده، مشکلات را حل و نوآوری در سطح فردی و گروهی ایجاد کنند و در رهبری و حل تعارض نقش‌آفرینی نمایند (جوزی و یوسفی، ۱۴۰۲). مدیران مدارس از مؤثرترین و مهم‌ترین عوامل ایجاد محیطی سالم، پویا و انگیزه‌بخش برای یادگیری هستند. با بهره‌گیری از کوچینگ مدیریتی،

مدیران یا معاونان می‌توانند نقاط ضعف و کمبودهای مدرسه را از نظر آموزشی، پرورشی و اداری تشخیص داده و با تجهیز به فنون و مهارت‌های لازم، نظارت بر معلمان و هماهنگ‌سازی نیروهای مدرسه، محیطی مناسب برای یادگیری دانش‌آموزان و رشد حرفه‌ای تمامی افراد مدرسه فراهم آورند (عصمتی، و همکاران، ۱۴۰۲).

۶. مؤلفه‌های کوچینگ در منابع اسلامی

اصطلاح «کوچینگ» به شکل پیشرفته آن در متون کلاسیک اسلامی یافت نمی‌شود، اما واژه‌ای نزدیک به آن در تعلیم و تربیت اسلامی «مربیگری» است. هرچند بین این دو واژه تفاوت‌هایی وجود دارد، شباهت اصلی آنها در راهنمایی و همراهی افراد برای رسیدن به اهداف است و تمرکز بر توسعه فردی یا حرفه‌ای متربی دارد.

جدول ۱. تفاوت‌های کوچینگ و مربیگری در تعلیم و تربیت اسلامی

نوع	رابطه	نقش	منبع	کاربرد و هدف
کوچینگ	کوتاه مدت با اهداف کوتاه مدت	تسهیل‌گر (پرسش‌گر)	کشف پاسخ توسط خود مراجع	بهبود عملکرد خاص (مثل رهبری)
مربیگری	بلندمدت و با توجه به هدف غائی	الگو و راهنما با توجه به تقویت بعد عقلانی	انتقال دانش از منبع وحی توسط مربی به متربی و عقل ورزی متربی	رشد و تعالی و تقرب به خدا

مفاهیم و روش‌های مشابه مربیگری در نظام تعلیم و تربیت اسلامی وضوح دیده می‌شود. در ادامه به برخی از آنها پرداخته شده است.

۶-۱. روش‌های مربیگری در قرآن کریم

- روش‌های هدایتی غیرمستقیم: داستان حضرت موسی و خضر علیه السلام نمونه‌ای بارز از مربیگری الهی است که در آن یادگیری از طریق تجربه عملی، استفاده از پرسش‌های تأملی و تحلیل پس از عمل صورت می‌گیرد: «ما لم تسطع علیه صبرا، این است علت آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی؟». (کهف: ۸۲)

روش حل مسئله: در داستان حضرت یوسف علیه السلام در قرآن کریم، ایشان با طرح سؤال «چه می‌کارید؟» تکنیکی برای رشد شناختی ارائه می‌دهد (رک، یوسف: ۴۷).

۶-۲. روش‌های مربیگری در سنت ائمه معصومین (مهارت‌های مربیگری)

- خودآگاهی‌بخشی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المومن مرآة لأخيه المومن؛ مؤمن آینه مؤمن است» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ۲۳۳/۷۴).

تأکید بر سؤال کردن و کشف پاسخ به جای القاء: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سلونی قبل ان تفقدونی؛ از من پرسید، پیش از آنکه مرا از دست بدهید» (شریف رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۱۸۹). بنابراین، می‌توان مؤلفه‌های کوچینگ را در منابع اسلامی یافت، هرچند تفاوت‌های مبنایی بین کوچینگ و مربیگری در تعلیم و تربیت اسلامی وجود دارد.

۶-۳. کوچینگ و خودآگاهی

در کوچینگ، مراجع محوریت دارد و پیش‌فرض آن، آگاه بودن انسان نسبت به نیازها و ویژگی‌های خود است. آیه «بل الانسان علی نفسه بصیره» (قیامت: ۱۴) بیان می‌کند که انسان از وضع خود آگاه است و بهتر از هر کس دیگر می‌داند چه کارهایی انجام داده، چه نیازهایی دارد و ویژگی‌هایش چیست.

۶-۴. کوچینگ و تغییر درونی

در فرآیند کوچینگ، تغییر باید از درون آغاز شود و فرد عامل تحول خود باشد. قرآن می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» (رعد: ۱۱)؛ یعنی خدا وضعیت قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان خود را تغییر دهند. در کوچینگ بر میل و کنترل درونی تأکید می‌شود و اجبار، تحمیل و کنترل بیرونی وجود ندارد. قرآن کریم نیز بر آزادی اراده تأکید می‌کند: «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶) که نشان می‌دهد در دین هیچ اکراهی وجود ندارد و پذیرش باید با اختیار و آگاهی باشد و هر کس باید آزادانه با به‌کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق، دین را بپذیرد.

۵-۶. کوچینگ و قابلیت انسان

کوچینگ بر این باور است که انسان قابلیت‌های درونی فراوانی دارد و هدف اصلی آن، آزادسازی این قابلیت‌ها است. در شعر منسوب به امام علی علیه السلام: «و تحسب أنك جرم صغیر» (بیهقی نیشابوری، ۱۳۸۱، ص ۱۵۷)

(نشان داده شده که انسان موجود کوچکی نیست و ظرفیت‌های عظیم در او نهفته است.

۶-۶. پرسشگری در کوچینگ

پرسشگری یکی از ابزارهای کلیدی کوچینگ است. امام حسن علیه السلام فرمود: «حسن السؤال نصف العلم؛ پرسش صحیح و نیکو، نیمی از دانش خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۶۰/۷۷). کوچ با پرسیدن سؤال‌های مؤثر، به مراجع کمک می‌کند تا پاسخ‌های عمیق به مسائل خود بیابد. کیفیت سؤال و پاسخ نقش مهمی در حل مسئله و توسعه فردی دارد.

۶-۷. گوش دادن فعال در کوچینگ

گوش دادن فعال نیز مانند پرسشگری، یکی از مهارت‌های کلیدی کوچینگ است، زیرا اصلی‌ترین راه ارتباطی بین کوچ و مراجع است. امام علی علیه السلام فرمود: «عود اذنک حسن الاستماع؛ یعنی گوش خود را به خوب شنیدن عادت ده» (غررالحکم، ۱۴۱۰هـ.ق، ص ۱۱۵). بابا افضل کاشی در بیتی می‌گوید: «گوش تو، دو دادند و زبان تو یکی؛ یعنی دو بشنو و یکی بیش مگو» در کوچینگ، کوچ بیش از آنکه سخن بگوید، گوش می‌دهد (متحدین و جهانگیر، ۱۴۰۱).

۷. لزوم کوچینگ برای مدیران آموزشی

سرعت تحولات علوم و فناوری موجب شده است تا مؤسسات آموزشی رویکردهای یاددهی و یادگیری خود را به‌روز کنند. هدف از این بهبود، حمایت از فراگیران برای افزایش توانمندی‌ها و دستیابی به عملکرد مطلوب در محیط پیچیده امروز است (عسکری، و همکاران، ۱۴۰۳).

فرایند «مدیر به‌عنوان کوچ» فعالیتی توسعه‌ای است که در آن یک کارمند به‌صورت مستقیم و تک‌به‌تک با مدیر خود کار می‌کند تا عملکرد شغلی خود را بهبود بخشد و توانایی‌های لازم برای نقش‌ها و چالش‌های آینده را ارتقاء دهد. موفقیت این فرآیند وابسته به رابطه بین کارمند و مدیر

و استفاده از اطلاعات عینی مانند بازخورد و ارزیابی عملکرد است. (گرگوری ولوی، ۲۰۱۰) کوچینگ مدیریتی، فرایند یادگیری کارکنان را تسهیل می‌کند و از تمرکز صرف بر نتایج جلوگیری می‌نماید، به کارکنان کمک می‌کند از آگاهی به عمل برسند و ابتکار و مسئولیت‌پذیری آنان افزایش یابد. در نهایت، مدیر به‌عنوان کوچ، وظیفه دارد افراد را از وضعیت فعلی به نقطه مطلوب رشد و توسعه هدایت کند (جوزی و یوسفی، ۱۴۰۲). مزایای مربیگری شامل بهبود عملکرد، بهبود روابط کاری، افزایش اثربخشی کار تیمی، کاهش تعارضات، افزایش رضایت شغلی و تعهد سازمانی است. مزایای اصلی کوچینگ را می‌توان در سه بعد خلاصه کرد: حمایت؛ سرعت؛ و رسیدن به راه‌حل‌ها (عصمتی، و همکاران، ۱۴۰۲).

۸. گام‌های فرآیند کوچینگ در مدیریت آموزشی

کوچینگ براساس تطبیق سبک مدیریت با سطح رشد فرد، انجام می‌شود تا شایستگی، انگیزه و اعتماد به نفس او افزایش یابد. این فرایند در چهار گام اصلی انجام می‌شود:

گام اول (هدایت گفتن): مدیر به کارمند می‌گوید چه کاری، چه زمانی و چگونه انجام دهد و به‌طور مستمر پیگیری و بازخورد می‌دهد.

گام دوم (کوچینگ): مدیر علاوه بر هدایت، تحسین، تشویق و گوش دادن را نیز انجام می‌دهد؛ مشورت می‌کند، اما کنترل و تصمیم‌گیری را حفظ می‌کند.

گام سوم (حمایت): مدیر نقش تسهیل‌کننده دارد، تشویق می‌کند و از کارمند بازخورد می‌گیرد تا او به خودباوری برسد.

گام چهارم (تفویض اختیار): مدیر به کارمند قدرت می‌دهد تا با منابع مناسب به‌تنهایی کار کند و حداقل حمایت را ارائه می‌دهد؛ زیرا کارمند به اوج عملکرد رسیده است. (جوزی و یوسفی، ۱۴۰۲)

۹. مؤلفه‌های کوچینگ در ارتقاء کیفیت مدیران آموزشی

نتایج مربیگری بسیار متنوع و بسته به نوع و موضوع کوچینگ متفاوت است. برای مثال، یک مدیر رفتار مدیریتی خود را تغییر می‌دهد، بازخوردهای تشویقی بیشتری ارائه می‌دهد و

مقاومت در برابر تغییر و تعارض را به شکل سازنده‌تری مدیریت می‌کند. کارکنان کارآمدتر عمل کرده و در موقعیت‌های استرس‌زا آرام‌تر باقی می‌مانند. این فرآیند تأثیرات مهمی بر اهداف حرفه‌ای و زندگی شخصی افراد نیز دارد. (زیگفرید گریف، ۲۰۱۷) بنابراین، مؤلفه‌های کلیدی کوچینگ عبارتند از:

۹-۱. توسعه مهارت‌های رهبری

توسعه رهبری یکی از عوامل اصلی بهبود عملکرد از دیدگاه معلمان و مدیران است. این شامل مهارت‌های روابط انسانی، تأثیرگذاری بر زیردستان، جلب مشارکت همکاران، همسو کردن دیگران با برنامه‌ها، احترام و همدلی، ایجاد ارتباط مثبت با والدین و جامعه، استفاده از گفتگو برای تقویت ارتباط، عمل تیمی، تجهیز مدارس، به‌کارگیری تحقیقات و تئوری‌های مدیریت و داشتن دانش و تخصص است (نریمانی، و همکاران، ۱۴۰۰). تحقیقات هایپکینز (۲۰۲۰) و پچوتا و اسکات (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که رهبری مدرسه یک جزء کلیدی برای موفقیت محیط آموزشی است و مدیران قدرتمند نقش اساسی در تغییر وضعیت مدارس دارند.

۹-۲. ارتقاء مهارت‌های مدیریتی

توسعه مهارت‌های مدیریتی شامل دانش و بینش مدیریتی، مطالعه تئوری‌ها، داشتن مأموریت و چشم‌انداز، ایجاد تیم رهبری، مهارت در هدایت و کنترل، مدیریت منابع انسانی و فیزیکی، هدف‌گذاری و سازماندهی است. افراد، بیشتر از کسانی که مهارت و دانش بالاتری دارند، تبعیت می‌کنند، درحالی‌که در مقابل افراد ضعیف‌تر، کمتر گوش می‌دهند (نریمانی، و همکاران، ۱۴۰۰). کوچینگ به مدیران کمک می‌کند مهارت‌های ارتباطی خود با معلمان، والدین و دانش‌آموزان را تقویت کنند و روابط مثبت‌تری برقرار نمایند.

۹-۳. مدیریت زمان و منابع

بهترین مدیران کسانی هستند که نیازهای افراد خود را تشخیص داده و با ترکیب هدایت و حمایت، بهترین سبک مدیریتی را انتخاب می‌کنند. رعایت نظم، حضور به موقع و انجام امور در

زمان مناسب از الزامات مدیریت است. کوچینگ به مدیران کمک می‌کند تا استراتژی‌های مؤثری برای مدیریت زمان و منابع پیدا کنند و کارایی را افزایش دهند. (نریمانی، و همکاران، ۱۴۰۰) مدیران آموزشی باید برنامه ریزی و اولویت‌بندی وظایف خود را داشته باشند. کوچینگ می‌تواند به آنها کمک کند تا استراتژی‌های تصمیمی برای مدیریت زمان و منابع خود پیدا کنند و در نتیجه کارایی را افزایش دهند.

۹-۴. فراهم آوردن بازخورد

بازخورد ابزاری برای رسیدن به اهداف استاندارد سازمان است. طراحی سیستم بازخورد شامل مقایسه عملکرد واقعی با استانداردهای تعیین شده و تعیین انحرافات و سنجش ارزش آنهاست. (جوانبخت، ۱۳۹۹) یکی از جنبه‌های کلیدی کوچینگ، استفاده از بازخورد است؛ مدیران باید بازخورد سازنده ارائه دهند تا نقاط قوت و ضعف شناسایی و عملکرد بهبود یابد.

۹-۵. مدیریت تغییرات

شرکت‌کنندگان در دوره‌های کوچینگ با دیدگاه‌های نو و مهارت‌های تصمیم‌گیری، روابط بهتری با دیگران برقرار کرده و کارایی شخصی خود را افزایش می‌دهند. این تغییرات تأثیر مثبتی بر تحصیل، کار و زندگی فرد دارد. (عصمتی، و همکاران، ۱۴۰۲)

۹-۶. تقویت مهارت‌های تصمیم‌گیری

تصمیم‌گیری یکی از مهارت‌های کلیدی مدیریت است. وظایف مدیریتی مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل در واقع شکل‌هایی از تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری مهمترین زیربنای وظایف در مدیریت است و انتخاب نوع و شیوه تعمیم تصمیم‌گیری از مهمترین مهارت‌های مدیر می‌باشد. کوچینگ به مدیران کمک می‌کند تصمیمات سریع و صحیح بگیرند و از داده‌ها و اطلاعات موجود بهره‌برداری کنند. (نوری تاجر، و همکاران، ۱۳۸۶) مدیران آموزشی باید قدرت مدیریت تصمیمات صحیح و سریع را داشته باشند. کوچینگ می‌تواند به آنها کمک کند تا مهارت‌های

تصمیم‌گیری خود را تقویت کنند و با استفاده از داده‌ها و اطلاعات موجود، تصمیم‌های بهتری برای استفاده از آن‌ها استفاده کنند.

۹-۷. توسعه همکاری و تیم‌سازی

بسیاری از چالش‌های مدیریت عدم شناخت مهارت‌های ارتباطی در تیم‌سازی و اصول کارت تیمی است و این موضوع مشکلی که علایم هشداردهنده قابل لمسی ندارد، باعث تخریب درون‌سازمانی و در نهایت آسیب به ساختار سازمان می‌شود. تیم‌سازی یکی از ابزارهای اصلی موفقیت سازمان است. تیم به معنای مجموعه‌ای از افراد است که برای رسیدن به هدفی خاص همکاری و هماهنگی دارند. (ساری، ۱۴۰۰) کوچینگ به مدیران کمک می‌کند مهارت‌های همکاری و تیم‌سازی را تقویت کنند و محیط آموزشی مثبت ایجاد کنند

۹-۸. انگیزه‌سازی

انگیزه عامل اصلی رفتار انسان است و محرک انجام کارها اطلاق می‌شود. سبک‌های مدیریتی آزادمنشانه و رابطه‌محور در محیط آموزشی سبب افزایش انگیزه و رضایت شغلی معلمان و اساتید و در نتیجه ارتقاء اثربخشی و کارایی آنان می‌شود (شب‌بویی، ۱۴۰۳). کوچینگ به مدیران آموزشی کمک می‌کند راه‌های انگیزه‌سازی را کشف کنند و آنها را در ارتقاء عملکرد مدیریتی به کار گیرند.

۱۰. چالش‌های اجرای کوچینگ

اجرای کوچینگ در سازمان‌ها ممکن است با چالش‌هایی همراه باشد. این روش‌ها اغلب فعالیت‌ها، کارکردها و اهدافی همپوشان دارند و با دیگر رویکردهای مدیریتی و رهبری تداخل دارند. برخی مدیران و کارمندان ممکن است تمایلی به پذیرش نقش کوچ نداشته باشند و نقش ریاستی و هدایت دستوری را ترجیح دهند؛ یعنی صرفاً مشخص کنند چه کاری باید انجام شود، در ساعت مشخص حضور یابند و حقوق ماهانه خود را دریافت کنند و به انگیزه‌های بیرونی بسنده کنند. در این شرایط، به تقویت راهکارهای ارتقای کیفیت عملکرد و استفاده از انگیزه‌های درونی مانند کوچینگ توجه نمی‌شود. (دیگیرولاما و تیچ، ۲۰۱۹)

۱۱. نتیجه‌گیری

عملکرد مدیران آموزشی یکی از مقولات کلیدی و مؤثر در کیفیت نظام آموزش و پرورش است و ارتقای کیفیت این حرفه اهمیت بالایی دارد. کوچینگ به عنوان ابزاری کارآمد می‌تواند با ایجاد و تقویت مؤلفه‌هایی همچون خودآگاهی، تغییر مثبت، پذیرش قابلیت‌های درونی، پرسش‌گری و گوش دادن فعال (که در منابع اسلامی نیز تأکید و تأیید شده‌اند)، نقش مؤثری در بهبود عملکرد مدیران داشته باشد. علاوه بر این، کوچینگ می‌تواند مهارت‌هایی چون توسعه مهارت‌های رهبری، ارتقاء مهارت‌های مدیریتی، مدیریت زمان و منابع، فراهم آوردن بازخورد، مدیریت تغییرات، توسعه همکاری و تیم‌سازی، انگیزه‌سازی و غیره را تقویت کند. لذا سرمایه‌گذاری و زمینه‌سازی این فرایند آموزشی در قالب آموزش‌های ضمن خدمت و کارگاه‌های آموزشی برای مدیران و مربیان، می‌تواند به عنوان یک راهکار کلیدی در بهبود عملکرد مدیران آموزشی در نظام آموزش و پرورش در نظر گرفته شود.

پیشنهادهای تحقیق: به منظور افزایش قدرت و اعتبار نتایج، توصیه می‌شود تحقیقات آینده از روش‌های کمی، کیفی و آمیخته برای بررسی موضوع استفاده کنند. همچنین بررسی چالش‌های اجرایی این رویکرد برای مدیران آموزشی می‌تواند زمینه مناسبی برای پژوهش‌های بیشتر فراهم آورد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۹). مکارم شیرازی، ناصر. بیروت: تابان.
- * نهج البلاغه (۱۳۸۷). الرضی، محمدبن شریف. مترجم: دشتی، محمد. تهران: الهادی.
- ۱. آرتونیان، والتین، و علاقیندراد، جواد (۱۳۹۵). آشنایی با کوچینگ: روش نوین کمک درمانی برای اختلال نقص توجه - بیش‌فعالی. مجله روان پزشکی و روان‌شناسی بالینی، ۲(۲۲)، ۱۵۹-۱۶۹.
- ۲. بابازاده، معصومه، ضامنی، فرشیده، و صفاریان‌همدانی، سعید (۱۴۰۲). تأثیر مربیگری کوچینگ با رویکرد دانشگاه‌های نسل چهارم بر بالندگی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه یک. علوم پزشکی رازی، ۳۰(۶)، ۴۲۷-۴۳۶.

۳. بازوبندی، محمدحسن، و مرتضوی امامی، علی اکبر (۱۴۰۱). طراحی و اعتبار یابی الگوی کوچینگ و اثربخشی آن بر ادراک معلمان نسبت به ترس از تدریس. مطالعات سیاست گذاری تربیت معلم (پژوهش در تربیت معلم)، ۵(۳)، ۸۹-۱۱۴. <https://sid.ir/paper/1032429/fa>. SID.
۴. برزگر، سیده سارا، و کریمی، لیلا (۱۳۹۴). ارتقاء کیفیت آموزشی در مدارس. نخستین همایش بین المللی مدیریت آموزشی ایران. <https://civilica.com/doc/441134>
۵. بیهقی نیشابوری، محمد بن حسین (۱۳۸۱). دیوان امام علی علیه السلام: سرودهای منسوب به آن حضرت. تهران: انتشارات اسوه.
۶. پورعزیز، الهام (۱۴۰۲). کوچ بودن چگونه است. برند آفرین، ۴(۴۷)، ۱-۱۰.
۷. تیمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ه. ق.). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دارالکتب اسلامی.
۸. جوانبخت، مریم (۱۳۹۹). بررسی ابعاد هدف ها و وظایف مدیریت آموزشی با تکیه بر اصول و روش های مدیریت آموزشی. مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۳(۳۴)، ۱۱۹-۱۲۹. <http://noo.rs/Jenfb>
۹. جوزی، زهرا سادات، و یوسفی، محمد مهدی (۱۴۰۲). مهارت های کوچینگ برای مدیران سازمان. مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۵(۵۵)، ۶۸-۸۱.
۱۰. رحمان پور، حسن، و حاجبی، صدیقه (۱۴۰۲). بررسی تأثیر ارتقاء مدیریت آموزشی بر افزایش آموزشی و پرورشی مدارس متوسطه. مطالعات علوم اجتماعی، ۳۵(۹)، ۸-۱۵.
۱۱. رحمانی، جعفر (۱۳۹۷). سبک مطلوب مدیریت و رهبری در مراکز علمی، دینی، بین المللی. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۲. ساری، مهدی (۱۴۰۰). مهارت تیم سازی و الگوی کار تیمی اثربخش در سازمان آموزشی مدرسه. مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران. <http://noo.rs/RYLJL0>
۱۳. سلطانی، ایرج (۱۳۹۶). مدیریت عملکرد و ساز و کارهای اجرایی آن در تولید کیفیت. فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۱۱(۴۲)، ص ۱۸۹-۲۰۸.
۱۴. شب بویی، علی (۱۴۰۳). سبک مدیریت در انگیزه بخشی به نظام آموزش و پرورش دانش آموزان و دانشجویان. چهارمین کنفرانس بین المللی و هفتمین همایش ملی مدیریت. روان شناسی و علوم رفتاری. <https://sid.ir/paper/1148337/fa>.
۱۵. عبدی، جواد، کاظمی، سعید، و احمدزاده قصاب، آزاده (۱۳۹۷). کوچینگ (coaching). کنفرانس بین المللی مطالعات بین رشته ای در مدیریت و مهندسی. <https://sid.ir/paper/899264/fa>.
۱۶. عسگری، فریبا، هوشیاری خواه، حجت، و شایسته فرد، مرضیه (۱۴۰۳). کوچینگ: رویکردی کارآمد در تسهیل عملکرد، یادگیری و پیشرفت دانشجویان علوم پزشکی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۱۶(۴)، ۱-۴. <http://rme.gums.ac.ir/article-1-1477-fa.html>
۱۷. عصمتی، ملیحه، رستم زاده، فرشید، حاتمی، سمیرا، و کاروانپور، مهدیه (۱۴۰۲). کوچینگ تحصیلی و آموزشی. فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، ۱(۲)، ۱۹۱-۲۰۹.
۱۸. علاقه بند، علی (۱۳۸۹). مدیریت عمومی. تهران: امیر کبیر
۱۹. غفاری، فریدون، احمدی، کیومرث، و صلواتی، عادل (۱۴۰۰). طراحی مدلی جهت بسط مفهومی کوچینگ عملکرد کارکنان در سازمان های دولتی ایران. منابع انسانی ناجا، ۱۵(۶۵)، ۶۷-۹۲. <https://sid.ir/paper/1038277/fa>
۲۰. فتحی واجراگاه کورش، خراسانی، اباصلت، دانشمندی، سمیه، و آرمان، مانی (۱۳۹۳). بررسی مدل مربیگری در تربیت نیروی انسانی براساس نظریه زمینه ای. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۲(۳)، ۳۷۵-۳۸۶. <https://doi.org/10.22061/tej.2022.5800.2281>

۲۱. فطرت، محمد علی، خراسانی، اباصلت، ابوالقاسمی، محمود، و قهرمانی، محمد (۱۳۹۴). طراحی مدل مدیریت عملکرد اعضای هیئت علمی دانشگاه کابل. فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، ۷(۴)، ۱۴۱-۱۷۴.
۲۲. کیخا، احمد (۱۴۰۱). شناخت مؤلفه‌های برنامه کوچینگ به منظور ارتقای سرمایه انسانی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی. نشریه طب و تزکیه، ۳۱(۱)، ۶۶-۸۰.
۲۳. متحدین، یاسر، و جهانگیر، مصطفی (۱۴۰۳). کوچینگ چیست؟ تهران: اندیشه احسان.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دارالاحیاء التراث.
۲۵. نیمانی، بهمن، مهرداد، حسین، و جلیلی، راضیه (۱۴۰۰). طراحی مدل بهبود عملکرد مدیران مدارس ابتدایی: یک مطالعه کیفی. مجله علوم روان‌شناختی، ۲۰(۹۹)، ۴۷۱-۴۸۴. <https://sid.ir/paper/368654/fa>.
۲۶. نوری تاجر، مریم، محفوظ پورسعاد، و نوروزی نژاد، فائزه (۱۳۸۶). تصمیم‌گیری مشارکتی سرپرستاران بیمارستان‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران. مدیریت سلامت، ۱۰(۲۸)، ۷-۱۴. <https://sid.ir/paper/130082/fa>.
27. Grant, A. M., & Cavanagh, M. J. (2004). Toward a profession of coaching: Sixty- five years of progress and challenges for the future. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring*, 2(1), 1–16. <https://psycnet.apa.org/record/2007-06342-00>
28. Gregory, J. B. &, Levy, P. E. (2010). Employee coaching relationships: Enhancing construct Clarity and measurement. *Coaching: An International Journal of Theory ,Research and Practice* 3, 109–123
29. Harris, A., Jones, M., & Crick, T. (2020) Curriculum leadership: a critical contributor to school and system improvement. *School Leadership & Management*, 40(1), 1- 4. <https://doi.org/10.1080/13632434.2020.1704470>
30. Hopkins, D. (2020). *Unleashing Greatness; A Strategy For School Improvement*. Australian Educational Leader (AEL), 42(3), 8- 16.
31. Klychova, G. S., Zakirova, A. R., Mukhamedzyanov, K.Z., Sadrieva, E. R., & Klychova, A. S. (2017). Development of audit system for operations with Fixed assets as a tool for efficiency improvement of Social. activity of the enterprise *Journal of Engineering and Applied Sciences*, 12(19), 4966– 4973.
32. Laske, O. E. (2006). From coach training to coach education: Teaching coaching within a comprehensively evidence based framework. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring*, 4(1), 45–57. <https://psycnet.apa.org/record/2007-06307-006>.
33. Lynggaard, M., Mogens, J. P., & Andersen, L. B. (2016). Exploring the Context Dependency of the PSM– Performance Relationship. *Journal Review of Public Personnel Administration*, 38(3), 332– 354.
34. Siu- Ming, K. & Dora M. Y. T. (2012). Challenges of Appraising Intangible Outcomes with Unclear Objectives: Performance Management Issues in Local Government in Ontario. *Public Organiz Rev*
35. Vaillant, D. (2015). School leadership, trends in policies and practices, and improvement in the quality of education. Background paper for EFA Global Monitoring Report.

نقش معلم در کنترل و کاهش بیش‌فعالی دانش‌آموزان با نگرشی بر روش‌های تربیتی در اسلام

فاطمه عبداللهی^۱، هاجر ذبیحی^۲

چکیده

کودکان در سال‌های آغازین تربیت و تحصیل خود ممکن است دچار اختلال‌های رفتاری شوند که این اختلال‌ها بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی آنان تأثیر منفی می‌گذارد. از جمله این اختلال‌ها، اختلال کمبود توجه همراه با بیش‌فعالی (ADHD) است. در پژوهش حاضر، با رویکرد کاربردی و روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نقش و جایگاه معلم در کنترل و کاهش بیش‌فعالی دانش‌آموزان با تمرکز بر روش‌های تربیتی اسلامی بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از رفتارهای دانش‌آموزان در مدرسه بروز می‌کند و معلم می‌تواند با راهبردهایی مانند الگوسازی، شکل‌دهی رفتار، مجاورت، محروم‌سازی، رفتاردرمانی شناختی و استفاده از توانایی‌های روان‌شناختی و اجتماعی خود در ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری با انگیزه، نقش مؤثری در کنترل این اختلال‌ها ایفا کند. هرچند منابع اسلامی به‌طور صریح درباره دانش‌آموزان با بیش‌فعالی بحث نکرده‌اند، معلمان با به‌کارگیری روش‌های تربیتی توصیه‌شده در منابع دینی می‌توانند بر رفتار و توجه دانش‌آموزان اثرگذار باشند.

واژگان کلیدی: بیش‌فعالی، دانش‌آموزان، معلم، کمبود توجه.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی علوم تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: Fatemeh.abdullahi11@gmail.com

ORCID: 0009-0001-3097-8654

۲. مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihihajar@gmail.com

ORCID: 0000-0002-3594-025X

۱. مقدمه

اهمیت تعلیم و تربیت در جهان امروز بر کسی پوشیده نیست. انسان به دلیل ویژگی تربیت‌پذیری از سایر مخلوقات متمایز شده و ارزش او تا حد زیادی به میزان برخورداری از تعلیم و تربیت وابسته است. امروزه نمی‌توان اهمیت تعلیم و تربیت را برای آینده جوامع کم‌ارزش شمرد و آن را فعالیتی موازی سایر فعالیت‌ها دانست. به تعبیر میتچل، اگر فقط یک عرصه از حیات بشری نیازمند توجه به آینده باشد، آن عرصه تعلیم و تربیت است (کریم‌زاده، و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۲).

در قرآن کریم نیز به اهمیت تعلیم و تربیت اشاره شده است: «والله أخرجكم من بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئا و جعل لكم السمع والابصار والأفئدة لعلكم تشكرون» (نحل: ۷۸). این آیه نشان می‌دهد که انسان، نادان به دنیا می‌آید و کسب علم و استفاده از امکانات الهی برای رشد او ضروری است. آیت‌الله جوادی‌آملی ذیل این آیه بیان می‌کند که انسان دو نوع علم دارد: علم میزبان که از ذات خداوند در وجود انسان نهادینه شده است و خداوند انسان را با آن علم خلق کرد: «فألهمها فجورها وتقواها»؛ و علم مهمان که در حوزه و دانشگاه یاد گرفته می‌شود. خداوند در سوره نحل آیه ۷۸ فرمود: «... شیئا...» در این آیه، نکره در سیاق نفی است، یعنی هیچ چیزی بلد نبودید؛ حتی ساده‌ترین و بدیهی‌ترین چیزهای حسی را نمی‌دانستید: «و جعل لكم السمع و الأبصار و الأفئدة لعلكم تشكرون». سپس خداوند می‌فرماید: «طلب العلم فريضة».

امام باقر علیه السلام نیز درباره فضیلت تعلیم می‌فرماید: «إن الذي يعلم العلم منكم له أجر مثل أجر المتعلم و له الفضل عليه...؛ همانا آن کسی از شما که دانش را آموزش دهد، پاداشی برابر دانش آموز دارد و البته آموزگار بر دانش آموز فضیلت و برتری دارد. پس دانش را از حاملان آن فراگیرید و آن سان که عالمان به شما آموخته‌اند، آن را به برادرانتان بیاموزید» (کلینی، ۱۳۴۴، ۳۵/۱). معلم با اخلاق، رفتار، دلسوزی، وقت‌شناسی، رعایت نظم و التزام به ضوابط شرعی، نه تنها معلم، بلکه مربی و الگوی تأثیرگذار دانش‌آموزان است. معلمان می‌توانند با رفتار خود، دانش‌آموزان را به رشد

دینی، اخلاقی و اجتماعی هدایت کنند؛ در مقابل، معلم بد اخلاق ممکن است تأثیر منفی بر رفتار دانش‌آموزان داشته باشد (خالدی، بی‌تا).

باتوجه به اهمیت نقش معلم، سرنوشت انسان‌ها و جامعه تا حد زیادی در دست اوست. دانش‌آموزان در مراحل اولیه رشد تحت تأثیر والدین هستند، اما در مراحل بعدی، معلم مدرسه نقش مهم‌تری در تربیت آنها ایفا می‌کند. (کریم‌زاده، و همکاران، ۱۳۹۹) کودکان در سال‌های آغازین تربیتی و تحصیلی خود ممکن است دچار اختلال‌های رفتاری شوند که این اختلال‌ها بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی کودکان تأثیر منفی بگذارد. از جمله اختلال‌های رفتاری اختلال کمبود توجه همراه با بیش‌فعالی می‌باشند. این اختلال یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌شناختی کودکان مدرسه‌ای است و بین ۳ تا ۷٪ از کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کمالی، و همکاران، ۲۰۱۸). شیوع بیش‌فعالی در جهان حدود ۵٪ است و در مردان بیشتر از زنان مشاهده می‌شود (رویز، ۲۰۱۸). ADHD یک اختلال عصب‌رشدی است که با کم‌توجهی، پرجنبشی و تکانشگری همراه است و یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی کودکان سنین مدرسه به‌شمار می‌رود. این اختلال اغلب با مشکلات تحصیلی و سایر اختلالات روان‌شناختی همراه است (خدادادی و جباری، ۱۳۹۶؛ علیشاهی، و همکاران، ۱۳۸۲).

۲. مفهوم‌شناسی بیش‌فعالی

اختلال نارسایی توجه-بیش‌فعالی یکی از شایع‌ترین اختلال‌های عصبی-رفتاری در کودکان مدرسه‌ای است و کودکان بسیاری را در جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این اختلال با اسامی مختلفی همچون بدکارکرد جزئی مغز، آسیب خفیف مغزی، کنش بیش‌فعالی دوران کودکی و نشانگان بیش‌فعالی معرفی شده است، اما در آخرین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM-5) آن را نارسایی توجه-بیش‌فعالی نامگذاری کرده‌اند. برای تشخیص این اختلال در کودکان بین سنین پنج تا هفت سال، باید نشانه‌هایی مانند بیش‌فعالی، تحرک بیش از حد معمول، بی‌توجهی، حواس‌پرتی مداوم، پریشانی، اضطراب، تکانشگری و عمل

نسنجیده را در محیط‌های مختلف مانند خانه، مدرسه و روابط اجتماعی مشاهده کرد. (طیبیان مجرد، ۱۴۰۲) این کودکان در خانه و مدرسه ممکن است از دستورات والدین و معلمان پیروی نکرده و رفتارهای تکانشی و بی‌ثبات هیجانی از خود نشان دهند، در ارتباط با همسالان مشکل داشته و اغلب منزوی شوند (دیانت مقدم، ۱۳۶۱). لازم به ذکر است که شدت و ظهور این مشکلات در کودکان مختلف متفاوت است و تمام این نشانه‌ها در همه کودکان مشاهده نمی‌شود. به‌طور کلی، سه مشکل بنیادین این کودکان عبارت‌اند از: کمبود توجه، بیش‌فعالی و تکانشگری.

کمبود توجه مهم‌ترین و نخستین معیار تشخیصی ADHD است. (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) والدین و معلمان معمولاً از این شکایت دارند که کودک گوش نمی‌دهد، کارها را ناتمام رها می‌کند و به راحتی حواسش پرت می‌شود (علیزاده، ۱۳۸۳). کودکان مبتلا به کمبود توجه، در جزئیات بی‌دقت هستند، تمرکز پایدار ندارند و فعالیت‌هایشان اغلب ناتمام باقی می‌ماند. این کودکان کارهای خسته‌کننده یا یکنواخت را دشوار می‌دانند و به‌راحتی توسط محرک‌های کم‌اهمیت حواسشان پرت می‌شود. برای مثال، ممکن است وقتی برای آوردن چیزی به اتاق می‌روند، تصویر روی دیوار توجه‌شان را جلب کند و هدف اصلی را فراموش کنند (دیانت مقدم، ۱۳۹۱).

نشانه‌های کمبود توجه عبارتند از: عدم توجه به جزئیات یا انجام اشتباهات بی‌دقت در تکالیف؛ مشکل در حفظ توجه در تکالیف یا فعالیت‌ها؛ گوش نکردن به صحبت مستقیم دیگران و ذهن‌پرتی؛ عدم توانایی در پیروی از دستورالعمل‌ها و تکمیل کارها؛ مشکل در سازماندهی فعالیت‌ها و مدیریت زمان؛ اجتناب از تکالیف نیازمند تلاش ذهنی مداوم؛ گم کردن وسایل مورد نیاز؛ و حواس‌پرتی توسط محرک‌های نامرتب و فراموشکاری در فعالیت‌های روزمره. (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۴۰۰)

فزون جنبشی یا بیش‌فعالی، یکی از مشکلات اصلی کودکان مبتلا به ADHD، فعالیت زیاد و فزون جنبشی است. این نشانه باید در بیش از یک محیط مشاهده شود، مانند خانه، مدرسه یا

درمانگاه، و در مقایسه با کودکان همسن و سطح هوشی مشابه ارزیابی گردد. (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۶) این کودکان آرام نشستن، منتظر ماندن و رعایت نوبت را دشوار می‌دانند و در کلاس درس یا موقعیت‌های اجتماعی بیش از حد حرکت و صحبت می‌کنند (علیزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

نشانه‌های بیش‌فعالی عبارتند از: تکان خوردن دست و پا و وول خوردن هنگام نشستن؛ ترک صندلی در کلاس یا موقعیت‌های مشابه؛ دویدن یا بالا و پایین پریدن بیش از حد معمول؛ ناتوانی در مشارکت آرام در بازی‌ها و فعالیت‌های گروهی؛ صحبت کردن بیش از حد معمول. (دیانت مقدم، ۱۳۶۱)

تکانشگری به معنای رفتار بدون تفکر قبلی است و یکی از اجزاء اصلی ADHD می‌باشد. (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۴) کودکان تکانشی اغلب از پیامد رفتار خود درس نمی‌گیرند و حتی پس از تنبیه، رفتار آزاردهنده خود را تکرار می‌کنند (علیزاده، ۱۳۸۳). در نوع بیش‌فعالی-تکانشی، کودک بی‌قرار، پرحرف و ناتوان در کنترل رفتار خود است. نشستن طولانی مدت و رعایت نوبت برای او دشوار است و ممکن است آسیب جسمی بیشتری نسبت به سایر کودکان تجربه کند (طیبیان مجرد، ۱۴۰۲).

۳. انواع بیش‌فعالی

اگرچه اغلب نشانه‌های کمبود توجه، تکانشگری و بیش‌فعالی با هم دیده می‌شوند، در برخی از افراد مبتلا، دسته‌ای از نشانه‌ها بارزتر است و بیشتر به چشم می‌خورد. براین اساس، این اختلال به سه حالت فرعی تقسیم می‌شود:

۳-۱. نوع کمبود توجه غالب: این گونه اختلال زمانی مطرح می‌شود که نشانه‌های نبود توجه در شش ماه گذشته، بیشتر از نشانه‌های بیش‌فعالی-تکانشگری دیده شده باشد. در کودکان دبستانی که والدین بنا بر توصیه معلمان یا مسئولان مدرسه به مراکز درمانی مراجعه می‌کنند، این نوع بیشتر دیده می‌شود.

۳-۲. نوع بیش‌فعالی- تکانشی غالب: این نوع زمانی مطرح می‌شود که نشانه‌های بیش‌فعالی- تکانشگری در شش ماه گذشته، بیشتر از نشانه‌های نبود توجه دیده شده باشند.

۳-۳. نوع مرکب: این نوع بیش‌فعالی زمانی مطرح می‌شود که هم نشانه‌های کمبود توجه و هم نشانه‌های بیش‌فعالی- تکانشگری، در دست کم شش ماه گذشته، پیوسته نمود داشته باشند. در بیشتر کودکان و نوجوانان بیش‌فعال، نوع مرکب مشاهده می‌شود. (دیانت مقدم، ۱۳۶۱)

۴. تشخیص و ارزیابی بیش‌فعالی

تشخیص بیش‌فعالی ساده نیست و باید توسط متخصص واجد شرایط و یا با انجام تست‌های دقیق و مشاهدات بالینی مشخص شود. همه کودکان ممکن است نشانه‌های بیش‌فعالی را داشته باشند که در واقع بخشی از ماهیت سن کودکی است.

چه زمانی گفته می‌شود کودک دچار بیش‌فعالی است؟ ابتدا باید به شدت رفتارها و مشکلات و سپس به سن کودک توجه شود. این رفتارها باید در سال‌های اول زندگی و قبل از ۷ سالگی پدیدار شده و حداقل به مدت شش ماه ادامه داشته باشند. همچنین باید باعث ایجاد مشکل جدی حداقل در دو مکان مانند مدرسه، خانه، زمین بازی یا سایر مکان‌های اجتماعی شوند. (گرگی زاده اردشیری، ۱۴۰۱)

۴-۱. سبب‌شناسی اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی

۴-۱-۱. عوامل ژنتیکی

شواهد تجربی محکم نشان می‌دهد که ژنتیک نقش اساسی در سبب‌شناسی این اختلال دارد. (مایک و فارون، ۲۰۰۶-۲۰۰۸) مؤسسه ملی محافظت از سلامت (۲۰۰۶) به نقل از بروک، جمرسون و هنسن (۲۰۰۹) گزارش کرده است که بروز این اختلال در میان والدین و خواهر و برادران افراد مبتلا، ۲۵ تا ۲۶ درصد و بروز آن در کودکان والدین مبتلا، ۵۵ درصد است (بیدرمن، و همکاران، ۱۹۹۵ به نقل از بروک، و همکاران، ۲۰۰۹). مطالعات بارکلی (۲۰۰۶) روی دوقلوها نشان داده است که سهم وراثت در بروز این اختلال بین ۸۰ تا ۹۰ درصد است. اگرچه مطالعات خانواده، دوقلوها و

فرزندخوانده‌ها تأثیر عوامل ژنتیکی را نشان می‌دهند، اما کروموزوم یا ژن خاصی که مسئول این اختلال باشد، شناسایی نشده است (مایک و فارون، ۲۰۰۸). البته سبب‌شناسی این اختلال فقط به وراثت محدود نمی‌شود و عوامل محیطی نیز نقش مهمی در بروز نارسایی توجه/بیش‌فعالی دارند (خانزاده، و همکاران، ۱۳۹۹).

۴-۱-۲. عوامل تغذیه

برخی بر این باورند که شکر تصفیه شده باعث ADHD می‌شود یا علائم آن را تشدید می‌کند، اما تحقیقات بیشتر این نظریه را رد کرده‌اند. مطالعات نشان داده‌اند کودکانی که شکر مصرف می‌کنند، رفتار متفاوت یا ضعف یادگیری بیشتری نسبت به کودکانی که جایگزین شکر دریافت کرده‌اند، نشان نمی‌دهند. (ولرایش، ۱۹۹۴) همچنین مصرف افزودنی‌های غذایی مانند رنگ‌های مصنوعی و نگهدارنده با افزایش فعالیت مرتبط بوده است (پشبادی، و همکاران، ۱۳۹۱).

۴-۱-۳. عوامل محیطی

عوامل محیطی بسیاری پیش و پس از تولد کودک مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا رابطه‌ای بین سموم محیطی و اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی پیدا شود. برای مثال، سرب می‌تواند از طریق خوردن یا تنفس موجب آسیب مغزی شود. بارکلی (۱۹۸۲) بیان می‌کند که ۳۰ درصد کودکانی که میزان سرب خونشان بالاست، نشانه‌های بیش‌فعالی نشان می‌دهند. کودکانی که در حومه شهرها زندگی می‌کنند یا در خانواده‌هایی با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین هستند، در معرض خطر بیشتری قرار دارند. همچنین سیگار کشیدن مادر در دوران بارداری می‌تواند با این اختلال مرتبط باشد. از نظر بارکلی (۱۹۷۷)، پژوهشی‌های انجام شده در مورد اثر سرب و الکل بر مادران، دو ایراد روان‌شناختی دارد: اول مربوط به معیارهای تشخیص بالینی بیش‌فعالی و سطح آن است و دوم، به ارزیابی وجود این اختلال در والدین مربوط می‌شود. اما به‌طورکلی پژوهش‌های مربوط نشان می‌دهد که اختلال نارسایی توجه-بیش‌فعالی با مصرف الکل و سرب، رابطه‌ای علت‌شناختی دارد و همچنان پژوهش‌های بیشتری در این زمینه ضروری است.

۵. روش‌های درمانی

۵-۱. دارو درمانی

درمان دارویی مبتنی بر داروهای محرک و غیرمحرک مانند ریتالین و آتوموکسیتین است و سال‌هاست که به‌عنوان روش درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقدار و نوع دارو باید توسط پزشک تنظیم شود؛ زیرا مقدار کم اثربخش نبوده و مصرف بیش از حد می‌تواند حالات نامطلوبی در کودک ایجاد کند؛ مانند فرو رفتن در خود، مات و مبهوت شدن، بد خلقی یا گریه زودهنگام. (دیانت مقدم، ۱۳۹۱)

۵-۲. رفتاردرمانی

رفتاردرمانی به کودک کمک می‌کند تا راه‌های مؤثر برای رسیدن به نتایج فوری، درک احساسات و انجام فعالیت‌ها را بیاموزد. این روش می‌تواند به تغییر افکار کودک و الگوهای رفتاری او کمک کند. حمایت‌ها ممکن است شامل کمک عملی در سازماندهی کارهای مدرسه یا کاهش حوادث هیجانی باشد. حمایت ممکن است در خودکنترلی رفتار شخصی کودک و افزایش اعتماد به نفس یا خودتشویقی وی برای عمل طبق تمایلی که دارند مثل کنترل عصبانیت یا فکر کردن قبل از عمل کردن باشد. (محمدزاده، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹) رفتاردرمانگر سعی می‌کند با روش‌هایی الگوی رفتار کودک را تغییر دهد از جمله: ساماندهی مجدد محیط خانه و مدرسه؛ ارائه دستورالعمل‌های شفاف و روشن؛ ایجاد سیستم پاداش برای افزایش رفتارهای مناسب و پیامد منفی برای رفتارهای نامناسب. (داگلاس تاینن، ۱۳۸۶)

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «دعوا الصبی حتی یأتی سبع سنین، فی لعب سبع سنین، و یتعلم سبع سنین، فإذا بلغ سبع عشرة سنة فزوجوه...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۱/۴۷۴). اسلام جنب و جوش زیاد کودکان تا هفت سالگی را طبیعی می‌داند و سرکوب آن را توصیه نمی‌کند. این نگاه می‌تواند مبنای برخورد صحیح با کودک بیش‌فعال باشد.

۵-۳. تغییر شناختی-رفتاری

این روش درمانی به کودک کمک می‌کند مهارت‌های حل مسئله و کنترل خود را افزایش دهد. (ابیکوف، ۱۹۸۵) درمانگر از راه آموزش، الگوسازی، مرور ذهنی، فرصت یادگیری اکتشافی، شکل دهی و برنامه‌ریزی آموزشی به کودک کمک می‌کند. ترکیب مداخلات دارویی با رفتار درمانی نتایج مشابهی با استفاده زیاد از دارو به تنهایی دارد (علیزاده، ۱۳۸۳).

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إن قلوب الفتيان و الغلمان خالية من الشواغل، فمن شغلها بالخير سبق إليها». (شریف رضی، ۱۳۷۴) کودک بیش فعال با آموزش تدریجی و متناسب با ظرفیت خود می‌تواند تا حد زیادی بر مشکل غلبه کند و به محیطی بدون شلوغی و استرس نیاز دارد. همچنین براساس روایات، حسنین علیهما السلام هنگام نماز خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله کنار او می‌ایستادند و از رفتار او تقلید می‌کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نماز آنان را نوازش و تشویق می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۱۰/۳۰۵ و ۳۱۵). این عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله علاوه بر آنکه موجب محافظت کودکان می‌شد، از جنبه تربیتی نیز بر آنان اثرگذار بود؛ چون آنان به طور غیرمستقیم اهمیت دعا و تلاوت قرآن را درمی‌یافتند.

۵-۴. آموزش والدین

آموزش والدین شامل پذیرش اختلال کودک، شناخت بیماری و به‌کارگیری روش‌های درمانی مناسب است. آموزش تعامل سالم والدین-فرزند می‌تواند نشانه‌های درون نمود را کاهش دهد. (پلهام، و همکاران، ۱۹۹۸؛ استری هورن و ویدمن، ۱۹۸۹؛ گریزنکو، ۱۹۹۷) یکی از اصول مهم تربیتی، تشویق و تنبیه است. این روش‌ها با ایجاد بیم و امید، فرزند را از کارهای نادرست بازداشته و به انجام کارهای خوب ترغیب می‌کند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «من كان عنده صبي فليتصاب له؛ کسی که کودکی دارد، باید کودکانه رفتار کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ۱۵/۲۰۳)؛ امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «من كان له ولد صبا؛ کسی که کودک دارد، باید خود را تا سر حد کودکی

تنزل دهد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۵۰/۶). براساس نظریات «همدلی رشدی»^۱ والدین باید خود را جای کودک قرار دهند تا ارتباط بهتری برقرار کنند.

۶. راهکارهای آموزگار

کودک بیش فعال بخش قابل توجهی از زندگی خود را در مدرسه، به ویژه در کلاس، می‌گذراند؛ بنابراین نقش معلمان در بهبود وضعیت این کودکان انکارناپذیر است. راهکارهای زیر می‌توانند به معلمان در برخورد مناسب با دانش‌آموزان بیش فعال کمک کنند:

- برخورد همراه با صمیمیت و شناخت کودک؛ هر کودک بیش فعال علاقه‌مندی‌ها، استعدادها و نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارد. شناخت این ویژگی‌ها به معلم کمک می‌کند مهارت‌های زندگی او را گسترش دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إن الله یرحم العبد لشدة حبه لولده؛ خداوند به بنده‌ای که محبت شدیدی به فرزندش دارد، رحم می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۰/۶). آموزه‌های اسلامی بر این نکته تأکید دارند که معلم و والدینی که با صبر و محبت رفتارهای کودک را مدیریت می‌کنند، مورد لطف الهی قرار می‌گیرند. کودک بیش فعال بیش از دیگران به صبوری نیاز دارد.
- اختصاص فضای بیشتر و فعالیت‌های بدنی؛ محدوده بزرگ‌تری برای نشستن کودک در کلاس اختصاص دهید تا بتواند آزادانه حرکت کند و از وسایلی استفاده نماید. همچنین مسئولیت‌هایی که نیاز به تحرک بدنی دارند، مانند توزیع برگه‌ها یا رفتن به دفتر مدرسه، به او بسپارید تا انرژی خود را تخلیه کند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دع ابنک یلعب سبع سنین، و یؤدب سبع سنین، و الزمه نفسک سبع سنین...؛ فرزندت را تا هفت سال رها کن تا بازی کند، هفت سال او را تربیت کن، و هفت سال با او اجبار کن» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۳/۲۳).
- تشویق و تقویت مسئولیت‌پذیری؛ زمانی که کودک کاری را انجام می‌دهد یا تمرینات خود را با موفقیت پشت سر می‌گذارد از او تشکر کنید و حس مسئولیت و وظیفه‌شناسی را در او تقویت

¹ Developmental Empathy

کنید. برای فعالیت‌هایی که نیمه‌تمام می‌مانند، کودک را تشویق کنید تا آنها را کامل کند. استفاده از زور و اجبار کارساز نیست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من أتاب علی الإحسان فقد شجع المعروف؛ کسی که نیکی را پاداش دهد، کار نیک را گسترش داده است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ه.ق، ص ۳۰۱).

اختصاص وقت ویژه و تعامل فردی: برای کودک بیش‌فعال زمان اختصاص داد، حتی اگر کوتاه باشد. با او درباره نقاط قوتش صحبت کرد و او را از رضایت‌مندی خود مطلع نمود.

فعالیت‌های فیزیکی در کلاس: معلم در طول کلاس، چند مرتبه از دانش‌آموزان بخواهد حرکات ورزشی، کششی یا درجا انجام دهند. این کار به تخلیه انرژی کودک بیش‌فعال کمک می‌کند بدون اینکه احساس تفاوت یا محرومیت کند.

نشستن در نزدیکی معلم و هدایت هوشمندانه: کودک بیش‌فعال را در کلاس درس نزدیک معلم بنشانید تا بهتر بتواند او را کنترل و تمرکز ذهنی‌اش را به درس بازگرداند.

تشویق تعاملات اجتماعی: کودک تشویق شود که با دیگران ارتباط برقرار کند. ممکن است او در برقراری روابط مشکل داشته باشد، به ویژه اگر از لحاظ بلوغ نسبت به همکلاسی‌ها عقب باشد. فعالیت‌های گروهی می‌تواند به او کمک کند از جمع همسالان دور نشود.

مدیریت هیجانات معلم: در مواقعی که کودک کلافه‌کننده می‌شود، معلم نباید کوچک‌ترین ضعف از خود نشان دهد، باید بدون پرخاشگری و آرام باشد و در صورت نیاز از مشاور مدرسه کمک خواسته شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم؛ فرزندان خود را گرمی بدارید و آنان را به خوبی تربیت کنید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۱۵/۱۹۶).

استفاده از تشویق و بازخورد مثبت: کودکان بیش‌فعال معمولاً بیشتر سرزنش می‌شوند، اما استفاده از تشویق و بازخورد ارزشمند به کنترل هیجانات و تقویت اعتماد به نفس آنها کمک می‌کند.

یادداشت تکالیف و جملات مثبت: تکالیف کودک در دفترش یادداشت شود و از جملات مثبت به جای جملات منفی استفاده شود. برای مثال، به جای «نباید با همکلاسی‌ات حرف بزنی»، نوشته شود «بهتر است تا زنگ تفریح صبر کنی و بعد صحبت کنی». پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه می‌فرماید:

«الكلمة الطيبة صدقة؛ سخن نیکو، صدقه است» (سبحانی، ۱۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق، ۳۰/۳۶۹).

آموزش صبر و کنترل خود: وقتی کودک بی صبری می‌کند، باید او را به آرامش دعوت کرد و سپس به او اجازه داد کاری را انجام دهد یا حرفش را بزند. به این ترتیب، صبر کردن را به صورت تدریجی می‌آموزد. (محمودی ترمی، ۱۴۰۲). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تکتن عبد غیرک وقد جعلک الله حراً؛ برده دیگران مباش، درحالی که خدا تو را آزاد آفریده است» (شریف رضی، ۱۳۷۴).
نوری (۱۳۸۹) در پژوهشی راهبردهای آموزشی برای استفاده آموزگاران را در چندین گام بر می‌شمرد که عبارتند از:

گام اول) رفتار موردنظر برای تغییر را انتخاب کنید، مثلاً آرام نشستن و حرف دیگران را قطع نکردن.
گام دوم) تقویت‌کننده مناسب انتخاب کنید (خوراکی، برچسب، وقت آزاد، تحسین).
گام سوم) اجرای منظم قواعد در کلاس برای دانش‌آموز توضیح داده شود.
گام چهارم) ارتباط بین قواعد و نحوه استفاده از تقویت‌کننده‌ها برای کودک توضیح داده شود.
گام پنجم) توضیح دهید در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد.
گام ششم) روش‌ها را اصلاح و دلایل موفقیت‌ها را ثبت نمایید. (نوری، ۱۳۸۹، ص ۲۶)

۷. نتیجه‌گیری

اختلال بیش‌فعالی همراه با نقص توجه یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌پزشکی در کودکان است که به اختصار ADHD نامیده می‌شود. این اختلال پدیده‌ای نوظهور نیست و دارای تاریخچه نسبتاً طولانی است. هرچند علت مشخص و واحدی برای بیش‌فعالی کشف نشده، متخصصان بر این باورند که عوامل ژنتیکی، ارثی و محیطی هر دو در بروز آن مؤثر است. معلم در تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد. سرنوشت انسان‌ها و جامعه تا حد زیادی به توانایی معلم در تربیت انسان‌های سالم و رشد یافته بستگی دارد. همچنین معلمان مهم‌ترین عامل در کنترل و مدیریت دانش‌آموزان بیش‌فعال هستند. با توجه به یافته‌های پژوهشی، بسیاری از ویژگی‌های رفتاری

دانش‌آموزان بیش‌فعال در مدرسه بروز می‌کند، مانند عملکرد تحصیلی ضعیف، حواس‌پرتی، درگیری با همکلاسی‌ها، بی‌توجهی به تکالیف و قواعد مدرسه و رفتارهای پارانرژی در کلاس. این گروه از دانش‌آموزان، به دلیل رفتارشان و تمایل به بازی‌های جذاب و خلاقانه، به یکی از چالش‌های بزرگ معلمان تبدیل شده‌اند.

راهکارهای مدیریتی برای این دانش‌آموزان شامل الگوسازی، شکل‌دهی رفتار، مجاورت، محروم‌سازی، رفتاردرمانی شناختی و فعالیت‌های هدفمند است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که استفاده از این روش‌ها می‌تواند عملکرد دانش‌آموز در خانه و مدرسه را بهبود بخشد. توانایی روان‌شناختی و اجتماعی معلم در ترغیب دانش‌آموزان به یادگیری با انگیزه، اثر فراوانی دارد. ارتباط معلم و دانش‌آموز و نقش الگودهی او اهمیت ویژه‌ای دارد. هرچند در منابع اسلامی به‌طور صریح اختلال بیش‌فعالی بررسی نشده است، آموزه‌های اسلامی جنب و جوش بیش از حد را تا حدی طبیعی می‌داند و بر صبر، محبت و آموزش غیرمستقیم تأکید دارد. استفاده از بازی و مهارت‌آموزی غیرمستقیم و پرهیز از سرکوب و تنبیه مستقیم، از جمله توصیه‌های مهم برای والدین و معلمان برای کنترل رفتار کودکان بیش‌فعال است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۲). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * نهج‌البلاغه (۱۳۷۴). شریف‌رضی، محمد بن حسین. مترجم: دشتی، محمد. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
- ۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴هـ.ق). تحف‌العقول عن آل الرسول. قم: نشر اسلامی.
- ۲. انجمن روانپزشکی ایران (۱۴۰۰)، راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی. مترجم: سیدمحمدی، یحیی، تهران: روان.
- ۳. باغبانی، سجاده، صادق‌نیا، سینا، صمدی، شیرزاد، و امینی، سهند (۱۴۰۲)، نقش معلم در مدیریت دانش‌آموزان بیش‌فعال. مجموعه مقالات چهاردهمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ص ۱۷۸۱-۱۷۹۱.
- ۴. برکتین‌فر، سمانه (۱۴۰۱). بررسی اختلال بیش‌فعالی - نقض توجه. نشریه برند آفرین، ۳(۲۸)، ۱-۱۰.
- ۵. تاینن، داگلاس (۲۰۰۵). بیش‌فعالی چیست؟ مترجم: اخوان، مریم. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، - (۷۰ و ۷۱)، ۱۶-۲۳.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸). تفسیر سوره مدثر. سخنرانی. ۱۳۹۸/۲/۳. مشاهده شده در پرتال بنیاد اسراء: <https://javadi.esra.ir/fa/w/D8AAZD9%81ZD8ZB3ZDBZ8CZD8ZB1-ZD8ZB3ZD9%88ZD8ZB1ZD9%87-ZD9%85ZD8ZAFZD8ZABZD8ZB1-ZD8ZACZD9%84ZD8ZB3ZD9%87-5-1398/02/03>.
- ۷. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.
- ۸. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹هـ.ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام.

۹. خالدی، محسن (۱۳۹۵). نقش معلم در تربیت دینی و اخلاقی دانش آموزان؛ مطالعه موردی دانش آموزان متوسطه شهر مریوان. مجموعه کامل آثار و مقالات برگزیده نهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، (۹)، ۶۱۳-۶۲۰.
۱۰. خانزاده، حسین، طاهر، محبوبه، و یگانه، طیبه (۱۳۹۲). شناسایی و درمان اختلال نارسایی توجه بیش فعالی در مدرسه. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۳(۶)، ۳۹-۵۲.
۱۱. خدادادی، مجتبی، و جباری، گلناز (۱۳۹۶). اختلال نقص توجه- بیش فعالی در کودکان و نوجوانان: راهنمای کاربردی. تهران: نشر علوم رفتاری- شناختی سینا.
۱۲. دیانت مقدم، مصطفی (۱۳۹۱). کمی قرار برای یک بی قرار. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۳. ذوقی پایدار، محمدرضا، یعقوبی، ابوالقاسم، و نبی زاده، صفر (۱۳۹۴). پیشبینی عملکرد تحصیلی دانش آموزان با اختلال نارسایی توجه/بیش فعالی براساس استرس و شیوه برخورد والدین. نشریه افراد استثنایی، ۱۹(۱۵)، ۱۴۳-۱۶۱.
۱۴. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ه.ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: انتشارات شریف رضی.
۱۶. طبیبیان مجرد، فاطمه (۱۴۰۲). برخورد با دانش آموز بیش فعال. مجموعه مقالات پانزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، ۴۵۶-۴۶۰.
۱۷. علیزاده، حمید (۱۳۸۳). اختلال نارسایی توجه فزون جنبشی ویژگی ها ارزیابی و درمان. تهران: انتشارات رشد.
۱۸. عیاشاهی، محمدجواد. ده بزرگی، غلامرضا، و دهقان، بهرام (۱۳۸۲). میزان شیوع اختلال کمبود توجه و بیش فعالی در کودکان دبستانی شیراز. نشریه طبیب شرق، ۱۵(۱)، ۶۱-۶۷.
۱۹. کردلو، محسن، اسماعیلی، زینب، و آزادی، اسماعیل (۱۳۹۲). راهکارهای مطلوب در تعامل با کودکان بیش فعال. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۳(۴)، ص ۳۸-۴۸.
۲۰. کریم زاده، عنایت، محب زاده مجید، نوروزی، مهدیه، و خیری نیا، حسینعلی (۱۳۹۹). بررسی نقش تربیتی معلم در فرآیند تعلیم و تربیت. نشریه مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه شناسی، ۳(۳)، ۴۳-۵۶.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ه.ق). اصول کافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. گرجی زاده اردشیری (۱۴۰۱). بررسی اختلال بیش فعالی و نقص توجه. نشریه برندآفرین، ۳(۲۸)، ۱-۱۲.
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ه.ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۴. محمدزاده، معصومه (۱۳۸۶). اختلال نارسایی توجه/ بیش فعالی. نشریه تعلیم تربیت استثنایی، (۶۶ و ۶۸)، ۹۰-۱۱۶.
۲۵. نجفی، محمود، فولادچنگ، محبوبه، علیزاده، حمید، و محمدی فر، محمدعلی (۱۳۸۸). میزان شیوع کاستی توجه و بیش فعالی اختلال سلوک و اختلال نافرمانی مقابله ای در دانش آموزان دبستانی. نشریه پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، ۹(۳)، ۲۳۹-۲۵۴.
۲۶. نوری، مسعود (۱۳۸۹). مدیریت رفتار و راهبردهای آموزشی دانش آموزان دارای اختلال نارسایی توجه/بیش فعالی در کلاس درس. نشریه تعلیم و تربیت استثنایی، (۱۰۳)، ۲۶-۳۰.

روزه و سلامت جسمانی؛ بررسی فقهی و پزشکی روزه و آثار درمانی آن

حسینیه سروری^۱، زینب هاشمی^۲

چکیده

روزه یکی از اعمال عبادی در ادیان الهی است که در کنار جنبه‌های معنوی، آثار جسمانی و روانی گسترده‌ای نیز دارد. روزه‌داری در اسلام نه تنها یک وظیفه دینی بلکه راهی برای حفظ سلامت جسم و روان است. طب سنتی و نوین اثرات درمانی روزه را در پیشگیری و درمان بیماری‌ها تأیید کرده‌اند. از دیدگاه فقه اسلامی، روزه به عنوان زکات بدن شناخته شده و نقش مهمی در تقویت جسم و روح ایفا می‌کند. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهند که روزه‌داری باعث پاکسازی بدن از سموم، کاهش چربی‌های مضر، تنظیم ترشح هورمون‌ها و بهبود عملکرد دستگاه گوارش می‌شود و خطر ابتلا به بیماری‌هایی نظیر دیابت، فشار خون و مشکلات قلبی را کاهش می‌دهد. در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد فقه اسلامی، اثرات جسمانی روزه بررسی و نقش آن در سلامت بدن و پیشگیری از بیماری‌ها براساس آموزه‌های قرآنی، روایات معصومین و یافته‌های علمی تحلیل شد. روزه علاوه بر ابعاد معنوی، روشی طبیعی برای درمان و پیشگیری از بیماری‌ها شناخته می‌شود که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها کمک کند.

واژگان کلیدی: روزه، سلامت جسم، فقه اسلامی، آیات قرآنی، روایات معصومین.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Fatemeh.abdullahi11@gmail.com

ORCID: 8654-3097-0001-0009

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zeinab2529767@gmail.com

ORCID: 7642-9408-0001-0000

۱. مقدمه

اسلام، به عنوان دینی جامع و کامل، برنامه‌ای برای سعادت انسان طراحی کرده است که تمامی ابعاد وجودی او را دربرمی‌گیرد. این برنامه تنها به رشد معنوی انسان توجه ندارد، بلکه بهداشت و سلامت جسم نیز در آن مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. اسلام تن‌پروری را به معنای شهوت‌پرستی و نفس‌پروری محکوم کرده است، اما پرورش بدن به معنای مراقبت از سلامت و بهداشت واجب است و هر عملی که به بدن آسیب برساند، حرام دانسته شده است. (ر.ک.، الحر العاملی، ۱۴۰۴، ۹۹/۲۴) روزه، یکی از اعمال عبادی اساسی در اسلام است که علاوه بر جنبه‌های معنوی، آثار جسمانی و روانی گسترده‌ای دارد. در قرآن کریم، روزه وسیله‌ای برای پرهیزگاری و سلامت معرفی شده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره: ۱۸۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «صوموا تصحوا؛ روزه بگیرید تا سالم شوید». (مغربی، ۱۳۸۳، ۱/۱۴۲) از دیدگاه فقه اسلامی، روزه به مثابه زکات بدن شناخته شده و نقش مهمی در تقویت جسم و روح ایفا می‌کند. امام علی علیه السلام روزه را یکی از دو رکن سلامت برشمرده است: «الصیام أحد الصحتین» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰).

در عصر حاضر، پژوهش‌های علمی نیز نشان داده‌اند که روزه‌داری تأثیرات مثبت فراوانی بر سلامت جسمی و روانی دارد. دانشمندانی مانند دکتر هربرت شلتون و آلکسی سوورین به این نتیجه رسیده‌اند که روزه می‌تواند به دفع سموم بدن، کاهش وزن، تنظیم ترشح هورمون‌ها و پیشگیری از بیماری‌های مختلف کمک کند. (شلتون، ۱۴۰۲؛ سوورین، ۱۳۷۷) تحقیقات متعددی نیز درباره نقش روزه بر سلامت جسمانی در اسلام انجام شده است، از جمله کتاب روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد (شلتون، ۱۴۰۲). مقاله روزه درمان بیماری‌های روح و جسم (موسوی راد لاهیجی، ۱۳۹۱)، و کتاب آموزش دین و اخلاق برای همه (شمس‌الدین، ۱۳۷۵). این پژوهش‌ها هم ابعاد جسمانی و هم ابعاد روانی روزه را بررسی کرده است.

با توجه به افزایش بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی ناسالم در جوامع مدرن، بررسی نقش روزه به عنوان روشی طبیعی برای بهبود سلامت جسم و پیشگیری از بیماری‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با رویکرد نوآورانه، اثرات جسمانی روزه را از منظر فقه اسلامی و دانش پزشکی تحلیل می‌کند و به این سؤالات پاسخ می‌دهد که روزه چگونه بر سلامت جسم از منظر فقه اسلامی تأثیرگذار است؟ آیا فواید جسمانی روزه که در منابع دینی بیان شده‌اند با یافته‌های علمی مطابقت دارند؟ برای پاسخ به این سؤالات، ابتدا آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام بررسی و سپس یافته‌های علمی مرتبط تحلیل شده است. در نهایت نتایج استخراج و پیشنهاداتی برای تحقیقات آینده و بهبود سبک زندگی ارائه گردیده است. این پژوهش می‌تواند به درک بهتر فواید روزه و تشویق افراد به رعایت آن کمک کند.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. مفهوم‌شناسی روزه: روزه در لغت به معنای خودداری و امساک از چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴هـ.ق) و در اصطلاح فقه اسلامی به عملی اطلاق می‌شود که فرد برای انجام فرمان خداوند از اذان صبح تا اذان مغرب از خوردن، آشامیدن و سایر مبطلات روزه خودداری می‌کند (یوسفیان، بی‌تا، ص ۱۵).

۲-۲. مفهوم‌شناسی فقه: فقه در لغت به معنای فهم عمیق است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ذیل واژه فقه). در اصطلاح، علم فقه دانسی است که به تبیین احکام شرعی از ادله تفصیلی می‌پردازد (ابن منظور، ۱۴۱۴).

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق بررسی منابع دینی (قرآن و روایات)، متون فقهی و مطالعات علمی مرتبط با روزه‌داری جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها استخراج گردیده است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. روزه از منظر فقه اسلامی

روزه در منابع فقهی اسلامی نه تنها عبادتی معنوی است بلکه ابزاری مؤثر برای حفظ سلامت جسم و روح می‌باشد. این موضوع در آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام و تحلیل‌های فقهی به وضوح مشاهده می‌شود.

۴-۱-۱. روزه در قرآن کریم

قرآن کریم روزه را وسیله‌ای برای دستیابی به تقوا و خویشترنداری معرفی کرده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» (بقره: ۱۸۳). این آیه نشان می‌دهد که روزه‌داری به معنای کنترل خواسته‌های نفسانی و رسیدن به سطح بالاتری از معنویت است. همچنین، قرآن کریم به نقش روزه در کفاره گناهان نیز اشاره دارد. برای مثال، در سوره نساء آمده است که در صورت عدم توانایی آزاد کردن بنده مؤمن به عنوان کفاره، فرد باید دو ماه متوالی روزه بگیرد (ر.ک.، نساء: ۹۲).

۴-۱-۲. روزه در روایات معصومین علیهم‌السلام

روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام به نقش ممتاز روزه در سلامت جسم و روح اشاره کرده‌اند. امام علی علیه‌السلام روزه را «یکی از دو رکن سلامت» برشمرده است: «الصیام أحد الصحتین» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فرمود: «لکل شیء الزکوة و زکوة الابدان الصیام؛ هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن‌ها، روزه است» (الحر العاملی، ۱۴۰۴، ۲۸۹/۷). این حدیث به معنای پاک‌سازی و رشد بدن است که با تعریف زکات در اسلام (پاک کردن و ارتقاء) همخوانی دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ابن فارس، ۱۳۹۹). براساس روایات معصومین علیهم‌السلام، نقش روزه را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: دسته اول، راهی برای پیشگیری از بیماری‌ها؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده: «المعدة بیت کل داء، و الحمئة راس کل دواء؛ معده خانه همه بیماری‌هاست و پرهیز از غذاهای نامناسب و پرخوری اساس

درمان شفابخش است» (انصاری، ۱۴۲۸، ۱۴۳/۲). روزه با محدود کردن مصرف غذا و تنظیم عملکرد معده، به پیشگیری از بیماری‌های ناشی از افراط در خوردن کمک می‌کند.

دسته دوم) راهی برای حفظ سلامت: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الصيام أحد الصحتين» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لکل شیء الزکوة و زکوة الابدان الصيام» (الحر العاملی، ۱۴۰۴، ۲۸۹/۷). این احادیث نشان می‌دهد که روزه گرفتن عملی پاک‌کننده و سازنده بدن است که سلامت جسم را حفظ و تقویت می‌کند. همچنین در حدیث دیگری آمده است: «صدقة البدن فی الصوم؛ صدقة بدن روزه گرفتن است» (حسینی عاملی، ۱۴۰۶). این حدیث با تعریف صدقه در اسلام که شامل شفابخشی و دور کردن خطر و آسیب می‌شود، تأکید می‌کند که روزه نقش مهمی در سلامت جسم دارد (مجلسی، ۱۳۸۳، ۱۲۰/۹۶ و ۱۲۴).

دسته سوم) راهی برای درمان بیماری‌ها: در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «المعدة بيت کل داء، و الحمئة راس کل دواء؛ معده خانه همه بیماری‌هاست و استراحت دادن به آن اساس درمان است» (مجلسی، ۱۳۸۳). این حدیث به‌طور مستقیم به نقش روزه در درمان بیماری‌ها اشاره دارد.

۲-۴. روزه از منظر علمی - پزشکی

تحقیقات علمی نشان داده‌اند که روزه‌داری تأثیرات مثبت فراوانی بر سلامت جسمی و روانی انسان دارد. این تأثیرات به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱-۲-۴. روزه، راهی برای پیشگیری از بیماری: روزه‌داری روشی طبیعی برای پیشگیری از بیماری‌هاست. کاهش مصرف غذا و تنظیم متابولیسم بدن باعث پیشگیری از بیماری‌های مرتبط با متابولیسم مانند دیابت نوع ۲، چاقی و مقاومت به انسولین می‌شود. (ماتسون^۱، ۲۰۱۷) سوورین (۱۳۷۷) معتقد است: «عوض شدن مایع و مواد بین بافتی و پاک شدن بدن از سموم در ماه رمضان نتیجه پایداری دارد».

¹. Mattson

۲-۲-۲. روزه، راهی برای درمان بیماری‌ها؛ روزه‌داری نه تنها به پیشگیری، بلکه به درمان بیماری‌های مختلف نیز کمک می‌کند که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.

درمان بیماری‌های گوارشی: روزه با کاهش بار روی دستگاه گوارش و استراحت معده، به بهبود عملکرد آن کمک می‌کند و در درمان زخم معده و روده مؤثر است. (لانگو و ماتسون، ۲۰۱۴)^۱ دکتر شلتون (۱۴۰۲) معتقد است: «روزه‌درمانی بهترین روش برای درمان بیماری‌های معده، روده و سلسله اعصاب است».

۲-۲-۳. روزه، راهی برای تنظیم عملکرد بدن: روزه‌داری باعث تنظیم عملکرد سیستم‌های مختلف بدن می‌شود از جمله:

تنظیم ترشح هورمون‌ها: روزه‌داری با کاهش مصرف غذا و تنظیم متابولیسم به تعادل هورمون‌هایی مانند انسولین و لپتین کمک می‌کند و خطر بیماری‌های هورمونی را کاهش می‌دهد. (آنتونی^۲، ۲۰۱۸) کاهش دمای سلول‌ها: روزه‌داری کاهش سوخت‌وساز بدن همراه است که باعث کاهش دمای سلول‌ها شده و استرس سلولی را کاهش می‌دهد، که می‌تواند طول عمر سلول‌ها را افزایش دهد. (ماتسون، ۲۰۱۷)

۲-۲-۴. سلامت روانی و روان‌شناختی: روزه‌داری نقش مهمی در بهبود سلامت روانی دارد از جمله: کاهش افسردگی و اضطراب: روزه‌داری با کاهش ترشح هورمون‌های استرس مانند کورتیزول و افزایش ترشح هورمون‌های خوش‌حالی مانند اندورفین همراه است که این موضوع باعث بهبود سلامت روان می‌شود. (پندا^۳، ۲۰۱۹)

1. Longo & Mattson

2. Antoni

3. Panda

آرامش روانی؛ روزه‌داری ذهن انسان را از ناخالصی‌ها پاک کرده و از افکار منفی دور می‌کند. در مطالعات جدید نیز تأیید شده است که روزه‌داری به کاهش اضطراب و افزایش آرامش روانی کمک می‌کند. (آنتونی^۱، ۲۰۱۸)

۵. نقش روزه در ترمیم و بازسازی بدن

روزه‌داری باعث تحریک فرآیندهای ترمیمی و بازسازی در بدن می‌شود و اثرات مهمی بر سلامت جسمانی دارد. برخی از این اثرات عبارتند از:

ترمیم بافت‌ها و سلول‌ها: روزه‌داری با کاهش مصرف غذا و تحریک فرآیند اتوفاجی (خودپاک‌سازی سلولی) به ترمیم بافت‌ها و سلول‌ها کمک می‌کند. این فرآیند می‌تواند در پیشگیری از بیماری‌های تخریب‌کننده سلولی مانند آلزایمر و پارکینسون مؤثر باشد. (ماتسون، ۲۰۱۷)

جلوگیری از رشد بی‌رویه سلول‌ها: روزه‌داری با کاهش انرژی در دسترس سلول‌ها همراه است که این موضوع رشد بی‌رویه سلول‌ها را که می‌تواند منجر به سرطان شود، محدود می‌کند. (لانگو و ماتسون، ۲۰۱۴)

با توجه به دسته‌بندی فوق، مشخص می‌شود که روزه‌داری نقش مهمی در سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی انسان دارد. این نقش شامل موارد زیر است:

پیشگیری از بیماری‌ها: روزه به عنوان روشی پیشگیرانه برای جلوگیری از بیماری‌های مزمن و ناشی از اضافه وزن عمل می‌کند.

درمان بیماری‌ها: روزه یک روش درمانی است که برای درمان بیماری‌هایی مانند دیابت، فشار خون و التهاب مفاصل کاربرد دارد.

تنظیم عملکرد بدن: روزه با تنظیم ترشح هورمون‌ها، کاهش دمای سلول‌ها و سم‌زدایی بدن، عملکرد سیستم‌های مختلف بدن را بهبود می‌بخشد.

سلامت روانی: روزه به کاهش افسردگی و اضطراب و بهبود سلامت روانی کمک می‌کند.
 ترمیم و بازسازی بدن: روزه با ترمیم بافت‌ها و سلول‌ها و محدود کردن رشد غیرطبیعی سلول‌ها،
 به بازسازی بدن کمک می‌کند.

۶. تطبیق دیدگاه‌های دینی و علمی

یکی از جنبه‌های جالب در مطالعه روزه‌داری، تطبیق دیدگاه‌های دینی و علمی است. روایات اسلامی به وضوح به نقش روزه در پیشگیری و درمان بیماری‌ها اشاره دارند. برای مثال، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المعدة بيت كل داء، و الحمئة راس كل دواء» (مجلسی، ۱۳۸۳). این حدیث بر اهمیت تنظیم مصرف غذا و پرهیز از افراط تأکید دارد که در مطالعات علمی نیز به آن اشاره شده است. پژوهش‌های علمی نشان داده‌اند که روزه‌داری می‌تواند به پیشگیری از بیماری‌های مزمن، بهبود عملکرد بدن و سلامت روانی کمک کند. این تطبیق میان آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی نشان می‌دهد که دستورات دینی نه تنها از نظر معنوی بلکه از نظر علمی نیز منطقی و مؤثر است.

۷. بحث و تحلیل

روزه‌داری، یکی از اصول بنیادین عبادات در دین اسلام است که نه تنها جنبه معنوی و روحانی عمیقی دارد بلکه نقش مهمی در حفظ و بهبود سلامت جسمانی انسان ایفا می‌کند. این موضوع از دو منظر مورد بررسی قرار می‌گیرد: منظر فقه اسلامی و منظر علمی-پزشکی. در ادامه، هر یک از این دو منظر تحلیل شده و دلایل علمی و دینی آن‌ها با استناد به منابع معتبر مطرح می‌شوند.

۷-۱. روزه از منظر فقه اسلامی

از دیدگاه فقه اسلامی، روزه‌داری یکی از ابزارهای تقویت جسم و جان به‌شمار می‌رود. این امر در روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام به وضوح بیان شده است. برای نمونه، امام علی علیه‌السلام روزه را «یکی از دو رکن سلامت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰) برشمرده است که نشان‌دهنده اهمیت روزه در حفظ تعادل جسمانی و روانی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده است: «هر چیزی زکاتی دارد و

زکات بدن‌ها، روزه است» (الحر العاملی، ۱۴۰۴، ۷/-). این حدیث بیانگر آن است که روزه‌داری عمل پاک‌کننده و سازنده برای بدن است. از منظر فقه اسلامی، زکات به معنای پاک کردن و رشد دادن است (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ابن فارس، ۱۳۹۹). بنابراین، روزه‌داری موجب پاک‌سازی بدن از مواد زائد و سموم و همزمان ارتقای روح و جان فرد می‌شود. قرآن کریم نیز روزه را وسیله‌ای برای پرهیزگاری و خویش‌تننداری معرفی کرده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام... لعلکم تتقون» (بقره: ۱۸۳). این آیه نشان می‌دهد که روزه‌داری ابزاری برای تقویت اراده و کنترل خواسته‌های نفسانی است که به سلامت جسمانی و روانی نیز کمک می‌کند.

۲-۷. روزه از منظر علمی - پزشکی

پژوهش‌های علمی متعدد نشان داده‌اند که روزه‌داری تأثیرات مثبت گسترده‌ای بر سلامت جسمانی دارد، که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۲-۷-۱. پاکسازی بدن و دفع سموم: روزه به دفع سموم و مواد زائد بدن کمک می‌کند. آلکسی سوورین (۱۳۷۷) معتقد است که روزه موجب «عوض شدن مایع و مواد بین بافتی و پاک شدن بدن از سموم» می‌شود که این فرآیند خطر ابتلا به بیماری‌های مزمن را کاهش می‌دهد.

۲-۷-۲. بهبود عملکرد دستگاه گوارش: روزه‌داری با کاهش بار روی دستگاه گوارش و استراحت معده، عملکرد آن را بهبود می‌بخشد و می‌تواند در درمان بیماری‌هایی مانند زخم معده و روده مؤثر باشد. (ماتسون و همکاران، ۲۰۱۷)

۲-۷-۳. کاهش وزن و چربی‌های مضر: روزه‌داری با کاهش مصرف غذا و تنظیم متابولیسم بدن، باعث کاهش وزن و تحلیل ذخایر چربی مضر می‌شود و به پیشگیری از بیماری‌های مرتبط با متابولیسم مانند دیابت نوع ۲، چاقی و مقاومت به انسولین کمک می‌کند. (آنتونی و همکاران، ۲۰۱۸)

۲-۷-۴. تنظیم ترشح هورمون‌ها: روزه‌داری با کاهش مصرف غذا و تنظیم متابولیسم، ترشح هورمون‌هایی مانند انسولین و لپتین را تنظیم می‌کند و خطر بیماری‌های مرتبط با اختلالات هورمونی را کاهش می‌دهد. (ماتسون، ۲۰۱۷)

۷-۲-۵. ترمیم بافت‌ها و سلول‌ها: روزه‌داری با تحریک فرآیند اتوفاژی (خودپاک‌سازی سلولی) به ترمیم بافت‌ها و سلول‌ها کمک می‌کند و در پیشگیری از بیماری‌های تخریب‌کننده سلولی مانند آلزایمر و پارکینسون مؤثر است. (لانگو و ماتسون، ۲۰۱۴)

۷-۳. تطبیق دیدگاه‌های دینی و علمی

روایات اسلامی به نقش روزه در پیشگیری و درمان بیماری‌ها اشاره دارند؛ برای مثال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «المعدة بيت كل داء، والحمئة راس كل دواء» (مجلسی، ۱۳۸۳). این حدیث بر اهمیت تنظیم مصرف غذا و پرهیز از افراط تأکید دارد که در مطالعات علمی نیز تأیید شده است. این تطبیق نشان می‌دهد که دستورات دینی نه تنها از نظر معنوی، بلکه از نظر علمی نیز منطقی و مؤثر هستند. روزه‌داری یکی از اصول اساسی سلامت جسم و روح است که ضمن ارتقای سلامت روانی و جسمانی، می‌تواند به پیشگیری و درمان بیماری‌ها کمک کند.

۸. نتیجه‌گیری

روزه‌داری، یکی از اصول بنیادین عبادات در دین اسلام است که تأثیرات عمیقی بر سلامت جسمانی دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روزه‌داری هم از منظر فقه اسلامی و هم از دیدگاه علمی-پزشکی، به مثابه یک ابزار مؤثر برای پیشگیری و درمان بیماری‌ها شناخته می‌شود.

از دیدگاه فقه اسلامی، روزه‌داری به مثابه «زکات بدن» و یکی از ارکان سلامت تعریف شده است. (ر.ک.، الحر العاملی، ۱۴۰۴، ۷/-؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰) و نه تنها تقویت اراده و خویشتنداری، بلکه پاک‌سازی روح و بدن را نیز به همراه دارد. روایات معصومین علیهم السلام نیز به وضوح به نقش روزه در حفظ سلامت جسم و روان اشاره کرده‌اند (ر.ک.، مجلسی، ۱۳۸۳).

از دیدگاه علمی-پزشکی، روزه‌داری باعث پاکسازی بدن از سموم، تنظیم ترشح هورمون‌ها، کاهش وزن و چربی‌های مضر، بهبود عملکرد دستگاه گوارش و پیشگیری از بیماری‌های مزمن مانند دیابت، فشار خون و مشکلات قلبی می‌شود (ماتسون، ۲۰۱۷؛ لانگو و ماتسون، ۲۰۱۴؛ آنتونی، ۲۰۱۸).

تطبیق دیدگاه‌های دینی و علمی نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی با یافته‌های علمی همخوانی دارد و نشان می‌دهد که روزه‌داری نه تنها عبادتی معنوی، بلکه یک راهکار علمی برای بهبود سلامت جسمانی و روانی نیز است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که روزه‌داری می‌تواند به عنوان یک روش طبیعی و مؤثر برای بهبود کیفیت زندگی توصیه شود. تشویق به روزه‌داری، به ویژه در جوامع شهری و در دوران مدرن، می‌تواند به کاهش بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی ناسالم و ارتقای سلامت جمعی و فردی کمک کند.

جدول ۱. خلاصه یافته‌های پژوهش

منبع	فواید روزه‌داری	رویکرد
حر عاملی (۱۴۰۴، ۷-/-)؛ تمیمی آمدی (۱۴۱۰)	تقویت جسم و روح، پاک‌سازی روح و تن، افزایش خویشتنداری	فقه اسلامی
Mattson (2017); Antoni (2018)	پاکسازی بدن، کاهش وزن، تنظیم هورمون‌ها، پیشگیری از بیماری‌های مزمن	علمی پزشکی
	تأیید همخوانی دستورات دینی با یافته‌های علمی مدرن	تطبیق دیدگاه‌ها

۹. پیشنهادات عملی

توصیه می‌شود مطالعات بیشتری در زمینه تأثیر روزه‌داری بر بیماری‌های خاص انجام شود. به ویژه بررسی اثرات روزه بر بیماری‌های خودایمنی، سرطان و اختلالات روانی می‌تواند اطلاعات مفید و کاربردی ارائه دهد. همچنین طراحی برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی برای افزایش آگاهی عمومی درباره فواید روزه‌داری برای سلامت جسمانی و روانی توصیه می‌شود. این برنامه‌ها می‌توانند شامل کارگاه‌ها، سمینارها و انتشار مطالب علمی در رسانه‌ها باشند. روزه‌داری باید به عنوان بخشی از سبک زندگی سالم ترویج شود. این سبک زندگی شامل توجه به تغذیه سالم، فعالیت بدنی منظم و مدیریت استرس است تا اثرات درمانی و پیشگیرانه روزه به حداکثر برسد.

فهرست منابع

۱. ابن فارس (۱۳۹۹). معجم مقاییس اللغة. قم: دفتر انتشارات دارالفکر.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارصادر.
۳. انسورین، آکسی (۱۳۷۷). تأثیر روزه بر سلامت جسمانی و روانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. انصاری، باسم (۱۴۲۸). موسوعة طب الأئمة علیهم السلام. بیروت: دارالمرتضی.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالكلم. قم: دارالکتاب الاسلامی.
۶. الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۷. حسینی عاملی، عبدالعلی (۱۴۰۶). کشف الغطاء عن اسرار الصلاة والصیام. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۸. شلتون، هربرت مکسول (۱۴۰۲). روزه‌درمانی و نقش آن در سلامت بدن. مترجم: اکبری، محمدعلی. تهران: انتشارات سلامت.
۹. شمس‌الدین، سیدمهدی (۱۳۷۵). آموزش دین و اخلاق برای همه: شرح و تفسیر خطبه شعبانیه یا آداب روزه‌داری. قم: انتشارات قدس.
۱۰. شیخ صدوق (۱۴۱۲). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: مؤسسه دارالهجرة.
۱۲. فیض الاسلام اصفهانی، سید محمدباقر (۱۳۶۸). تفسیر سوره الحمد و النفل. قم: انتشارات موسسه اسماعیلیان.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). بحار الانوار. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. مغربی، قاضی نعمان (۱۳۸۳). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام. دارالمعارف.
۱۷. موسوی‌راد لاهیجی، حسین (۱۳۹۱). روزه درمان بیماری‌های روح و جسم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزات علمیه قم.
۱۸. یوسفیان، نعمت‌الله (بی‌تا). احکام روزه. تهران: نمایندگی ولی فقیه، مرکز تحقیقات اسلامی.
19. Antoni, R., Johnston, K. L., Collins, A. L., & Robertson, M. D. (2018). Intermittent fasting as a dietary intervention for overweight and obesity: A systematic review. *Obesity Reviews*, 19(1), 73–86. <https://doi.org/10.1111/obr.12624>
20. de Cabo, R., & Mattson, M. P. (2019). Effects of intermittent fasting on health, aging, and disease. *New England Journal of Medicine*, 381(26), 2541–2551. <https://doi.org/10.1056/NEJMr1905136>
21. Longo, V. D., & Mattson, M. P. (2014). Fasting: Molecular mechanisms and clinical applications. *Cell Metabolism*, 19(2), 181–192. <https://doi.org/10.1016/j.cmet.2013.12.008>
22. Mattson, M. P., Longo, V. D., & Harvie, M. (2017). Impact of intermittent fasting on health and disease processes. *Ageing Research Reviews*, 39, 46–58. <https://doi.org/10.1016/j.arr.2016.10.005>
23. Panda, S. (2019). How intermittent fasting can improve your health. *Nature*, 92(7853), 32–36. <https://doi.org/10.1038/d41586-21-00861-0>

الگوی تربیت سیاسی زنان در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام:

مبانی، مؤلفه‌ها و الزامات اجرایی

حسینی سادات نبی‌زاده^۱، طاهره جوانمرد^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی تربیت سیاسی زنان در اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام و ارائه مبانی، مؤلفه‌ها و الزامات اجرایی آن انجام شده است. با توجه به جایگاه ویژه زنان در توسعه اجتماعی و سیاسی و ضرورت مقابله با هجمه‌های فرهنگی غرب، این تحقیق به دنبال طراحی الگویی بومی و اسلامی برای تربیت سیاسی زنان است. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد و داده‌ها از بیانات و نوشته‌های مقام معظم رهبری علیه السلام گردآوری و تحلیل شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که تربیت سیاسی زنان در اندیشه ایشان بر سه محور اصلی استوار است: حفظ هویت اسلامی و ارزش‌های اخلاقی در کنار حضور فعال در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی؛ ترکیب نقش‌های خانوادگی و اجتماعی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری هم‌زمان در هر دو حوزه؛ و تقویت آگاهی سیاسی و بصیرت برای مقابله با توطئه‌های دشمن و مشارکت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های کلان. الگوی پیشنهادی تفاوت ماهوی با رویکردهای غربی (فردگرایانه) و سنتی (انزواطلبانه) دارد و بر شایسته‌سالاری، کرامت انسانی و تعادل میان رشد معنوی و اجتماعی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت سیاسی، مقام معظم رهبری علیه السلام، تربیت سیاسی

زنان، الزامات اجرایی.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: hosnasadatnabizade@gmail.com

ORCID: 2805-8861-0009-0009

۲. مربی گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: javant669@gmail.com

ORCID: 0000-0002-4418-867X

۱. مقدمه

در جامعه امروز ایران که در مسیر پیشرفت همه جانبه گام برمی دارد، نقش و جایگاه زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تربیت سیاسی زنان به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه اجتماعی و سیاسی کشور، نیازمند الگویی جامع و بومی است که همسو با ارزش‌های اسلامی و انقلابی باشد. در این میان، اندیشه‌های ناب و راهگشای مقام معظم رهبری علیه السلام در جایگاه مرجع و رهبری آگاه به زمان و مسائل زنان می‌تواند چراغ راهی برای ترسیم این الگو باشد.

مسئله اصلی این پژوهش آن است که برخلاف تأکیدات مکرر رهبر انقلاب علیه السلام بر حضور فعال و تأثیرگذار زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی (خامنه‌ای، ۱۳۷۵)، هنوز چارچوب نظری مدون و نظام‌مندی که بتواند مبانی، مؤلفه‌ها و الزامات تربیت سیاسی زنان را از منظر ایشان به صورت جامع تبیین کند، ارائه نشده است. از سوی دیگر، با توجه به هجمه‌های فرهنگی دشمنان انقلاب اسلامی در زمینه نقش و جایگاه زنان، که در صدد القای الگوهای غربی و غیربومی هستند (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۳۹۵)، ضرورت تدوین الگوی اسلامی تربیت سیاسی زنان بیش از پیش احساس می‌شود. مقام معظم رهبری علیه السلام در این زمینه تأکید دارند: «زن مسلمان ایرانی باید هم در عرصه خانواده و هم در صحنه اجتماع حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشد، اما این حضور باید بر اساس معیارهای اسلامی و انقلابی باشد، نه تقلید کورکورانه از مدل‌های غربی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲). این پژوهش می‌تواند پلی میان نظریه‌پردازی‌های کلان در حوزه زن و خانواده با برنامه‌ریزی‌های عملی در نهادهای تربیتی کشور ایجاد کند. در واقع، از منظر اجتماعی و با توجه به تحولات سریع فرهنگی در جامعه امروز ایران، لزوم بازتعریف نقش زنان در عرصه‌های سیاسی با حفظ ارزش‌های اسلامی و انقلابی، ضرورتی انکارناپذیر است. این پژوهش می‌تواند به شفاف‌سازی این نقش و ارائه الگویی بومی کمک شایانی نماید. افزون بر آن، اهمیت دیگر این تحقیق کاربردهای عملی آن است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنای مناسبی برای

سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و تربیتی در نهادهای مختلف آموزشی از جمله مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه باشد. همچنین فعالان حوزه زنان و خانواده می‌توانند از این الگو برای طراحی برنامه‌های توانمندسازی سیاسی زنان بهره ببرند.

از دیدگاه فرهنگی نیز این تحقیق اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه می‌تواند به مقابله با هجمه‌های فرهنگی غرب درباره حقوق زنان کمک کند. مقام معظم رهبری علیه السلام همواره تأکید داشته‌اند که: «زن مسلمان باید با حفظ هویت اسلامی و ارزش‌های اخلاقی، هم در عرصه علم و دانش پیشرفت کند و هم در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی نقش‌آفرینی نماید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷). با توجه به این ضرورت‌ها، در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای بیانات و نوشته‌های مقام معظم رهبری علیه السلام بررسی شد تا الگوی جامعی از تربیت سیاسی زنان در اندیشه ایشان استخراج و تبیین شود. این تحقیق می‌تواند گامی مهم در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در حوزه زنان و کمک به پیشرفت همه‌جانبه کشور باشد. براین اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- الگوی مطلوب تربیت سیاسی زنان بر اساس اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام چیست و این الگو بر چه مبانی‌ای استوار است؟
- این الگو چه مؤلفه‌هایی دارد و اجرای آن مستلزم چه الزامات و شرایطی است؟
- جایگاه تربیت سیاسی زنان در گفتمان فکری مقام معظم رهبری علیه السلام چگونه تبیین می‌شود؟
- مبانی معرفتی، ارزشی و هویتی تربیت سیاسی زنان در اندیشه رهبری علیه السلام کدام‌اند؟
- مؤلفه‌های اصلی تربیت سیاسی زنان از منظر رهبری علیه السلام چیست؟
- تفاوت نگاه رهبری علیه السلام به تربیت سیاسی زنان نسبت به رویکرد غربی یا سنتی در چه مواردی است؟
- الزامات الگوی تربیت سیاسی زنان از دیدگاه رهبری علیه السلام کدام‌اند؟

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی به بررسی تربیت سیاسی زنان در اندیشه‌های اسلامی و دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام پرداخته‌اند. عبدالله‌نسب و همکاران (۱۳۹۹) با تمرکز بر نظریه فطرت، نقش رسانه‌های اجتماعی در شکل‌دهی هویت سیاسی زنان را تحلیل کرده و به تأثیر دوگانه این رسانه‌ها (هم فرصت‌آفرین و هم چالش‌زا) اشاره نموده‌اند. برزگر و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی کیفی، تربیت سیاسی را فرآیندی برای تحقق مشروعیت حاکمیت و قانون‌مداری دانسته‌اند که مستلزم ایجاد بسترهای دموکراتیک و توسعه سواد حقوقی است. مطالعات دینی نیز ابعاد مختلفی از این موضوع را بررسی کرده‌اند از جمله: داوری و همکاران (۱۳۹۴) با استناد به قرآن، «قرب الهی» را هدف غایی تربیت سیاسی معرفی نموده‌اند. مسعودیان (۱۳۹۲) در تحلیل نهج‌البلاغه، اصولی چون عدالت‌خواهی، شایسته‌سالاری و ظلم‌ستیزی را به‌عنوان مبانی تربیت سیاسی استخراج کرده است. آکوچکیان (۱۳۸۹) با رویکرد فقهی-روایی، رابطه عدالت جنسیتی و توسعه سیاسی زنان را تبیین نموده است.

تمایز پژوهش حاضر با مطالعات پیشین در سه محور است: نخست، تمرکز اختصاصی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری علیه السلام. دوم، پرداختن به الزامات اجرایی تربیت سیاسی زنان در بافت جمهوری اسلامی ایران و سوم، ارائه الگوی عملیاتی با ترکیب مبانی نظری و راهبردهای کاربردی. بنابراین، پژوهش حاضر با پوشش خلأهای موجود در تحقیقات پیشین، به‌دنبال تدوین چارچوبی نظام‌مند برای تربیت سیاسی زنان بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی است.

۳. مفهوم‌شناسی

۳-۱. مفهوم‌شناسی تربیت

تربیت فرآیندی است که طی آن استعدادها و توانایی‌های بالقوه موجودات زنده (گیاهان، حیوانات و انسان‌ها) به فعلیت درمی‌آیند و پرورش می‌یابند. بنابراین، کاربرد این واژه در مورد اشیای غیرزنده تنها در معنای مجازی صحیح است و به‌معنای پرورش واقعی آن شیء نخواهد

بود (نصرت پناه، ۱۳۹۶). در فرهنگ فقهی شیعه، تربیت به معنای پرورش دادن و رشد دادن است، با این هدف که فرد به کمال مطلوب خود برسد (عبداله‌نسب، ۱۳۹۹).

۳-۲. سیاست

واژه «سیاست» در لغت به مفاهیمی مانند اداره امور مردم، حکمرانی، رهبری ﷺ، تربیت و مجازات اشاره دارد. ریشه این واژه به کلمه «ساس» بازمی‌گردد و در زبان یونانی معادل مفاهیمی چون «شهر» و «جامعه» به کار رفته است. اندیشمندان حوزه سیاست تعاریف گوناگونی از این مفهوم ارائه کرده‌اند که شامل ریاست، سرپرستی، فرماندهی، امر و نهی و تدبیر امور می‌شود. از دیدگاه جواد طباطبایی، سیاست فعالیتی اجتماعی است که هدف آن ایجاد نظم و تفاهم در جامعه، در میان اختلافات ناشی از عقاید و منافع متضاد است (عبداله‌نسب، ۱۳۹۹). در ادبیات سیاسی، اصطلاح «Politics» در چند معنا به کار می‌رود: نخست، به معنای هنر یا علم حکومت‌داری. دوم، به معنای دانش هدایت یا تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولتی. سوم، به معنای روش‌های کسب، حفظ یا اعمال قدرت در حکومت و چهارم، به معنای فرآیند نفوذ اجتماعی یا تأثیرگذاری بر شهروندان. در مفهوم مدرن، سیاست بیشتر به مسائل مرتبط با دموکراسی و تعامل میان مردم و دولت می‌پردازد. به این ترتیب، سیاست هم در معنای کلاسیک (مدیریت امور عمومی و تنظیم روابط اجتماعی) و هم در معنای نوین (تمرکز بر حکمرانی دموکراتیک و مشارکت شهروندی) جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌های سیاسی دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷).

۳-۳. تربیت سیاسی

در تعریف تربیت سیاسی، میان صاحب‌نظران اختلاف نظرهایی وجود دارد. برای نمونه، ماسیاس و کازامیاس تربیت سیاسی را فرآیندی می‌دانند که طی آن افراد جهت‌گیری‌های سیاسی خود را شکل می‌دهند و نسبت خود را با جامعه تعیین می‌کنند. به باور آنان، تربیت سیاسی فرآیندی است که ارزش‌های اجتماعی و سیاسی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. (مسعودیان، ۱۳۹۲) از دیدگاهی دیگر، تربیت سیاسی یک فرآیند هدایت‌گر است که هدف آن راهنمایی جامعه برای

رسیدن به منافع دنیوی و اخروی مردم است، مشروط بر آنکه این هدایت براساس اصول توحید بنا شده و معیار اصلی حرکت به سوی کمال انسانی از آموزه‌های الهی گرفته شود (داودی، ۱۳۹۴). در نظام‌نامه تربیتی المصطفی، تربیت سیاسی به معنای زمینه‌سازی برای رشد متریان در ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی است، به گونه‌ای که میل فطری آنان به قدرت شکوفا، هدایت و اصلاح شود و به حضور فعال یک شهروند مسلمان در عرصه‌های سیاسی ملی و جهانی بینجامد. این فرآیند افراد را برای مشارکت آگاهانه در فعالیت‌های مرتبط با حاکمیت، درک معادلات قدرت، دستیابی به منزلت ولایت الهی و تقویت روحیه عزت‌خواهی دینی آماده می‌کند. تربیت سیاسی همچنین شامل پرورش مهارت‌هایی مانند تشخیص جبهه‌های خودی و غیرخودی، تأثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی، خیرخواهی نسبت به نظام حاکم، و مدیریت اقلیت در جوامع غیراسلامی است. براساس دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله علیه، تربیت سیاسی اسلامی بر سه مهارت کلیدی تأکید دارد: استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی و اسلام‌گرایی. در جوامع غیراسلامی، این شاخص‌ها در قالب دفاع از حقوق مسلمانان، پیگیری عدالت و تعامل سازنده با اکثریت نمود می‌یابد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷)

به‌طورکلی، تربیت سیاسی فرآیندی است که طی آن افراد برای مشارکت آگاهانه و مسئولانه در زندگی سیاسی جامعه آماده می‌شوند. این فرآیند شامل آموزش مفاهیم و اصول سیاسی، توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و تصمیم‌گیری، و پرورش ارزش‌های شهروندی مانند مسئولیت‌پذیری، مشارکت و احترام به حقوق دیگران است. هدف نهایی تربیت سیاسی، پرورش انسان‌هایی آگاه، متعهد و شایسته است که بتوانند در اداره و سامان‌دهی امور جامعه، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، مشارکت فعال داشته باشند و به وظایف و مسئولیت‌های خود، از جمله رعایت حقوق دیگران، عمل کنند (مسعودیان، ۱۳۹۲، ۱۲).

۴. جایگاه تربیت سیاسی زنان در گفتمان فکری مقام معظم رهبری علیه السلام

مقام معظم رهبری علیه السلام با استناد به آیات قرآن و تاریخ اسلام، جایگاه والای زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را تبیین می‌کنند. ایشان با اشاره به بیعت زنان با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بر حق مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام تأکید کرده و معتقد است که اسلام، قرن‌ها پیش از غرب، این حق را برای زنان به رسمیت شناخته است. از دیدگاه ایشان، تربیت سیاسی زنان امری ضروری و مهم است؛ چراکه زنان نیز همانند مردان، در قبول حکومت و نظم اجتماعی - سیاسی دارای حق رأی‌اند و باید در تعیین سرنوشت خود و جامعه مشارکت فعال داشته باشند. ایشان با تأکید بر مالکیت و حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، به لزوم فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب برای تربیت سیاسی زنان و مشارکت مؤثر آنان در جامعه اشاره می‌کند. (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

مقام معظم رهبری علیه السلام در سخنان خود می‌فرماید: «زنان باید با حفظ هویت اسلامی و فرهنگی خود، در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت کنند». (خامنه‌ای، ۱۳۷۹) این دیدگاه نشان می‌دهد که تربیت سیاسی زنان در ایران باید در چارچوبی صورت گیرد که به ارزش‌های اسلامی و فرهنگی کشور آسیب نزنند. ایشان در دیدار با جمعی از بانوان، دیدگاه جامعی درباره تربیت سیاسی زنان ارائه داده و معتقدند که زنان، ضمن حفظ هویت و ویژگی‌های زنانه خود، باید در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نیز حضور فعال داشته باشند. ویژگی‌های زنانه، همچون احساسات رقیق، عواطف جوشان، مهر و محبت و صفا و درخشندگی، برای زنان ارزشمند است و نباید به بهانه حضور در اجتماع نادیده گرفته شوند.

مقام معظم رهبری علیه السلام بر لزوم پیشرفت زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، از جمله ایستادگی، صبر، مقاومت، حضور سیاسی، خواست سیاسی، درک و هوش سیاسی، شناخت کشور، شناخت آینده، شناخت اهداف ملی و اسلامی و شناخت توطئه‌های دشمن تأکید دارد. ایشان معتقد است که زنان باید درک و هوش سیاسی خود را روزبه‌روز تقویت کنند و نسبت به مسائل کشور و جهان آگاه باشند. افزون بر این، ایشان بر اهمیت رشد معنوی زنان در کنار فعالیت‌های

اجتماعی تأکید می‌کند. از نظر ایشان، زنان علاوه بر حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، باید در میدان ارزش‌های معنوی مانند علم، عبادت، تقرب به خدا، معرفت الهی و پیمودن وادی‌های عرفانی نیز پیشروی کنند. ایشان تأکید می‌کنند که رشد معنوی و رشد اجتماعی زنان باید به موازات یکدیگر باشد. (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۳۷۹)

از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه‌السلام، تربیت سیاسی زنان به معنای توانمندسازی آنان برای حضور فعال و مؤثر در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است؛ آن هم در عین حفظ هویت زنانه و ارزش‌های معنوی. گفتمان مقام معظم رهبری علیه‌السلام درباره تربیت سیاسی زنان نه تنها بر افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی آنان تأکید دارد، بلکه در پی ایجاد فضایی است که زنان بتوانند در عرصه‌های مختلف، به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور، نقش‌آفرینی کنند. این رویکرد در راستای تحقق عدالت اجتماعی و تقویت مشارکت عمومی در جامعه اسلامی است و می‌تواند به رشد و شکوفایی کشور بینجامد.

۵. مبانی معرفتی، ارزشی و هویتی تربیت سیاسی زنان در اندیشه رهبری علیه‌السلام

تربیت سیاسی زنان در اندیشه مقام معظم رهبری علیه‌السلام بر پایه‌ای سه‌گانه از مبانی معرفتی، ارزشی و هویتی استوار است که برای نقش‌آفرینی فعال و آگاهانه آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی طراحی شده است. از منظر ایشان، معرفت مبتنی بر فطرت الهی و آگاهی عمیق از موقعیت فردی و اجتماعی، ارزش‌هایی چون عدالت، آزادی معنوی و مسئولیت‌پذیری، و هویت توأمان دینی و ملی، ارکان اصلی تربیت سیاسی زنان را تشکیل می‌دهند. این نگاه جامع، زن مسلمان را به‌عنوان عنصری اثرگذار در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی معرفی می‌کند که هم‌زمان با حفظ کرامت و تعهدات اخلاقی، در عرصه‌های سیاسی نیز حضوری پویا و آگاهانه دارد. در ادامه، به تفصیل به مبانی مذکور پرداخته می‌شود.

۵-۱. مبانی معرفتی

در اندیشه رهبری علیه السلام، تربیت سیاسی زنان بر پایه معرفت فطری و وحیانی استوار است. انسان در جایگاه موجودی عاقل و دارای فطرت الهی، توانایی درک حقایق سیاسی و اجتماعی را از طریق عقل و وحی دارد. (عبداله‌نسب، ۱۳۹۹) رهبری علیه السلام با تأکید بر نقش بصیرت و آگاهی، زنان را به شناخت عمیق از موقعیت خود، جهان اسلام و توطئه‌های دشمنان فرا می‌خواند. این آگاهی شامل دو بعد است: خودشناسی؛ یعنی شناخت توانایی‌ها و مسئولیت‌ها و دشمن‌شناسی؛ یعنی درک تهدیدات خارجی (خامنه‌ای، ۱۳۷۹). همچنین، ایشان بر جامعیت آموزه‌های اسلامی در تبیین مسائل سیاسی تأکید داشته و معتقد است زنان با تکیه بر این آموزه‌ها می‌توانند در عرصه‌های سیاسی نقش آفرینی کنند.

۵-۲. مبانی ارزشی

تربیت سیاسی زنان در نگاه رهبری علیه السلام مبتنی بر ارزش‌های الهی و اخلاقی است. مفاهیمی همچون عدالت‌طلبی، آزادی معنوی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت‌جویی، اصول کلیدی این تربیت به‌شمار می‌روند. ایشان عدالت را نه تنها در سطح کلان جامعه، بلکه در روابط فردی و خانوادگی نیز ضروری دانسته و بر رفتار عادلانه زنان در همه عرصه‌ها تأکید دارد. (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۴۰۲) همچنین، آزادی در این دیدگاه به معنای رهایی از هوای نفس و تقلید کورکورانه است؛ امری که زنان را به انتخاب‌های آگاهانه و متعهدانه سوق می‌دهد. ارزش‌های اخلاقی مانند ایمان، تقوا و معنویت نیز به‌عنوان پایه‌های تربیت سیاسی، زنان را به سمت کنشگری سیاسی همراه با تعهد اخلاقی هدایت می‌کنند (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

۵-۳. مبانی هویتی

هویت زنان در اندیشه رهبری علیه السلام بر اساس کرامت انسانی و نقش‌های اجتماعی آنان تعریف می‌شود. ایشان با تأکید بر ترکیب روحانی و جسمانی انسان، زنان را به پرورش هم‌زمان بعد معنوی و اجتماعی فرا می‌خوانند. هویت زن مسلمان در این دیدگاه، شامل مسئولیت‌پذیری در خانواده و

جامعه است؛ به گونه ای که حضور فعال در عرصه های سیاسی نه تنها با نقش های خانوادگی تعارضی ندارد، بلکه مکمل آن است. رهبری علیه السلام با اشاره به سیره ائمه و زنان نمونه تاریخ اسلام، الگوهایی را معرفی می کند که هویت زن مسلمان را به عنوان کنشگری آگاه، متعهد و تأثیرگذار در تحولات سیاسی و اجتماعی ترسیم می سازد. (ر.ک.، خامنه ای، ۱۳۷۹)

۶. مؤلفه های اصلی تربیت سیاسی زنان از منظر رهبری علیه السلام

مقام معظم رهبری علیه السلام به نقش محوری و بی بدیل زنان در حرکت های اجتماعی و سیاسی اشاره دارند. ایشان معتقد است که عدم حضور زنان، موفقیت هر حرکت اجتماعی را با چالش جدی مواجه می کند، در حالی که حضور آگاهانه و بصیرت مند آنان، سرعت و کیفیت پیشرفت را به طور مضاعف افزایش می دهد. ایشان با تأکید بر نقش زنان در تشویق و آماده سازی مردان برای حضور در عرصه های سیاسی، به جایگاه کلیدی آنان در شکل گیری و پیشبرد حرکت های اجتماعی اشاره می کند. همچنین با یادآوری نقش برجسته زنان در دوران مبارزه با طاغوت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر تأثیر مستقیم مشارکت سیاسی آنان در تحولات اجتماعی تأکید دارد. از دیدگاه ایشان، زنان با حضور فعال و آگاهانه خود، می توانند نقش مهمی در پیشبرد اهداف ملی و اسلامی ایفا کنند و لازم است این حضور سیاسی زنان در جامعه تداوم پیدا کند. (ر.ک.، خامنه ای، ۱۳۹۱) از دیدگاه ایشان، زنان ضمن حفظ هویت و ویژگی های زنانه خویش باید در عرصه های اجتماعی و سیاسی حضور فعال داشته باشند. ویژگی هایی چون احساسات لطیف، عواطف جوشان، مهر و محبت و صفا، ارزشمند دانسته می شوند و نباید به بهانه فعالیت اجتماعی نادیده گرفته شوند.

مقام معظم رهبری علیه السلام بر لزوم پیشرفت زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی، از جمله ایستادگی، صبر، مقاومت، حضور سیاسی، خواست سیاسی، درک و هوش سیاسی، شناخت کشور، شناخت آینده، شناخت اهداف ملی و اسلامی، و شناخت توطئه های دشمن تأکید می کند. ایشان همچنین بر ضرورت تقویت درک و هوش سیاسی، شناخت کشور، آینده، اهداف

ملی و اسلامی و نیز توطئه‌های دشمن تأکید دارد. مقام معظم رهبری علیه السلام در بیانات خود، دیدگاهی فارغ از جنسیت در مورد فعالیت‌های سیاسی ارائه می‌دهند و نقش زنان و مردان را در این عرصه، نقشی بی‌بدیل می‌داند. رهبری علیه السلام، مشارکت سیاسی زنان را فراتر از حضور در پای صندوق‌های رأی دانسته و آن را شامل سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌ها و تحولات سیاسی جامعه می‌داند. ایشان برابری زن و مرد را در ارزش‌های انسانی و اسلامی مورد تأکید قرار داده و تنها در وظایف اختصاصی، آن‌هم براساس ویژگی‌های طبیعی، تفاوت‌هایی قائل می‌شود.

مقام معظم رهبری علیه السلام اهتمام به امور مسلمانان و جامعه را وظیفه همگان، چه زنان و چه مردان، می‌داند. حتی در برخی موارد، زنان را به حضور فعال در عرصه سیاست تشویق کرده و تأکید می‌نماید که نباید اجازه داد حضور زنان فعال در جبهه انقلاب کم‌رنگ شود. ایشان با اشاره به تلاش دیگران برای استفاده از ظرفیت زنان کارآمد در مواجهه با انقلاب، جبهه انقلاب را دارای زنان کارآمد و عالم بیشتری می‌داند و زنان را به حضور فعال در صحنه انقلاب و دفاع از آن ترغیب می‌کند. ایشان حضور و نقش زنان در عرصه سیاسی را افتخارآمیز می‌داند و زنان را برای ورود فعال به این حوزه تشویق می‌کند. از دیدگاه ایشان، تربیت سیاسی زنان به معنای توانمندسازی آنان برای حضور فعال، آگاهانه و مؤثر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی، در عین حفظ ارزش‌های انسانی و اسلامی، و با توجه به وظایف اختصاصی آنان است. (دارا و صادقی، ۱۴۰۰)

به‌طور خلاصه، مؤلفه‌های اصلی تربیت سیاسی زنان از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام عبارتند از: حفظ هویت و ویژگی‌های زنانه در کنار حضور فعال اجتماعی و سیاسی؛ تقویت درک و هوش سیاسی و شناخت اهداف ملی و اسلامی؛ مقاومت و ایستادگی در برابر توطئه‌های دشمن؛ مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فراتر از رأی‌دهی؛ ترکیب رشد معنوی با فعالیت‌های اجتماعی؛ ایفای نقش سازنده در خانواده و جامعه؛ و تأکید بر برابری ارزشی زن و مرد در عرصه سیاسی.

۷. تفاوت نگاه رهبری علیه السلام به تربیت سیاسی زنان با رویکرد غربی یا سنتی

الف) رویکرد جامع و متوازن در برابر تقلیل‌گرایی: رهبر انقلاب، تربیت سیاسی زنان را فقط به معنای حضور در عرصه عمومی یا مشارکت در ساختارهای قدرت نمی‌داند، بلکه آن را در بستری جامع و متوازن مطرح می‌کند. ایشان بر حفظ هویت زنانه، رشد معنوی و ایفای نقش مؤثر در خانواده در کنار پیشرفت سیاسی و اجتماعی تأکید دارد. این نگاه، در تضاد با رویکرد غربی است که اغلب بر فردگرایی و برابری جنسیتی مطلق با تمرکز بر حضور در اجتماع تأکید دارد و نیز با دیدگاه سنتی متفاوت است که نقش سیاسی و اجتماعی زنان را محدود می‌کند.

ب) تأکید بر کرامت انسانی و مسئولیت همگانی در برابر ابزارانگاری: رهبر انقلاب علیه السلام، برابری زن و مرد در کرامت انسانی را مبنای مشارکت سیاسی می‌داند و اهتمام به امور جامعه را وظیفه همگانی تلقی می‌کنند. این نگرش در برابر رویکرد غربی قرار دارد که از دیدگاه ایشان مبتنی بر «سودجویی» و «لذت‌جویی» و استفاده ابزاری از زنان برای اهداف سیاسی و اقتصادی است. این نگاه همچنین فراتر از برخی دیدگاه‌های سنتی است که زنان را از مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی دور می‌سازد.

ج) تشویق به مشارکت آگاهانه و مؤثر در برابر انفعال یا تقلید: رهبر انقلاب علیه السلام زنان را به حضور فعال، آگاهانه و بصیرت‌مند در عرصه سیاست فرا می‌خواند و معتقد است مشارکت سیاسی آنان نباید تقلیدی از الگوهای غربی یا محدود به نقش‌های حاشیه‌ای باشد، بلکه باید براساس هویت اسلامی و درک واقعی از مسائل و توطئه‌های دشمن صورت گیرد. (ایمانجانی، ۱۴۰۲)

براین اساس، نگاه رهبری علیه السلام به تربیت سیاسی زنان تفاوت ماهوی با رویکرد غربی مبتنی بر فردگرایی و تقابلی جنسیتی، و نیز با نگاه سنتی بازدارنده دارد. ایشان با تأکید بر «تربیت سیاسی همراه با حفظ ارزش‌های اسلامی و حضور فعال اجتماعی»، الگویی متعادل ارائه می‌دهد که هم از انزوای سنتی می‌پرهیزد و هم از افراط‌گرایی فمینیستی غربی اجتناب می‌کند. این الگو با محوریت «فعالیت سیاسی مسئولانه در چارچوب هویت اسلامی- ایرانی» زنان را هم به عنوان عناصر تأثیرگذار در عرصه عمومی و هم به عنوان محور تربیت نسل انقلابی مورد توجه قرار می‌دهد.

۸. الزامات الگوی تربیت سیاسی زنان از دیدگاه رهبری علیه السلام

۸-۱. ترکیب مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی

الگوی تربیت سیاسی زنان از منظر رهبری علیه السلام، مستلزم هماهنگی میان نقش‌های خانوادگی و اجتماعی است. ایشان تأکید دارد که زنان باید در عین حضور فعال در عرصه‌های سیاسی، علمی و اجتماعی، وظایف مادری و همسری را مسئولیت‌های اصلی خود بدانند. این نگرش بر این اصل استوار است که خانواده بدون حضور و مدیریت زن به درستی اداره نمی‌شود؛ با این حال، این موضوع به معنای محدود کردن زنان به محیط خانه نیست. زنان می‌توانند با برنامه‌ریزی صحیح، هم در تربیت نسل آینده نقش آفرین باشند و هم در پیشرفت جامعه مشارکت مؤثر داشته باشند. در مواردی که تعارضی میان این دو نقش به وجود آید، اولویت با مسئولیت‌های خانوادگی است؛ مگر در شرایطی خاص که وظایف اجتماعی به عنوان یک فریضه شرعی یا اجتماعی مطرح شود. (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۴۰۲)

۸-۲. رعایت ارزش‌های اسلامی و اخلاقی

تربیت سیاسی زنان باید بر پایه ارزش‌های اسلامی و اخلاقی استوار باشد. رهبری علیه السلام بر ضرورت حفظ کرامت زن، رعایت حجاب و پرهیز از محیط‌های لغزش‌آمیز تأکید دارند. ایشان معتقد است که حضور زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نباید با الگوبرداری از سبک‌های غربی، به تضعیف هویت اسلامی و اخلاقی آنان بینجامد. زنان باید در عین مشارکت فعال، با حفظ عزت نفس در برابر مردان نامحرم رفتار کرده و از هرگونه محیط یا رفتاری که موجب کاهش کرامت آنان شود، اجتناب نمایند. این نگاه، تربیت سیاسی زنان را نه تنها به مهارت‌های سیاسی، بلکه به تقویت ایمان و تقوا نیز پیوند می‌دهد. (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۴۰۲)

۸-۳. شایسته‌سالاری و نقش آفرینی هوشمندانه

الگوی تربیت سیاسی زنان باید بر مبنای شایسته‌سالاری باشد نه فقط بر مبنای جنسیت. رهبری علیه السلام معتقد است که زنان، در صورت دارا بودن صلاحیت‌های لازم، می‌توانند در مناصب

مدیریتی، سیاسی و اجرایی حضور یابند. این حضور نباید فقط با هدف افزایش تعداد زنان در پست‌های مهم باشد، بلکه باید براساس کارآمدی و تخصص انجام شود. (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۴۰۲) افزون‌براین، زنان باید در عرصه‌هایی مانند انتخابات، آگاهی‌بخشی سیاسی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های ملی، نقش فعالی ایفا کنند. ایشان بر این نکته تأکید دارند که زنان با دقت و ظرافت ویژه‌ای که دارند، می‌توانند در شناخت جریان‌های سیاسی و انتخاب نامزدهای شایسته تأثیرگذار باشند. چنین نگاهی، تربیت سیاسی زنان را به سمت مسئولیت‌پذیری آگاهانه و اثرگذار هدایت می‌کند (ر.ک.، خامنه‌ای، ۱۴۰۲).

۹. نتیجه‌گیری

تربیت سیاسی زنان در اندیشه مقام معظم رهبری علیه‌السلام، الگویی جامع و متوازن ارائه می‌دهد که بر سه پایه معرفتی، ارزشی و هویتی استوار است. از منظر ایشان، زنان با تکیه بر آگاهی عمیق از هویت اسلامی- ایرانی، ارزش‌های اخلاقی همچون عدالت و مسئولیت‌پذیری و شناخت توطئه‌های دشمن، می‌توانند حضوری فعال و اثرگذار در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی داشته باشند. این الگو از سویی با دیدگاه‌های غربی فردگرایانه و تقلیل‌دهنده به جنسیت و از سوی دیگر با نگرش‌های سنتی انزواطلبانه تفاوت ماهوی دارد. این الگو بر ترکیب نقش‌های خانوادگی و اجتماعی، شایسته‌سالاری و حفظ کرامت انسانی تأکید می‌نماید.

مؤلفه‌های کلیدی این الگو عبارتند از: حفظ هویت اسلامی و ارزش‌های اخلاقی در کنار مشارکت سیاسی؛ تقویت بصیرت و آگاهی برای مقابله با تهدیدات فرهنگی و سیاسی؛ ترکیب مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی بدون تعارض، با اولویت‌دهی به تربیت نسل انقلابی؛ و نقش‌آفرینی هوشمندانه در عرصه‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های کلان براساس شایستگی. الزامات اجرایی این الگو نیز شامل توسعه برنامه‌های آموزشی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، ایجاد بسترهای قانونی برای حضور مؤثر زنان و مقابله با هجمه‌های فرهنگی غرب است. در نهایت، این الگو نه تنها زنان را به عنوان کنشگران سیاسی آگاه و متعهد معرفی می‌کند، بلکه آنان را محور

تربیت نسل آینده و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی می‌داند. تحقق این الگو مستلزم همکاری نهادهای فرهنگی، آموزشی و خانواده‌هاست تا زنانی پرورش یابند که هم‌زمان عامل توسعه سیاسی و حافظ ارزش‌های الهی باشند.

فهرست منابع

۱. ایمانجانی، محمدمبین (۱۴۰۲/۱۰/۶). دفاع از زن سیاسی. روزنامه فرهیختگان. بازیابی شده از fdn.ir/91627 (۱۴۰۴/۱۱/۲۵)
۲. آکوچکیان، احمد، و عرب‌نژاد، مرضیه (۱۳۸۹). اصول دین‌شناختی مشارکت زنان در فرآیند توسعه سیاسی (با رویکرد قرآنی- روایی). نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۱۳(۴۹)، ۲۳۵-۲۹۲.
۳. برزگر، رقیه، کریمی، محمدحسن، و سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۷). تربیت سیاسی: اهداف، سازوکارها و بایسته‌های روشی آن. نشریه رهپافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۵۷)، ص ۱۰-۳۱.
۴. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). درآمدی بر نظام نامه‌ی تربیتی المصطفی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۵. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۵). بیانات در اجتماع زنان خوزستان. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. مشاهده شده در تارنمای Khamenei.ir
۶. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹). بیانات در دیدار جمعی از بانوان به مناسبت میلاد حضرت زهرا علیها السلام. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. مشاهده شده در تارنمای <https://farsi.khamenei.ir>
۷. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵). الگوی سوم زن. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۹. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷). حضور اجتماعی زن در نگاه اسلام. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۲). زنان در میدان مجاهدت. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای.
۱۱. دارا، جلیل، صادقی، الهه (۱۴۰۰). نقش اجتماعی زنان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. نشریه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، ۱۰(۴۱)، ۶۸۷-۷۲۰.
۱۲. داودی، محمد، و فاضلی‌دهکردی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی اهداف تربیتی در قرآن با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی. نشریه آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، (۲)، ۱۹-۴۰.
۱۳. عبدالله‌نسب، محمدرضا، و کیخا، نجمه (۱۳۹۹). تربیت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بر اساس نظریه فطرت. نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۸(۱۷)، ۱۰۵-۱۲۸.
۱۴. مسعودیان، پریرسا، و بهشتی، سعید (۱۳۹۲). بررسی اهداف، اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه. نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۱۷)، ۷-۲۵.
۱۵. نصرت‌پناه، سیاوش، ندایی، هاشم، و امیری، میترا (۱۳۹۶). اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در مأموریت‌های تربیتی سپاه. نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، (۲)، ۱-۱۵.

نقش سبک تربیتی خانواده در بالارفتن سن ازدواج دختران

محدثه سادات حسینی^۱، سید مرتضی عادل^۲

چکیده

تأثیر سبک تربیتی خانواده در پرورش فرزندان و شکل‌گیری زندگی آینده آنان، از موضوعات مورد تأکید بسیاری از روان‌شناسان و اندیشمندان علوم تربیتی است. یکی از چالش‌های مهم زندگی هر فرد، به‌ویژه دختران، ازدواج به‌هنگام است که می‌توان آن را با سبک تربیتی خانواده از نخستین سال‌های زندگی تا پیش از ازدواج مرتبط دانست. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی آن است که نشان دهد چگونه می‌توان براساس سبک تربیتی برگرفته از سیره حضرت فاطمه علیها السلام در ازدواج با امیرمؤمنان علیه السلام، الگویی برای خانواده‌های اسلامی و دختران مسلمان ترسیم نمود؛ الگویی که کاهش سن ازدواج و تحقق ازدواج در زمان مناسب را امکان‌پذیر سازد. نتایج بررسی‌ها نشان داد این الگوی فاطمی علیها السلام با شاخص‌هایی همچون انتخاب آگاهانه و آزادانه، هم‌شأن بودن همسر، ازدواج در سن مناسب با الهام از فرهنگ دینی و بومی، آسان‌گیری در هزینه‌های ازدواج و بی‌اعتنایی به دنیاگرایی، می‌تواند به دختران کمک کند تا با سرلوحه قرارداد این معیارها، ازدواجی به‌هنگام و موفق داشته باشند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، خانواده، ازدواج، سن ازدواج، الگوی فاطمی،

حضرت فاطمه علیها السلام.

۱. مقدمه

اندیشمندان عرصه تربیت معتقدند بسیاری از رفتارهای انسان‌ها در بزرگسالی، محصول نوع نگاه و تربیتی است که از سال‌های کودکی در خانواده شکل گرفته است. براین اساس، سبک و روشی

۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی

العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه ادیان، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

که والدین مسلمان در قبال فرزندان اتخاذ می‌کنند، باید آگاهانه و مبتنی بر فرهنگ اصیل دینی و اجتماعی باشد تا آینده رفتاری و شخصیتی آنان به درستی جهت یابد. ازدواج، به عنوان یکی از مراحل مهم زندگی، گاه به دلایل مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با تأخیر مواجه می‌شود؛ به گونه‌ای که حتی سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد. از این رو، ضروری است ابعاد و ریشه‌های این مشکل بررسی شود. نوشتار حاضر می‌کوشد با رویکردی کاربردی و روش توصیفی-تحلیلی، نقش خانواده در تربیت و آینده زندگی فرزندان، به ویژه دختران را روشن سازد و نشان دهد که با الگوبرداری از سیره حضرت فاطمه علیها السلام در ازدواج با امیرمؤمنان علیه السلام، می‌توان الگویی کارآمد برای کاهش سن ازدواج دختران ارائه کرد.

۲. نقش سبک تربیتی خانواده در ازدواج فرزندان

روان‌شناسان و عالمان اسلامی بر اهمیت سبک تربیتی و شیوه زندگی خانوادگی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای آینده فرزندان تأکید دارند. (ر.ک.، امینی، ۱۳۸۶؛ شعاری نژاد، ۱۳۸۸) یکی از عرصه‌های مهم تأثیرگذاری خانواده، نگرش فرزندان به ازدواج و پیامدهای تأخیر آن است. در ادامه به سه عامل اصلی مرتبط با سبک تربیتی خانواده که علت بالارفتن سن ازدواج دختران است، اشاره می‌شود:

۲-۱. تضعیف جایگاه ازدواج و نقش آن در ازدواج فرزندان

در خانواده‌هایی که جایگاه ازدواج کم‌رنگ می‌شود، والدین نقش خود را به درستی ایفا نکرده و مرزهای جایگاهی آنان برای فرزندان مشخص نیست. چنین فضایی، احساس آزادی بی‌قید و شرط را در فرزندان تقویت کرده و آنان را به سمت الگوهای غربی، همچون هم‌خانگی یا «ازدواج سفید»، سوق می‌دهد. (بستان، ۱۳۸۵) عوامل متعددی در تضعیف جایگاه ازدواج نقش دارند، از جمله: آزادی بی‌قید و شرط روابط جنسی، کاهش نظارت والدین، گرایش‌های استقلال طلبانه، رسمی و قانونی نبودن هم‌خانگی و امکان ارضای جنسی بدون تعهد (صادقی رشتی، ۱۳۹۳، ۳۵۲/۶). همچنین، کاهش ارزش معنوی حیات زناشویی، از بین رفتن قبح مجرد و

جایگزین‌هایی چون تحصیل یا اشتغال، موجب کم‌رنگ شدن ضرورت ازدواج می‌شود (صادقی رشتی، ۱۳۹۳، ۳۵۳/۶).

۲-۲. دشواری‌های ازدواج و نقش آن در ازدواج فرزندان

عوامل افزایش سن ازدواج دختران را می‌توان در سه بعد اخلاقی، فرهنگی و اقتصادی دسته‌بندی کرد که خانواده در همه این عوامل نقش دارد. بنابراین، روش تربیتی خانواده به‌طور طبیعی بر بالا رفتن سن ازدواج دختران نقش اساسی دارد. سبک تربیتی نادرست، نبود معنویت و سیطره نگرش مادی‌گرایانه، موجب کم‌رنگ شدن فضایل اخلاقی همچون صبر، مدارا و گذشت می‌شود و قابلیت همزیستی افراد را کاهش می‌دهد (صادقی رشتی، ۱۳۹۳، ۳۵۴/۶).

بخش دیگری از مشکلات ازدواج مربوط به ناهنجاری‌های فرهنگی است. رسوم‌ها و تشریفات سنگین مانند مهریه بالا، جهیزیه سنگین، مراسم پرهزینه یا شرط پایان سربازی پسران، روند طبیعی ازدواج را مختل می‌کند (صادقی رشتی، ۱۳۹۳، ۳۵۳/۶ - ۳۵۴). افزون‌براین، ادامه تحصیل با انگیزه یافتن همسر بهتر نیز بر تأخیر ازدواج اثر دارد. بیکاری، گرانی و تأثیر فضای مجازی بر ایجاد توقعات رویایی، موانع بزرگی در برابر ازدواج ایجاد می‌کند. در برخی موارد، دختران به دلیل استقلال اقتصادی ناشی از اشتغال، ازدواج را مانعی برای پیشرفت خود می‌دانند (رجبی، ۱۳۸۶). در این میان، اگر خانواده‌ها فرزندان را از کودکی به قناعت، شکرگزاری و توجه به داشته‌ها تربیت کنند، می‌توانند بسیاری از این موانع را کاهش دهند. برخی محققان غربی معتقدند که به دلیل افزایش استقلال اقتصادی زنان و گسترش راه‌کارهای حمایتی و تأمین اجتماعی، کارکردهای اساسی اجتماعی و اقتصادی خانواده دچار دگرگونی شده و با کوچک‌ترین ناسازگاری میان زوجین، بنیان خانواده فرو می‌ریزد (ر.ک.، گاردنر، ۱۳۸۶؛ گیدنز، ۱۳۸۵).

دختر یا پسر جوانی که در محیط خانواده از والدین خود گذشت، فداکاری، قناعت و بردباری نیاموخته و به‌طور دائم در معرض چشم و هم‌چشمی، انتظارات نابه‌جا، مقایسه زندگی خود با زندگی‌های اشرافی یا افراد قرار دارد هیچ‌گاه به آرامش حقیقی دست نیافته و زندگی دشواری را از نظر اخلاقی پیش رو خواهند داشت. تعامل درست والدین با فرزندان، تلاش آنها برای افزایش

اعتماد به نفس فرزندان، محترم شمردن فرزندان، تحقیر نکردن آنها و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در فرزندان از راه‌کارهایی است که باعث می‌شود فرزندان هنگام رسیدن به سن ازدواج با احساس کمبود روحی و روانی کمتری مواجه شود و در نتیجه انتخابی منطقی و عقلانی برای ازدواج خود داشته باشد.

۲-۳. نبود عقلانیت در ازدواج

اسلام عقل را راهنمای زندگی معرفی کرده است (ر.ک.، انعام: ۱۵۱) و از پیروی شهوات در ازدواج پرهیز می‌دهد. با این حال، برخی جوانان بدون مشورت با والدین و فقط براساس احساسات، فردی را برای ازدواج انتخاب می‌کنند و گاهی سال‌ها آن را پنهان نگه می‌دارند. یکی از دلایل چنین رفتاری، سبک تربیتی خانواده‌هایی است که به فرزند اجازه اظهارنظر نمی‌دهند یا همه امور او را خود انجام می‌دهند. چنین فرزندی در بزرگسالی توانایی تصمیم‌گیری عقلانی در امر ازدواج را نخواهند داشت و این موضوع سبب تأخیر در ازدواج خواهد شد.

۳. مناسب‌ترین زمان برای ازدواج دختران

یکی از مباحث مهم در بررسی سن ازدواج دختران، تعیین زمان مناسب برای ازدواج است. بدیهی است که نمی‌توان یک سن ثابت و یکسان را برای همه جوامع و اقوام مشخص کرد؛ زیرا هر جامعه‌ای با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و دینی خود معیارهای ویژه‌ای دارد. در فرهنگ اسلامی، ازدواج دختران تا پیش از بلوغ جنسی جایز نیست و براساس آیاتی همچون: «و ابتلوا الیتامی حتی إذا بلغوا النکاح فإن آنستم منهم رشدا...» (نساء: ۶)، می‌توان اقتران بلوغ جنسی با بلوغ فکری و عقلی را شرط آغاز ازدواج دانست (ر.ک.، طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۴/۱۷۲-۱۷۳). در حدیثی قدسی نیز خداوند دختران باکره را به میوه‌هایی تشبیه کرده که اگر به‌هنگام چیده نشوند، در معرض فساد قرار می‌گیرند (ر.ک.، طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۷/۳۹۷-۳۹۸). همچنین در روایات اهل بیت علیهم‌السلام، ازدواج کسانی که به سن رشد رسیده و از آمادگی لازم برخوردارند، مورد

تأکید قرار گرفته و ادامه مجرد آنان مکروه دانسته شده است (ر.ک.، صدوق، ۱۴۱۳ ه.ق، ۳/۳۸۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۰۰/۲۲۰-۲۲۱).

از سوی دیگر، توجه به فاصله سنی میان زن و مرد در ازدواج نیز اهمیت دارد. به طور معمول مردان تمایل دارند با همسرانی جوان تر ازدواج کنند؛ زیرا دختران زودتر از پسران به بلوغ می‌رسند و توان باروری خود را نیز زودتر از دست می‌دهند. بنابراین، دختران بهتر است چند سال زودتر از همسالان پسر خود ازدواج کنند. (بستان، ۱۳۹۶) افزون بر بلوغ جنسی، بلوغ فکری و اجتماعی نیز از شرایط ضروری برای یک ازدواج موفق است و نبود هرکدام از این ابعاد، زمینه‌ساز مشکلات بعدی خواهد بود.

مناسب‌ترین زمان ازدواج به‌ویژه برای دختران، سنی است که بتوان آن را «زمان درست و به‌هنگام» دانست. ازدواج در این سن، مزایایی همچون عمل به سنت نبوی ﷺ، تکمیل نیمی از دین، آرامش روحی و جسمی، ثبات فکری، سلامت جسم و روان، تمرکز بر اهداف دیگر زندگی و پیشگیری از لغزش در روابط نامشروع را به همراه دارد (ر.ک.، طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲/۴۵). در مقابل، ازدواج‌های نابهنگام - چه زود هنگام و چه دیرهنگام - آسیب‌های متعددی دارند. ازدواج زود هنگام می‌تواند موجب به خطر افتادن سلامت مادران نوجوان، فقدان بلوغ عقلی و اجتماعی، ناسازگاری زناشویی، ناکارآمدی در تربیت فرزندان، ضعف مهارت‌های شغلی و مشکلات ادامه تحصیل شود (ر.ک.، بستان، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، ازدواج دیرهنگام نیز پیامدهایی همچون افزایش اضطراب و فشارهای روانی، کاهش نشاط اجتماعی، بروز پرخاشگری ناشی از سرکوب غرایز، از دست دادن بهترین سال‌های باروری و کاهش شانس ازدواج مطلوب برای دختران را به دنبال دارد (احمدی، و همکاران، ۱۳۷۴). بنابراین، توجه به زمان مناسب ازدواج و پرهیز از افراط و تفریط در این زمینه، از ضرورت‌های مهم برای دستیابی به ازدواج سالم و پایدار است.

۴. ضرورت الگوسازی برای ترویج ازدواج به‌هنگام

در تربیت اسلامی، الگوسازی جایگاهی ویژه دارد. قرآن کریم تأکید می‌کند که بدون داشتن الگوهای عملی، افراد فقط با مفاهیم ذهنی مواجه خواهند بود و امکان تحقق آنها دشوار خواهد شد. از این رو، خداوند متعال در آیاتی مانند «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنة لمن کان یرجوا الله و الیوم الآخر...؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱) و «قد کانت لکم أسوة حسنة فی ابراهیم و الذین معه...؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت» (ممتحنه: ۴)، بر ضرورت الگوگیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیامبران تأکید کرده است. ظهور معیارهای قرآنی و اسلامی در سبک زندگی الگوهای واقعی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که تعالیم دینی قابلیت عملی شدن دارند و هر مسلمان می‌تواند با تأسی از آنان به کمال دست یابد. (ر.ک.، باقری، ۱۳۸۰) روشن است که هرچه الگوها برجسته‌تر و کامل‌تر باشند، امکان الگوگیری نیز ساده‌تر و مؤثرتر خواهد بود.

۵. ارائه الگوی ازدواج به‌هنگام بر مبنای سبک زندگی فاطمی

همان‌گونه که در مباحث پیشین بیان شد، مسائلی همچون نقش سبک زندگی خانوادگی در آینده فرزندان، زمان مناسب ازدواج دختران و ضرورت الگوسازی، در صورتی اثربخشی بیشتری خواهد داشت که بر پایه یک الگوی واقعی و عینی تبیین شود. در میان الگوهای شایسته برای بانوان مسلمان، بی‌تردید برترین الگو حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است؛ بانویی که در ابعاد مختلف زندگی، سرمشق زنان مسلمان قرار می‌گیرد. چنان‌که حضرت صاحب‌الامر صلی الله علیه و آله در نامه‌ای به شیعیان، حضرت زهرا علیها السلام را به صراحت الگوی خویش معرفی می‌کنند. (طوسی، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۲۸۶) از این رو، زنان مسلمان در مهم‌ترین مرحله زندگی خویش، یعنی ازدواج، نیز باید با تأسی به سیره فاطمی، راه و زمان درست ازدواج را بیابند. ازدواج حضرت زهرا علیها السلام با

امیرالمؤمنین علیه السلام، الگویی عینی از «ازدواج به هنگام» است که با معیارهای تربیت خانوادگی و آموزه‌های نبوی شکل گرفت.

۵-۱. انتخاب آگاهانه و از روی اختیار

یکی از مؤلفه‌های اصلی در ازدواج به هنگام، انتخاب آگاهانه و همراه با شناخت است. در این انتخاب، مشورت با افراد مورد اعتماد نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. حضرت زهرا علیها السلام از دوران کودکی با امام علی علیه السلام که در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله رشد یافته بود، آشنا بود و شناختی عمیق از فضایل اخلاقی، معرفتی و دینی ایشان داشت. (ر.ک.، اربلی، ۱۳۸۱ ه.ق، ۱/۳۶۴) این شناخت در برخورد متفاوت ایشان با خواستگاران آشکار می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نظر فاطمه علیها السلام را درباره خواستگاران جويا می‌شدند و برای رأی او ارزش قائل بودند (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ۲/۱۶۷). زمانی که نامی از خواستگاران به میان می‌آمد نشانه‌های کراهت در چهره حضرت زهرا علیها السلام عیان می‌شد، اما هنگامی که نام امام علی علیه السلام به میان آمد ایشان سکوت کردند و کراهتی در چهره ایشان مشاهده نشد (طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق، ص ۳۹-۴۰). از سوی دیگر، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز علاوه بر خویشاوندی، شناختی کامل از کمالات و ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام داشت و همین شناخت مبنای تمایل او به این ازدواج شد (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۸ ه.ق، ۱/۲۲۳؛ اربلی، ۱۳۸۱ ه.ق، ۱/۳۶۴).

۵-۲. کفویت و هم‌شان بودن طرفین

موضوع دیگری که باید آن را ناشی از همان انتخاب آگاهانه برای ازدواج قلمداد کرد و در ازدواج به هنگام دخیل دانست، یافتن فردی برای همسری است که هم‌شان و در اصطلاح دینی «کفو» طرف مقابل باشد. این کفویت و هم‌شان بودن باعث می‌شود ازدواج افراد درست‌تر و ماندگارتر و با درک متقابل بیشتری باشد و حتی در پرورش درست فرزندان در آینده نقش مهمی داشته باشد. (ر.ک.، داوودی و حسینی‌زاده، ۱۳۹۶) بنابراین، از عوامل مؤثر در ازدواج پایدار، هم‌شانی یا «کفو بودن» است. در آموزه‌های اسلامی، ایمان، اخلاق و پایبندی به دین از مهم‌ترین معیارهای کفویت

معرفی شده است (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۳۹/۵ - ۳۴۳؛ طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۹۴/۷). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر خواستگاری نزد شما آمد که دین و اخلاق او را پسندیدید، به او زن دهید، وگرنه فتنه‌ای بزرگ در زمین پدید خواهد آمد» (کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۴۷/۵).

ازدواج حضرت زهرا علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام دقیقاً بر پایه همین معیارها شکل گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام را به ویژگی‌هایی از علی علیه السلام مانند خویشاوندی، فضایل مختلف و اسلام ایشان توجه داد و علی علیه السلام را بهترین مخلوقات و محبوب‌ترین آن‌ها نزد پروردگار عالمیان معرفی کرد (طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق) و حضرت فاطمه علیها السلام نیز براین اساس به این ازدواج رضایت داد. روایات بسیاری نیز بر انحصار کفویت حضرت علی علیه السلام برای حضرت زهرا علیها السلام تأکید دارند (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۲۲۵/۱؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۱۸۱/۲).

۵-۳. سن مناسب ازدواج

ازدواج حضرت زهرا علیها السلام در دوران آغازین بلوغ جسمی و فکری صورت گرفت. بنابراین قول مشهور، ایشان در حدود ۹ سالگی با امام علی علیه السلام ازدواج کرد (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۳۴۰/۸؛ طبرسی، ۱۴۲۲ هـ.ق). تناسب سنی حضرت زهرا علیها السلام با امام علی علیه السلام به هنگام ازدواج نیز قابل توجه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این موضوع توجه ویژه داشت؛ چنانکه در پاسخ به خواستگاران حضرت زهرا علیها السلام، افزون بر اینکه ازدواج ایشان را امری الهی معرفی می‌کرد (ر.ک.، صدوق، ۱۳۷۸ هـ.ق، ۵۹/۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ هـ.ق؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۳۴۶/۳ - ۳۴۷)، گاهی سن کم فاطمه علیها السلام را به آنها یادآوری می‌نمود (ر.ک.، نسائی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۲۶۵/۳؛ حاکم نیشابوری، [بی‌تا]، ۱۶۷/۲ - ۱۶۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ هـ.ق، ۳۴۵/۳)؛ و این چنین به عدم تناسب سنی میان آنان با دخترشان اشاره می‌کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام که در آغاز هجرت به مدینه، حدود ۲۴ سال داشت (ر.ک.، کفعمی، ۱۴۰۵ هـ.ق) و در سن متعارف ازدواج قرار داشت، هیچ‌گاه با چنین جوابی از سوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله مواجه نشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دختر گرامی‌اش را به ازدواج وی درآورد (نسائی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۲۶۵/۳).

۴-۵. آسان‌گیری در هزینه‌های ازدواج

یکی از مهم‌ترین عوامل تأخیر در ازدواج امروزی، تجمل‌گرایی و سخت‌گیری در هزینه‌هاست. سیره ازدواج حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد که سادگی و پرهیز از تکلف، شرط اصلی برگزاری یک ازدواج موفق است. مهریه ایشان، زرهی بود متعلق به حضرت علی علیه السلام به ارزش حدود ۵۰۰ درهم (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ ه.ق، ۳۷۶/۵) که بهای اندک آن سبب اعتراض برخی اصحاب شده بود (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۱۰۴/۴۳-۱۱۲). بخش عمده‌ای از جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام نیز از فروش آن زره تهیه شد که شامل وسایلی ساده و ضروری بود (ر.ک.، طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ۹۴/۴۳).

در مراسم اطعام و ولیمه ازدواج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بخشی از هزینه را خود پرداخت و بخشی را بر عهده حضرت علی علیه السلام گذاشت (طوسی، ۱۴۱۴ ه.ق) و بدین ترتیب یاری‌گر امیرالمؤمنین علیه السلام در امر ازدواج شد. این مراسم با برکت الهی همراه شد و با وجود تعداد زیادی میهمان، هیچ کمبودی در پذیرایی از آنها پدید نیامد (اربلی، ۱۳۸۱ ه.ق، ۳۶۱/۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ ه.ق، ۲۹۰/۶).

۵-۵. بی‌اعتنایی به دنیا و توجه به آخرت

از اصول قابل مشاهده در سیره فاطمی علیها السلام که در جریان ازدواج ایشان نیز برجسته است، دوری آن حضرت از دنیا و دنیاگرایی و در مقابل، گرایش ایشان به آخرت‌محوری و امور معنوی است. فاطمه علیها السلام در برخی ادعیه خویش، دنیا را محل گذر و آخرت را مقصد اصلی و محل حقیقی رحمت الهی دانسته و از خداوند می‌خواهد که نعمت‌های معنوی که هرگز از بین نمی‌رود را به او عطا فرماید. (ر.ک.، ابن طاووس، ۱۴۰۶ ه.ق) از همین روست که این بانوی بزرگ، در نخستین شب ازدواج نیز نگاهی معنوی به این امر دارد؛ بدین سان که در این شب از مرگ و معاد یاد نمود و آن را زمان مناسبی برای عبادت پروردگار برشمرد و از امیرمؤمنان علیه السلام درخواست نمود که هر دو برخاسته، در کنار یکدیگر نماز بخوانند (شوشتری، ۱۴۰۹ ه.ق، ۴۸۱/۴).

اگر فرزندان از آغاز زندگی در خانواده، همانند حضرت زهرا علیها السلام به امور معنوی و ناظر به معاد بهای بیشتری دهند و خود را از پیرایه‌های دنیوی زدوده و به حداقل‌های مورد نیاز در زندگی

قناعت کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱)، ثمره آن را می‌توان در ازدواج به‌هنگام آنها و مانع‌نتراشیدن برای ورود به زندگی مشترک، آشکارا مشاهده کرد.

۶. نتیجه‌گیری

سبک تربیتی درست یا نادرست خانواده و رساندن آگاهی‌های متناسب دینی، فرهنگی و اجتماعی در آینده فرزندان، به‌ویژه در امر ازدواج آنها، نقش بسیار مهمی داشته و یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در سن ازدواج دختران است. با اصلاح تربیت فرزندان و اندیشه آنان درباره اصل ازدواج و زمان مناسب برای تشکیل زندگی مشترک، می‌توان از بالا رفتن سن ازدواج دختران کاست و تأثیر مثبتی بر زندگی آینده آنها گذاشت. این مهم می‌تواند با الگوسازی درست برای ایشان شکل بسیار بهتر و درست‌تری به خود بگیرد. بهترین نمونه برای الگوگیری دختران مسلمان در امر ازدواج، حضرت فاطمه علیها السلام است که حتی برخی معصومان هم به ابعاد مختلف سیره و رفتار ایشان استناد جسته‌اند. عنایت به رفتار خانواده آن حضرت، اعم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و خود حضرت فاطمه علیها السلام نشان می‌دهد که می‌توان از خلال آن، اموری مانند انتخاب آگاهانه و مختارانه همسر، کفویت و هم‌شان بودن طرفین ازدواج، ازدواج در سن مناسب، آسان‌گیری در هزینه‌های پیرامونی ازدواج و دوری از دنیاگرایی و توجه به آخرت را به‌عنوان الگویی قرار داد و به واسطه آنها سن ازدواج دختران را کاهش داده و در به این سنت نبوی صلی الله علیه و آله زمان مناسب جامه عمل پوشانید.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ هـ.ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. قم: علامه.
- ۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۶ هـ.ق). فلاح السائل و نجاح المسائل. قم: بوستان کتاب.
- ۳. احمدی، علی اصغر، و همکاران (۱۳۷۴). آموزش جوانان در آستانه ازدواج. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۴. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ هـ.ق). کشف الغمه فی معرفه الأئمه علیهم السلام. تبریز: بنی هاشمی.
- ۵. امینی، ابراهیم (۱۳۸۶). تربیت. قم: بوستان کتاب.
- ۶. باقری، خسرو (۱۳۸۰). آسیب و سلامت در تربیت دینی؛ کتاب ششم «تربیت اسلامی». تهران: نشر تربیت اسلامی.
- ۷. بستان، حسین (۱۳۸۵). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۸. بستان، حسین (۱۳۹۶). خانواده در اسلام. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. محقق: یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ه.ق). وسائل الشیعه. محقق: ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. داوودی، محمد، و حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۶). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت . قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۲. رجبی، عباس (۱۳۸۶). سن ازدواج، عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن. نشریه معرفت، ۱۱(۱)، ۱۴۳-۱۵۴.
۱۳. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۸). روان شناسی رشد. تهران: اطلاعات.
۱۴. شوشتری، نورالله (۱۴۰۹ ه.ق). احقاق الحق و ازهاق الباطل. مقدمه و تعلیق: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۵. صادقی رشتی، مرضیه (۱۳۹۲). ازدواج. دانشنامه فاطمی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۸ ه.ق). عیون أخبار الرضا . محقق: لاجوردی، مهدی. تهران: جهان.
۱۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ ه.ق). من لایحضره الفقیه. محقق: غفاری، علی اکبر. قم: نشر اسلامی.
۱۸. طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۶). ازدواج فاطمه . دانشنامه فاطمی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: نشر اسلامی.
۲۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۱۵ ه.ق). المعجم الأوسط. محقق: طارق بن عوض الله و عبدالمحسن الحسینی، قاهره: دار الحرمین.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۲ ه.ق). تاج الموالید. بیروت: دار القاری.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۴ ه.ق). دلائل الإمامه. قم: مؤسسه البعثة الاعلمی.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). تهذیب الأحکام. محقق: خراسان، حسن. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ ه.ق). الغیبه. قم: دار المعارف الإسلامیه.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). الأمالی. قم: دار الثقافه.
۲۶. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ ه.ق). المصباح (جنه الأمان الواقیه). قم: دار الرضی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۸. گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). جنگ علیه خانواده. مترجم: محمدی، معصومه. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). جامعه شناسی. مترجم: صبوری، منوچهر. تهران: نشر نی.
۳۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. محقق: بهبودی، محمد باقر. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۱). جامی از زلال کوثر. محقق: حیدری، محمد باقر. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .
۳۲. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ ه.ق). السنن الکبری. محقق: بنداری، سلیمان، و سید کسروی، حسن. بیروت: دارالکتب العلمیه.

بررسی روان‌شناختی سبک‌های تربیتی براساس متون اسلامی و روان‌شناسی

رضیه حسینی^۱، گوهرسادات حسینی^۲

چکیده

از وظایف والدین، تربیت فرزندان صالح و هم‌تراز با ارزش‌های اخلاقی و اسلامی است که اقتضای آن برخورداری از دانش و مهارت‌های لازم در فرزندپروری و آگاهی از سبک‌های آن است؛ زیرا چگونگی ارتباط والد-فرزند زمینه‌ساز و عامل شکل‌گیری رفتار و منش صحیح در فرزندان است. با توجه به اهمیت برگزیدن سبک فرزندپروری مناسب در تربیت صحیح فرزندان، مقاله حاضر به بررسی تطبیقی سبک‌های مختلف فرزندپروری در اسلام و روان‌شناسی پرداخته است تا با تبیین آنها، بهترین روش را معرفی نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان روش‌های تربیتی در روان‌شناسی، سبک فرزندپروری مقتدرانه نزدیک‌ترین شیوه به روش تربیتی مسئولانه در اسلام است. اندیشمندان اسلامی با الهام‌گیری از کلام خداوند متعال، دستورالعمل‌هایی در این زمینه ارائه داده‌اند. در منابع مختلف روان‌شناسی، با توجه به نظریه بامریند، چهار سبک فرزندپروری مستبدانه، سهل‌گیر، غفلت‌زده و مقتدرانه مطرح شده است که برای هر یک پیامدهایی ذکر شده و سبک مقتدرانه به عنوان بهترین روش ارتباطی والد-فرزند معرفی شده است؛ این سبک با دقت و بررسی مبانی اسلامی، در عین اختلافاتی که وجود دارد، نزدیک‌ترین روش به روش تربیتی پذیرفته‌شده در اسلام است.

واژگان کلیدی: آثار روان‌شناختی، سبک سهل‌گیر، سبک سخت‌گیر، سبک

غفلت‌زده، سبک مقتدرانه، سبک مسئولانه.

۱. دانش پژوه کارشناسی علوم تربیتی، از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: hussaini0902@gmail.com

۲. دبیر تربیتی گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: gshossen20@gmail.com

۱. مقدمه

تربیت نیکوی فرزندان، یکی از مهم‌ترین وظایفی است که خداوند متعال بر عهده والدین قرار داده است. سبک‌های فرزندپروری، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری، شیوه‌ها، انتظارات و نگرش‌هایی است که والدین معمولاً هنگام تعامل و در تربیت فرزندان خود از آنها استفاده می‌کنند. الگوی رفتاری والدین در قبال فرزندان با یکدیگر متفاوت است؛ برخی سختگیر و برخی سهل‌گیرند، برخی هوشیار و مقتدرند و گاهی بعضی از آنها به کار خود مشغول‌اند و از فرزندان خود غافلند (جاگو، ۲۰۱۱). براین اساس دیانا بامریند چهار سبک اصلی مطرح نموده است: سبک مستبدانه، سبک سهل‌گیر، سبک غفلت‌زده و سبک مقتدرانه.

سبک مستبدانه: با کنترل زیاد والدین و پذیرش کم آنها مشخص می‌شود. این والدین بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند. (دهارت^۱، ۲۰۰۶)

سبک سهل‌گیر: با کنترل کم والدین و پذیرش زیاد آنها مشخص می‌شود. سبک فرزندپروری آسان‌گیر مؤلفه بی‌توجهی دارد و این بعد خواسته‌های کم همراه با محدودیت‌های بسیار کم برای فرزندان را شامل می‌شود. (لامبورن^۲، ۱۹۹۱)

سبک غفلت‌زده: والدین در این سبک بر رفتار و عملکرد فرزندان نظارت نمی‌کنند و به خواسته‌ها و انتظارات آنها توجه ندارند. در چنین خانواده‌هایی مهر و محبت چندان جایگاهی ندارد و والدین تنها نیازهای اولیه فرزندان را تأمین می‌کنند.

سبک مقتدرانه: در این روش فرزندپروری، پذیرش و روابط نزدیک، روش کنترل سازگاران، حمایت و انتظارات منطقی و استقلال‌دهی مناسب وجود دارد. در این‌گونه خانواده‌ها، روابط والدین

1. Dehart

2. Lamborn

صمیمی است و هر فردی در جایگاه خود قرار دارد. روابط کلامی گسترده‌ای در این خانواده‌ها وجود دارد و اظهار نظر برای همه اعضا مجاز است. (احمدپناهی، ۱۴۰۲) با توجه به پیامدهای روان‌شناختی هر سبک تربیتی، روش مقتدرانه، بهترین سبک فرزندپروری مطرح شده است که با روش تربیتی مسؤولانه در اسلام نزدیک است، با این تفاوت که روش تربیتی مسؤولانه بر محور توحید و ولایت مداری استوار است و فرزندان را امانت الهی می‌داند (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۶/۷). این روش والدین را مسؤول تربیت و خداوند متعال را ناظر بر تربیت معرفی می‌کند.

با توجه به متون اسلامی، فرزندپروری فعالیت پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری فرزند در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارند. از دیدگاه اسلامی، مسؤولیت فرزندپروری در اصل به عهده والدین است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به‌شمار آمده است. امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «حق ولدک آنک مسؤول عما ولیته [به] من حسن الأدب والدلالة علیربه و المعونة علی طاعته فیک و فی نفسه؛ حق فرزند تو این است که در سرپرستی وی مسؤولیت داری، ادب او را نیکو کرده، به سوی پروردگارش رهنمون سازی و در فرمانبرداری از او نسبت به وظایف تو و خودش، یاری‌اش دهی» (حرانی، ۱۴۰۰). همچنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله این مسؤولیت‌پذیری از ناحیه پدر و مادر را حق فرزند بر والدین دانسته و بر لزوم پذیرش مسؤولیت آموزش و پرورش فرزند تأکید فرمودند (ر.ک.، نوری، ۱۴۰۸). با توجه به اهمیتی که اسلام به تربیت فرزند و شیوه‌های فرزندپروری دارد، این مقاله به بررسی سبک فرزندپروری مقتدرانه با توجه به متون اسلامی و روان‌شناسی می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

سبک‌های فرزندپروری: سبک در لغت به معنای تکنیک، روش، طراحی، طریقه انجام چیزی و شیوه عرضه آمده است. (دهخدا، بی‌تا) برای سبک فرزندپروری تعاریف گوناگونی مطرح شده است؛ برخی آن را مجموعه‌ای از نگرش‌ها نسبت به کودک تعریف کرده‌اند که منجر به ایجاد جو هیجانی

می‌شود که رفتارهای والدین در آن جو بروز می‌کند. این رفتارها هم دربرگیرنده رفتارهای مشخص است که از طریق آنها پدر و مادر به وظایفشان عمل می‌کنند و هم رفتارهای غیر مرتبط با هدف والدین مانند قیافه، تغییر در تن صدا یا بیان هیجان‌های غیرارادی را در بر می‌گیرد (دارلینگ و استنبرگ،^۱ ۱۹۹۳). این تعریف سبک فرزندپروری با تعدادی از تحقیقات اولیه‌ای که در دهه‌های سوم و چهارم قرن بیستم در مورد اجتماعی کردن صورت گرفته، همخوانی دارد. در واقع، فرزندپروری فعالیتی پیچیده و دربرگیرنده رفتارهای خاصی است که یا به‌طور مجزا یا با هم، رفتارهای کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ هرچند که رفتارهای فرزندپروری خاص نسبت به الگوهای وسیع فرزندپروری در پیشگویی بهزیستی کودک اهمیت کمتری دارند (دارلینگ و استنبرگ،^۲ ۱۹۹۳).

روش‌هایی که پدر و مادر در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند، در رشد و تکامل آنها در دوران کودکی و خصایص بعدی شخصیت تأثیر فراوان و عمیقی خواهد داشت (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶). شیوه‌های فرزندپروری با توجه به دو بعد واپایش و کنترل و مهرورزی و میزان روابط صمیمی به چهار شیوه مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه و مسامحه‌کارانه دسته‌بندی می‌شوند (احمدپناهی، ۱۴۰۲).

۳. نگرش‌های فرزندپروری در متون اسلامی و روان‌شناسی

یکی از اساسی‌ترین منابع رفتار انسانی از منظر دین اسلام، برقراری اعتدال در برنامه‌های زندگی است که این اصل در تمامی زمینه‌ها، از جمله برنامه‌های فرزندپروری، کاربرد دارد. براساس این، افراط و تفریط در محبت، توجه، سخت‌گیری و نظیر آن رفتارهای نامطلوب به‌شمار می‌آید. رابطه پدر و مادر با فرزند در درجه اول از نگرش آنها نسبت به فرزند تأثیر می‌پذیرد. منظور از نگرش‌های

1. Darling, N., & Steinberg, L.

2. Darling, N., & Steinberg, L.

پدر و مادر، اندیشه‌ها، احساسات و آمادگی آنها برای عمل در مورد تربیت فرزندانشان است. اسلام نگرش‌های آنان را در مسیر صحیح قرار می‌دهد و به آنان می‌باوراند که فرزندان دارای حقوق هستند و انسان دارای مقام خلیفه الهی و مستعد اتصاف به همه کمالات است (ر.ک.، انسان: ۲) که رسیدن به آنها در گروه تربیت صحیح است. تربیت صحیح در سایه نگرش مثبت به فرزندان صورت می‌گیرد.

والدین باید نگرشی مثبت نسبت به فرزندان خود داشته باشند و تربیت آنها را در مسیر مظهریت صفات الهی قرار دهند. در نگرش اسلامی، فرزندان به مثابه نعمت الهی نزد پدر و مادر، امانت هستند (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۶/۷) و جزئی از وجود پدر و مادر معرفی شده‌اند. در قرآن کریم و احادیث بر سبک فرزندپروری به طور ویژه تأکید شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید: «روش مناسب، روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند و ویژگی‌های روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد، زندگی را شایسته تدبیر نماید و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد» (حرعاملی، ۱۳۹۸، ۱۱۵/۵). در روایات و سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نگرش مثبتی نسبت به فرزند وجود دارد. پدر و مادری که معتقدند نقش والدینی، مسئولیت الهی و مقدس است، در ایجاد ارتباط و حفظ آن به شکل مطلوب و مؤثر کوشا هستند. در آموزه‌های اسلامی بر مسئولیت پدر و مادر در برابر فرزندان و تقدس و ارزش معنوی آنها بسیار تأکید شده است. (پرچم.، و همکاران، ۱۳۹۱) از دیدگاه اسلام، پدر و مادر خود را مسئول تربیت فرزندان می‌دانند (حرانی، ۱۴۰۴).

شیوه فرزندپروری مسئولانه، مناسب‌ترین روش برای تربیت فرزند در دوران کودکی است. این شیوه با تقاضا و پاسخ‌دهی متناسب در دو بعد واپایش و محبت متعادل و به دور از افراط و تفریط است. در این شیوه، پدر و مادر می‌کوشند تا فطرت فضیلت خواهانه فرزندان شکوفا شود. والدین، فرزندان را مخلوق‌های دارای کرامت دانسته و با محبت و مهربانی با آنان رفتار می‌کنند (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۴/۹۲) و عزت و احترام به آنان را وظیفه خود می‌دانند (ر.ک.، نوری، ۱۴۰۸، ۲/۶۲۵). در این روش، رابطه عاطفی بین پدر و مادر و فرزندان بر محور تعادل است (ر.ک.،

مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰۴/۹۲) و متناسب با اهداف عالی تربیتی است. پدر و مادر نسبت به فرزندان مهربان‌اند و انتظارات بیش از حد توان از آنها ندارند (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۱۴/۲۴). در این روش، والدین اهداف و انتظارات روشنی را برای فرزندان ترسیم می‌کنند، نسبت به سرنوشت فرزندان حساس‌اند و آنها را به حال خود رها نمی‌کنند، بلکه الگوی مناسبی برای آنها می‌باشند. در این شیوه، رفتارهای غیراخلاقی کمتری مشاهده می‌شود و حتی اگر از پدر و مادر ناراحت شوند، واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۳/۱۷۸).

سه نگرش تربیتی والدین نسبت به فرزندان عبارتند از:

نگرش سلطه‌گری: والدینی که دارای این نوع نگرش هستند، معتقدند ضرورتی ندارد برای دستورهایی که به کودک می‌دهند، دلیل یا توجیهی بیاورند. آنها معتقدند باید برای فرزندان نشان محدودیت‌هایی در نظر بگیرند.

نگرش تملکی: والدینی که معتقدند با حمایت‌های افراطی فرزندان خود را تحت کنترل خود درآورند. این‌گونه والدین دوست دارند آنچه دارند، وقف فرزندان نشان کنند، ولی کودکانشان همیشه به آنها وابسته باقی بمانند. ویژگی برجسته این والدین آن است که دوست دارند قطع وابستگی عاطفی کودکانشان به آنها هرچه بیشتر به تأخیر افتد و فرزندانشان همیشه در مرحله طفولیت باقی بمانند.

نگرش بی‌اعتنایی: این نگرش باعث می‌شود والدین معتقد شوند نباید روی رفتار فرزندان نشان کنترل داشته باشند و هم‌چنین نباید برای تغییر رفتار کودکان از پاداش یا تنبیه استفاده کنند. آنها از فرزندان خود انتظار ندارند که عاقلانه فکر کنند و نسبت به فرزندان خود هیچ‌گونه محبت یا صمیمیتی نشان نمی‌دهند. چنین والدینی، کودکانشان را به حال خود رها می‌کنند بدون اینکه به آنها سرمشقی از الگوی بزرگسال نشان دهند. (ملک ملکان، به نقل از احمدی، ۱۳۸۸)

۴. سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام

سبک‌های فرزندپروری به چهار دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از: سبک مقتدرانه، سبک آسان‌گیرانه، سبک مستبدانه و سبک غفلت‌زده. در ادامه به بررسی هر یک از این شیوه‌ها پرداخته و دیدگاه اسلام نیز بیان می‌گردد.

۴-۱. سبک مستبدانه

در این سبک، پدر و مادر قوانین خود را به صورت انعطاف‌ناپذیر بر فرزندان تحمیل می‌کنند، از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند و محبت آنها نسبت به کودکان در سطح پایین است. آنها عقاید و امیال کودکان را در نظر نمی‌گیرند و اغلب دارای فرزندان گوشه‌گیر، خجالتی و بی‌اعتماد هستند. (ماسن، و همکاران، ۱۳۹۵) در خانواده‌هایی که روش والدگری مستبدانه است، محور روابط براساس قدرت، خشونت، منش خودمحوری و پرهیز از مشورت با اعضای خانواده است. به‌کارگیری این سبک در تربیت فرزندان، فضای زندگی را مسموم می‌کند.

۴-۱-۱. دیدگاه اسلام درباره سبک مستبدانه

پیشوایان اسلام، الگوی رفتاری همراه با اعمال قدرت را نادرست دانسته‌اند. از دیدگاه دین اسلام، انسان آزادی و اختیار دارد و اجبار، اکراه و تحمیل، در تضاد با این ویژگی انسان و محروم کردن فرد از این موهبت الهی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لا تستبد برأیک فمن استبد برأیه هلك؛ در رأی خود استبداد نداشته باش که هر کس استبداد داشته باشد، هلاک می‌شود» (خوانساری، ۱۳۷۳). پدر و مادر مستبد با این روش تربیتی، باعث کاهش کرامت و عزت نفس در فرزندان خویش می‌شوند؛ این موضوع بر خلاف روش تربیتی اسلام است؛ چراکه محور روش تربیتی اسلام، بر پایه حفظ کرامت و عزت نفس فرزندان است. هم‌چنان‌که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «فرزند انسان به حکم این که انسان و دارای شعور و اندیشه است، باید از طریق پند و اندرز و ادب شایسته تربیت شود، نه از طریق زورگویی و تنبیه بدنی» (دشتی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱).

بهترین نوع رابطه والد-فرزندی، رابطه‌ای است که براساس محبت باشد. در سایه محبت است که فرزندان به پدر و مادر خود اعتماد و به سوی آنها گرایش پیدا می‌کنند. (حرعاملی،

۱۳۶۷، ۵۱/۸) ابراز محبت به فرزندان، سمت و جهت می‌دهد و حاصل آن توجه عمیق فرزندان نسبت به والدین است. هنگامی که این توجه به دست آمد، می‌توان با ابراز محبت، فرد را به برخی کارهای صالح و با منع محبت، او را به ترک رفتار برانگیخت؛ زیرا یکی از ویژگی‌های محبت این است که میان محبت و اطاعت رابطه معین وجود دارد. با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پدید می‌آید و محب به محبوب تأسی می‌کند. انسان به هرچه علاقه‌مند باشد، بدو متمایل می‌شود و سعی در همسانی دارد (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۷۷/۵).

از دیدگاه اسلام، محبت یکی از اصول تربیتی کودکان است که مورد تأکید فراوان قرار گرفته و از محبت نکردن به شدت نکوهش شده است. بنابراین، در محبت، صلابت و دقت در تربیت فرزند نیز مورد توجه قرار گرفته است. براین اساس، کودک در عین اینکه محبت می‌بیند، رها نیست تا هر کاری که خواست، انجام دهد. از سوی دیگر، در عین تربیت شدن، مورد محبت و مدارا نیز قرار می‌گیرد. به همین دلیل از افراط در ملامت‌ها و خشونت که از شاخصه‌های الگوی سخت‌گیری بدون محبت است، نهی شده است. الگوی تربیتی اسلام بعد سومی به نام «تکریم» دارد که به معنای احترام گذاشتن به کودک و ارزش قایل شدن اوست. از دیدگاه اسلام، کودک به خاطر کودک بودن نباید تحقیر شود و احساس بی‌ارزشی یا کم‌ارزشی کند. اگرچه کودک بیشتر محتاج محبت است و بزرگسال محتاج احترام، ولی این بدان معنا نیست که شخصیت کودک نباید محترم شمرده شود؛ همان‌گونه که مهر و عطوفت نسبت به بزرگسال نباید فراموش گردد. (ری شهری، ۱۳۸۶)

پدر و مادر نباید زودتر از موعد از فرزند خود انتظار رفتار منطقی داشته باشند یا درباره همه کارها با او منطقی و خشک سخن بگویند، بلکه باید موقعیت او را درک و متناسب با آن رفتار کنند تا در خانه احساس امنیت و آرامش نماید و پدر و مادر را نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین اشخاص به خود بداند. در این شیوه تربیتی، فرزندان دارای امنیت کافی هستند و ابراز آنچه در درون دارند و بروز استعداد و خلاقیت‌های خود، احساس نگرانی نمی‌کنند؛ زیرا احساس ترس و ناامنی در کودک، جرئت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می‌کند. (خوانساری، ۱۳۷۳، ۴۴۹/۴) فرزندان در

شیوه تربیتی مستبدانه با محدودیت‌های شدید در محیط خانواده روبه‌رو هستند و حق اظهار نظر ندارند (شریعت‌مداری، ۱۳۷۸). پدر و مادر در شیوه تربیتی اسلام، فرزندان را مخلوقاتی دارای کرامت می‌دانند؛ چنانکه در سوره اسراء آیه ۷۰ آمده است: «ولقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشته، آنان را در خشکی و دریا بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی داده، آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار بخشیدیم».

در شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر عزت و احترام به فرزندان را وظیفه خویش تلقی می‌کنند و به روش‌های مختلف به تکریم شخصیت فرزندان می‌پردازند؛ زیرا خود را مسئول می‌دانند. اگر نیاز طبیعی انسان به کرامت نفس تأمین نشود و فرد مورد تحقیر قرار بگیرد و خود را ناتوان ببیند، به هر کاری تن می‌دهد و فرد دچار عقده حقارت شده و برای عقده‌گشایی ممکن است در صدر انتقام‌جویی برآید. (خوانساری، ۱۳۷۳، ۷۲/۲) در این شیوه، معمولاً هیچ امری به اندازه نظم و انضباط برای والدین ارزش ندارد؛ به گونه‌ای که گاهی برای اعمال نظم و انضباط از شدیدترین تنبیه استفاده می‌کنند و کمتر از تشویق بهره می‌گیرند. درحالی‌که در شیوه تربیتی اسلام، از تربیت هنگام خشم نهی شده است (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۲۰۶/۷). در این شیوه، پدر و مادر با ارتباط کلامی مطلوب و استفاده از کلمات و جملات درست، رابطه خوبی بین خود و فرزندان برقرار می‌کنند؛ زیرا موفقیت در امر تربیت فرزند را در سایه ارتباط کلامی خوب می‌دانند. در شیوه مزبور، استفاده از کلمات زشت و سبک نهی شده است؛ زیرا تأثیرات روانی و تربیتی بسیار بدی بر فرزندان خواهد داشت (خوانساری، ۱۳۷۳، ۳۰۶/۵).

در روش مستبدانه (سختگیرانه)، پاسخ‌دهی والدین به نیاز کودکان در حداقل میزان قرار دارد و قوانین خانه براساس خواسته‌های پدر و مادر تنظیم می‌شود. آنها فرزندان خود را با شدت عمل (تنبیه، سرزنش، توبیخ، امر و نهی و...) وادار به اطاعت و احترام می‌کنند، برای فرزندان محدودیت و کنترل شدید وضع می‌کنند و تبادل کلامی ناچیزی دارند. این والدین در زندگی فرزندان دخالت می‌کنند و میل به کنترل‌گری دارند و معتقدند که فرزندانشان باید بدون هیچ

توجهی، مطیع والدین باشند. در این روش، کودکان دائم باید بگویند: «چشم»؛ و حریمی آغشته از «ترس و احترام»، فاصله والدین و فرزندان را دربر می‌گیرد.

۴-۱-۲. پیامدهای روان‌شناختی سبک مستبدانه (سختگیرانه)

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فرزندان والدین مستبد، معمولاً از نظر اجتماعی رفتارهای نامطلوبی بروز می‌دهند و در تعامل با دیگران از مهارت‌های اجتماعی کافی برخوردار نیستند. این کودکان در بیشتر مواقع مضطرب، گوشه‌گیر و فاقد حس استقلال‌اند و در مقایسه اجتماعی، احساس ناکافی بودن و اضطراب شدیدی را تجربه می‌کنند (بامریند، ۱۹۹۱؛ لامبورن، و همکاران، ۱۹۹۱).

همچنین، کودکان پرورش‌یافته در خانواده‌های مستبدانه تمایل دارند در شروع فعالیت‌های جدید احساس شکست کنند و از اعتماد به نفس پایین‌تری برخوردارند. کنترل بیش از اندازه والدین سبب می‌شود این کودکان کمتر فرصت تصمیم‌گیری مستقل داشته باشند و در نتیجه در بزرگسالی نیز در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا، آسیب‌پذیرتر باشند (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳).

از نظر هیجانی، چنین کودکانی ممکن است تحریک‌پذیر، دمدمی مزاج یا حتی متخاصم و پرخاشگر باشند، زیرا کنترل رفتاری بیرونی از سوی والدین، مانع رشد خودتنظیمی درونی آنان می‌شود (احمدی، و همکاران، ۲۰۰۸).

مطالعات انجام‌شده در ایران نیز یافته‌های مشابهی را گزارش کرده‌اند؛ به طوری که کودکان والدین مستبد اغلب مطیع اما فاقد خلاقیت، اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی هستند و در مواجهه با همسالان، اضطراب اجتماعی بیشتری را نشان می‌دهند (شریعتمداری، ۱۳۸۳؛ براهنی، ۱۳۸۵).

در مجموع می‌توان گفت، سبک مستبدانه با پیامدهایی چون عزت نفس پایین، ضعف روابط اجتماعی، اضطراب بالا، پرخاشگری و وابستگی بیش از حد همراه است و تأثیر منفی قابل توجهی بر رشد عاطفی و اجتماعی کودکان دارد (بامریند، ۱۹۷۱؛ لامبورن، ۱۹۹۱).

۴-۲. سبک آسان‌گیرانه (سهل‌گیرانه)

در این سبک فرزندپروری، به تمایلات و خواسته‌های فرزندان بیش از حد اهمیت داده می‌شود؛ به گونه‌ای که فرزندان مجازند به خواسته‌های خود، هرطورکه می‌خواهند، دست یابند و آرزوهای خود را برآورده کنند. در اینجا به اصطلاح آزادی مطلق حکم فرماست. شعار طرفداران این سبک چنین است: «کسی با کسی کاری نداشته باشد، بگذار هر چه می‌خواهد انجام دهد». منظور از آزادی، همان‌طور که مصطلح است، این است که هر کس بتواند هر کاری را که میل دارد انجام دهد و دیگران حق دخالت در کار او را نداشته باشند. کسی یا چیزی نباید مانع فرزندان شود و در کارشان دخالت کند. به بیان دیگر، والدینی که طرفدار چنین شیوه‌ای هستند، معتقدند تمایلات فرزندان، حاکم بر رفتار آن‌هاست. (دادستان، ۱۳۹۲) پدر و مادر آسان‌گیر بر فرزندان خود نظارت نمی‌کنند و از آنها توقعی ندارند. آنها در امور خانه نظم و ترتیب ندارند و در تنبیه یا پاداش دادن به فرزندان، چندان جدی نیستند و از فرزندان خود انتظار رفتار عاقلانه ندارند و به آنها آموزش استقلال و خوداتکایی نمی‌دهند. در روش تربیتی آسان‌گیرانه، تقاضا کم و پاسخ‌دهی زیاد است و به فرزندان آزادی بیش از حد داده شده و هدف‌گذاری مناسب برای آنها انجام نمی‌شود. این خانواده‌ها به طور بی‌قید و شرط نیازهای کودکان را برآورده می‌کنند و الگوی تربیتی آنها تنها بر محبت و دوست داشتن است (شریعت‌مداری، ۱۳۷۸).

۴-۲-۱. فرزندپروری آسان‌گیرانه از دیدگاه اسلام

بر خلاف روش تربیتی اسلام، پدر و مادر آسان‌گیر نسبت به تربیت و نظارت بر فرزندان بی‌توجه هستند؛ درحالی‌که در شیوه اسلامی، پدر و مادر فرزندان را جزئی از وجود خود می‌دانند و در برابر آنها احساس مسئولیت می‌کنند. براساس شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر باید برای آموزش و تربیت فرزندان، بهترین شیوه‌ها را به کار گیرند و این امر به عنوان حق اساسی و مسلم فرزندان شمرده می‌شود. (ر.ک.، مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۶/۷۸)

اسلام همواره انسان را به میانه‌روی و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط دعوت می‌کند. بنابراین، سبک آسان‌گیرانه نیز از نظر اسلام مردود است. یکی از اساسی‌ترین مبانی رفتار انسانی از دیدگاه

اسلام، وجود میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در تمام زمینه‌ها، به ویژه در روابط خانوادگی است. در سبک تربیتی اسلامی، محبت به فرزندان به اندازه کافی و محور تعادل است و از زیاده‌روی در محبت نهی شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که فرزندان خود را به افراط می‌کشند» (یعقوبی، ۱۳۵۸، ۲/۳۲۰). در شیوه تربیتی اسلامی، پدر و مادر از ارزش و جایگاه والایی برخوردارند و فرزندان حتی اگر از پدر و مادر ناراحت شوند، به آنها واکنش نامناسب نشان نمی‌دهند. در قرآن کریم، سپاس و احسان به پدر و مادر به عنوان حقی بزرگ، در کنار حق خداوند متعال مطرح شده است (ر.ک.، اسراء: ۲۲). در روایات اسلامی نیز حق پدر و مادر، بزرگ‌ترین حق بین حقوق اجتماعی قلمداد شده است (ر.ک.، حرانی، ۱۴۰۴).

براساس شیوه تربیتی اسلام، پدر و مادر نباید آن‌چنان آسان‌گیر و اهل تسامح باشند که فرزندان بتوانند هر کاری بخواهند انجام دهند و بدون هیچ نظارت و مراقبتی سرکشی کنند. والدین موظف‌اند فرزندان را از سقوط و انحراف از مسیر مستقیم الهی حفظ کنند و در تربیت آنها تلاش کنند، چرا که فرزندان امانت الهی در دست والدین هستند. (یعقوبی، ۱۳۵۸، ۳/۵۳) در سبک آسان‌گیر، والدین به سبب محبت بیش از حد به کودک جایگاه خود را از دست می‌دهند و به خاطر اعتماد به نفس پایین، محدودیت و ممنوعیت کمی اعمال می‌کنند. آنها بیش از حد پاسخ‌گو هستند و اغلب اجازه می‌دهند فرزندانشان هر کاری می‌خواهند انجام دهند. این والدین معتقدند حمایت و تأمین نیازهای کودک و نداشتن محدودیت، باعث می‌شود کودک خلاق و با اعتماد به نفس شود؛ درحالی‌که تحقیقات نشان داده است فرزندان در این روش، عزت نفس پایین دارند، زورگو و خودمحور هستند و رفتارهای بزهکارانه و لذت‌گرایانه از خود نشان می‌دهند (سانتراک، ۱۳۹۲).

۴-۲-۲. پیامدهای روان‌شناختی سبک سهل‌گیرانه

فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر ناپخته‌اند و رفتارهای نسجیده و خطاپذیری دارند. سطح خویشتن‌داری، کاوشگری و خلاقیت در آنها بسیار پایین است که دلیل آن رفاه افراطی، انتظارات حداقلی و واگذار نکردن مسئولیت به آنهاست (پاپالیا، ۱۳۹۱، ص ۳۲۸). حاصل تربیت این

خانواده‌ها، افرادی ناسازگار هستند که قابلیت اجتماعی کمی دارند. فرزندان این خانواده‌ها، احترام به دیگران را نیاموخته‌اند و بسیار خودرأی و لجباز هستند (علی شریعتمداری، ۱۳۷۷، ۲۱۵/۱۵).

۴-۳. سبک غفلت‌زده (مسامحه‌کارانه)

در این سبک، تقاضا و پاسخ‌دهی به میزان کم وجود دارد؛ یعنی روابط عاطفی والد-فرزندی و نظارت بر فرزندان بسیار کم است. در این شیوه، پدر و مادر در زندگی فرزندان خود اصلاً درگیر نیستند و راهنمایی به آنها ارائه نمی‌دهند. پدر و مادر بی‌کفایت و مسامحه‌کار نسبت به نقش والدینی خود در مراقبت از فرزندان، جز فراهم کردن غذا و لباس، تعهدی ندارند. (مکوبی، ۱۹۸۴) در این سبک، پدر و مادر از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند و اغلب از رفتار آنها آگاهی ندارند و از بسیاری نیازهای تربیتی فرزندان خود غافل هستند. بی‌مهری و طرد فرزندان از سوی والدین به دو طریق انجام می‌گیرد: «بی‌اعتنایی به وجود فرزند» و «سخت‌گیری نسبت به کارها و فعالیت‌های او». هنگامی که فرزند مورد بی‌اعتنایی کامل قرار گیرد، احساس می‌کند اگرچه یکی از اعضای خانواده است، در واقع نسبت به آنها بیگانه است و تنها یک سربار محسوب می‌شود.

۴-۳-۱. دیدگاه اسلام درباره سبک غفلت‌زده (مسامحه‌کارانه)

تربیت فرزند از دیدگاه اسلام چنان اهمیت دارد که حضرت رسول اکرم ﷺ پدر و مادر بی‌توجه را سرزنش می‌کنند و می‌فرماید: «وای به حال فرزندان آخرالزمان از دست پدرانی که هیچ یک از کارهای لازم و واجب را به آنها نمی‌آموزند و هنگامی که خود فرزندان می‌خواهند علم بیاموزند، به خاطر کمی مال دنیا مانع از آن می‌شوند. من از این پدران بیزارم و آنها نیز از من بیزار خواهند بود» (طبرسی، ۱۴۰۸، ۲/۲۹۰).

پدر و مادر مسئول، فرزندان خود را به روش‌ها و آداب نیکو آشنا می‌کنند، آنها را مؤدب می‌سازند، تعهد و پایبندی به ارزش‌ها و امور شایسته را در آنها پدید می‌آورند و از آنها افرادی شایسته، مؤمن، متدین و نیکوکار می‌سازند (حرانی، ۱۴۰۴). در این روش تربیتی، اسلام والدین را از غفلت نسبت به فرزندان نهی کرده و ضمن تعادل در تقاضا و پاسخ‌دهی، روابط عاطفی معقولی

بین والدین و فرزندان برقرار می‌کند. نظارت و مراقبت غیرمستقیم، براساس ضوابط همراه با عواطف صورت می‌گیرد و به نیازهای مادی و معنوی فرزندان توجه می‌شود. والدین نسبت به سرنوشت فرزندان خود احساس مسئولیت می‌کنند (پرچم، و همکاران، ۱۳۹۱). در شیوه تربیتی اسلامی، والدین در بازی فرزند شرکت می‌کنند، زیرا بازی نیاز طبیعی کودک است و بدون آن، رشد سالم اتفاق نمی‌افتد. بازی‌ها، زمینه پرورش استعدادها، طبیعی، شکل‌گیری اخلاق و رفتار اجتماعی و آماده‌سازی کودک برای زندگی آینده را فراهم می‌کنند (ر.ک.، کلینی، ۱۳۶۷، ۵۱/۲). همچنین والدین از راهنمایی کودک دریغ نکرده و خیر و سعادت او را می‌خواهند، ولی در حضور دیگران او را نصیحت نمی‌کنند تا به شخصیت او ضربه وارد نشود (حرانی، ۱۴۰۴).

در سبک غفلت‌زده، والدین غیرپاسخگو، بی‌توقع و غافل هستند و خود را با زندگی فرزندان درگیر نمی‌کنند. آنها طردکننده، بی‌تفاوت و مسامحه‌کارند و از پذیرش مسئولیت و صدور مجوز انجام کارهای فرزندان خود خودداری می‌کنند.

۲-۳-۴. پیامدهای روان‌شناختی سبک غفلت‌زده

در شیوه تربیتی غفلت‌زده، کودکان احساس می‌کنند سایر جنبه‌های زندگی والدین مهم‌تر از خود آنهاست و به همین سبب عزت نفس بسیار پایینی دارند. این کودکان از نظر اجتماعی رفتار شایسته‌ای ندارند، کنترل ضعیفی بر خود دارند، نمی‌توانند مستقل باشند، انگیزه پیشرفت ندارند، اغلب فاقد اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی لازم هستند. این کودکان طغیانگر، قانون‌شکن، بی‌انگیزه، لوس، پرخاشگر، تکانشگر و از لحاظ اجتماعی نالایق‌اند. (احمدپناهی، ۱۴۰۲)

۴-۴. سبک مقتدرانه

در این سبک، والدین با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار می‌کنند و با ابراز محبت، رابطه خود را با فرزندان مستحکم می‌سازند. آنها از نظر واپایش رفتاری، محدودیت‌های واضح و مناسب با سن فرزندان برای رفتارهای آنها در نظر می‌گیرند و اغلب از تقویت مثبت برای هدایت رفتار

استفاده می‌کنند. با این حال، هنگامی که موقعیت اقتضا می‌کند، از بازخواست و تنبیه ملایم نیز بهره می‌گیرند. (بامریند^۱، ۱۹۹۱)

۴-۱. دیدگاه اسلام درباره سبک مقتدرانه

سبک مقتدرانه نزدیک‌ترین روش به دستورات تربیتی اسلام است. حضرت امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اکرموا اولادکم، احسنوا آدابکم؛ فرزندانان را گرامی بدارید و رفتار خود را با آنان نیکو کنید» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۹۵/۵۱). این حدیث علاوه بر شخصیت دادن به فرزندان و لزوم الگودهی شایسته، بر رفتار درست با آنها نیز تأکید دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فرزند شایسته، دسته‌گلی از جانب خداوند متعال است که میان بندگان قسمت می‌کند» (ری شهری، ۱۳۸۱، ۷۰۸۵/۱۴). برای رسیدن به چنین موهبتی، شایسته است والدین با آگاهی کامل و تربیت صحیح، راه را برای رسیدن کودک به چنین مرحله‌ای فراهم کنند. مهم‌ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندشان احترام گذاشتن به اوست، تا شخصیت فردی و اجتماعی فرزند حفظ شود و او در میان همسالان خفیف و خوار نشود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همان‌گونه که فرزند نباید به پدر و مادر خود بی‌احترامی کند، والدین نیز نباید نسبت به او بی‌احترامی نمایند» (ری شهری، ۱۳۸۱، ۷۱۰۹/۱۴).

احترام به کودک، روحیه استقلال و اعتماد به نفس را تقویت و به رشد سالم شخصیت او کمک می‌کند. این امر محبوبیت کودک را در میان همسالان افزایش می‌دهد و استعداد او در پذیرش و ایفای نقش رهبری و مدیریت شکوفا می‌شود. پیشوایان دینی نیز در آموزه‌های خود راه پرورش صحیح کودک را بیان کرده و در عمل به آن پایبند بودند. (بی‌ریا، و همکاران، ۱۳۷۵) احترام به حقوق فردی و اجتماعی کودکان به آنها می‌آموزد که در آینده فردی عدالت‌خواه باشند. والدین باید میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنند تا این خصیصه در رفتار آینده آنان جلوه‌گر شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «میان فرزندان خود در عطا و بخشش به عدالت رفتار کنید؛ همان‌گونه که دوست دارید آنها نیز در احترام و محبت میان شما عادلانه عمل کنند» (ری شهری، ۱۳۸۱، ۷۰۸۹/۱۴).

در سبک مقتدرانه، والدین کودکان را به استقلال تشویق می‌کنند، اما برای آنها محدودیت‌هایی نیز قائل می‌شوند و عملکرد آنها را کنترل می‌کنند. بین میزان پاسخ‌دهی و میزان کنترل و توقع تعادل برقرار است. والدین کودکان را پایش کرده و استانداردهای روشنی برای آنها تعیین می‌کنند. قاطعیت دارند، ولی خواسته خود را تحمیل نمی‌کنند و محدودکننده نیستند. تبادل کلامی فراوانی با فرزندان دارند و آنها را حمایت می‌کنند. از روش‌های انضباطی حمایت‌کننده و غیرتنبیهی استفاده می‌کنند و انتظار دارند فرزند: قاطع، مسئولیت‌پذیر، خودنظم‌جو و مشارکت‌کننده باشد.

۴-۲. پیامدهای روان‌شناختی سبک مقتدرانه

فرزندانی که در سبک مقتدرانه تربیت می‌شوند، از فرآیندهای شناختی سالم و بهنجار و اعتماد به نفس بالایی برخوردارند. کودکانی که والدینشان از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند، رفتار اجتماعی شایسته‌ای دارند. این کودکان تاب‌آوری و خودمهارگری بالایی دارند؛ چون هم محبوب بوده‌اند و هم خوب راهنمایی شده‌اند، احساس امنیت می‌کنند. (احمدپناهی، ۱۴۰۲). در این سبک، کودکان با همسالان خود کنار می‌آیند و حرمت بالایی دارند. سبک فرزندپروری مقتدرانه قاطع، منطقی، گرم، پرورش‌دهنده و توأم با محبت است و بیش از سایر روش‌ها به اجتماعی شدن کودک کمک می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

امروز بروز ناهنجاری‌های رفتاری در کودکان و نوجوانان پیامدهای ناگواری برای فرزندان، خانواده‌ها و جامعه به همراه داشته است. این موضوع، اهمیت مسئله تربیت کودک را به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و غامض‌ترین مسائل روزمره نشان می‌دهد. روش تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام نیز از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است. روش فرزندپروری مبتنی بر اصولی که در آیات

و روایات آمده است، می‌تواند پیامدهای مثبت فراوانی داشته باشد. نظریه تربیتی اسلام، مجموعه‌ای هماهنگ و یکنواخت از اصول و قواعد تربیت است که برگرفته از قرآن کریم، روایات، سنت و سیره معصومین علیهم‌السلام می‌باشد.

در سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه، غفلت‌زده، آسان‌گیر و مستبدانه، بیشتر بر نوع شخصیت و نگرش والدین تأکید می‌شود؛ درحالی‌که در شیوه فرزندپروری از دیدگاه اسلام، از سویی فطرت ذاتی فرزند مورد توجه قرار می‌گیرد و والدین موظف‌اند برنامه‌ریزی تربیتی خود را براساس آن انجام دهند و خواسته‌های شخصی خود را اعمال نکنند. از سوی دیگر، والدین موظف‌اند از احکام، دستورها و راهنمایی‌های هدایتی و تربیتی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام بهره‌گیرند که مبتنی بر آموزه‌های الهی است. (پرچم، و همکاران، ۱۳۹۱)

در روش تربیتی اسلام، والدین به حقیقت وجودی انسان آگاه هستند و انسان را مستعد رسیدن به همه کمالات می‌دانند. بنابراین، هدف از تربیت فرزندان، رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن به صفات خداوند متعال است. با توجه به این دیدگاه، مهم‌ترین وظایف والدین نسبت به فرزندان عبارتند از:

- احترام به فرزند: یکی از مهم‌ترین وظایف والدین، احترام به شخصیت فرزند است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «اكرموا اولادکم و احسنوا آدابهم؛ به فرزندان احترام کنید و با آداب و روش پسندیده با آنان معاشرت نمایید» (پاینده، ۱۳۶۳).

- توجه به استقلال طلبی فرزند: بذر استقلال طلبی از سال‌های آغازین زندگی کودک شروع به رشد می‌کند و والدین باید زمینه را برای رشد متعادل این میل فراهم آورند و آزادی‌های لازم را به او بدهند. البته آزادی باید محدود باشد. روش‌های آزادمنشانه به کودکان و نوجوانان حق انتخاب و گزینش می‌دهد و زمینه را برای خلاقیت و شکوفایی استعدادهای نهفته آنان فراهم می‌کند. نظارت و تذکر بیش از حد، اثر معکوس داشته و اعتماد به نفس کودک را کاهش می‌دهد. (کریمی، و همکاران، ۱۳۸۳)

- پرورش شخصیت کودکان: والدین با روش‌های مختلف می‌توانند شخصیت کودکان را پرورش دهند که مهم‌ترین آن، سلام کردن و هم‌بازی شدن با آن‌هاست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «من کان له ولد صبا؛ کسی که کودک دارد، باید در راه تربیت او کودکانه رفتار کند» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۲۶/۵).

- اظهار محبت: اولین نیاز روانی کودک و نوجوان، مهر و محبت است. هر کودک و نوجوان برای داشتن احساس امنیت، باید مورد محبت قرار گیرد. ابراز محبت موجب دلگرمی و علاقه‌مندی فرزندان به والدین و زندگی می‌شود. احساس امنیت در نوجوان، زمینه‌ساز پیوند او با والدین را توسعه می‌دهد و در این رابطه رفتار صحیح دینی را می‌آموزد. رابطه مهرآمیز و مداراگرانه با کودکان، قوی‌ترین و سازنده‌ترین رابطه‌هاست. (ر.ک.، حرعاملی، ۱۳۶۷، ۱۲۶/۵)

- جهت‌دهی مثبت به احساسات: کم‌اهمیت جلوه دادن اشتباهات و تقدیر از رفتارها و کارهای ارزشمند فرزندان، سبب دلگرمی و احساس ارزشمندی آنان می‌شود. تقویت احساسات و ارزش‌های مثبت، یکی از مؤثرترین عوامل در هدفمندسازی گرایش‌های دینی فرزندان است. در مجموع، از میان سبک‌های فرزندپروری رایج، تنها سبک مقتدرانه، به دلیل حاکم بودن فضای عاطفی و روابط محترمانه میان والدین و فرزندان، ارزشمند است و می‌توان انتظار تربیت موفق و شکوفایی استعدادها را داشت. کسب مهارت‌های فرزندپروری و انتخاب سبک مناسب، یک سرمایه‌گذاری برای آینده فرزندان است. تربیت درست و اصولی به کودکان کمک می‌کند تا مهارت‌های لازم برای موفقیت در زندگی فردی و اجتماعی را فراگیرند و از نظر روانی سالم‌تر باشند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۳). مترجم: الهی قمشه‌ای. مهدی. تهران: هادی.
- * نهج‌البلاغه (۱۳۷۹). مترجم: دشتی، محمد. قم: مشهور.
- ۱. ابن ابی الحدید (بی‌تا). شرح نهج‌البلاغه. مؤسسه اسماعیلیان للطباعه و النشر و التوزیع.
- ۲. احمدپناهی، علی (۱۴۰۲). سبک فرزندپروری با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۳. احمدی، حسن، و مونا، دریا افزون (۱۳۸۷). مروری بر تاریخچه ارتباط والدین و فرزند پروری. تهران: روزنامه آفرینش.
- ۴. براهنی، علی اکبر. (۱۳۸۵). اصول روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات رشد.
- ۵. برک، لورا (۱۳۸۷). روان‌شناسی رشد (از لقاچ تا کودکی). مترجم: سید محمدی، یحیی. تهران: ارسباران.
- ۶. بی‌ریا، ناصر، و همکاران (۱۳۸۳). روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.

۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۳). نهج الفصاحه. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۸. پرچم، اعظم،، فاتحی‌زاده، مریم،، و اله‌یاری، حمیده (۱۳۹۱). مقایسه سبک‌های فرزند پروری با مریند با سبک فرزند پروری اسلام. نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی سال بیستم، شماره، ۱۴، ص ۱۱۵-۱۳۸.
۹. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۰ق). تحف القول. مصحح: غصاری، علی اکبر. تهران: اعلامیه.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). وسائل الشیعه. تهران: المکتب الاسلامیه.
۱۱. خوانساری، محمد (۱۳۷۳). شرح غررالحکم و درالکلم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. دادستان، پیربخ (۱۳۹۲). روان‌شناسی مرضی تحولی-از کودکی تا بزرگسالی. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. دهخدا، علی اکبر (بی‌تا). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. ری شهری، محمد (۱۳۸۶). حکمت نامه کودک. ترجمه پسندیده، قم: دار الحدیث.
۱۵. شریعتمداری، علی (۱۳۷۵). روان‌شناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۷. طبرسی، حسن ابن فضل (۱۴۰۸). مکارم الخلاق. بی‌نا: منشورات الشریف الرضی.
۱۸. فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۵). حدیث تربیت. بی‌جا: پیام آزادی.
۱۹. کریمی، عبدالعظیم،، و همکاران (۱۳۸۳). آنچه درباره کودک و نوجوان باید بدانیم. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳). فروع الکافی. تهران: المکتبه الاسلامیه.
۲۱. ماسن، هنری،، و همکاران (۱۳۹۵). رشد و شخصیت کودک. مترجم: یاسایی، مهشید. تهران: نشر مرکز.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶). میزان الحکمه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۲۴. موسوی، آ. (۱۳۸۳). خانواده درمانی کاربردی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
۲۵. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۲۶. هبیتی، خلیل (۱۳۸۱). بررسی شیوه‌های فرزند پروری والدین و رابطه آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
۲۷. یعقوبی، احمد ابن اسحاق (۱۳۵۸). تاریخ یعقوبی. بی‌جا: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
28. Baumrind, D. (1991). Effective parenting during the early adoles- cent transition. Familytran- sitions, 2(-), 111- 163.
29. Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. Psychological Bulletin, 113(3), 487- 496.
30. Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting Style as context: An integrative model. Psychological Bllletin, 113, 487- 496.
31. Dehart, T., Pelham, B. W., & Tennen, H. (2006). What lies beneath: parenting style and implicit self esteem. Journal of Experimental Social psycholog, 42, 117- 127.
32. Jago, R., Davison K. K., brockmin. R., page, A. S., Thompson, J. L., & Fox, K. R. (2011). Parenting Styles, parenting practices, and physical activity in 10- to 11- year olds. preventive medicine, 52(1), 44 - 47.
33. Lamborn, S., Mounts, N., Steinberg, L. D., & ormbusch, S. (1991). Patterns of competence and adjustment among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent, and neglectful families. child development, 62, 1049- 1065.
34. Maccoby, E. (1984). Socialization and development chang. Child Development, 55, 517- 52.